

# NASIM



نسیم دانشجویی  
ماهنامه فرهنگی | اعتقادی | اجتماعی  
سال دوم - شماره ۱۱ - آذر ۱۳۹۳

اَمَّا بَدِئَةُ الْبَدِئِ فَعِنْتُكَ يَا كَرِيمُ

اَهْلًا لِيَدِي وَنِصْبًا لِيَوْمِ الظُّهَيْرِ

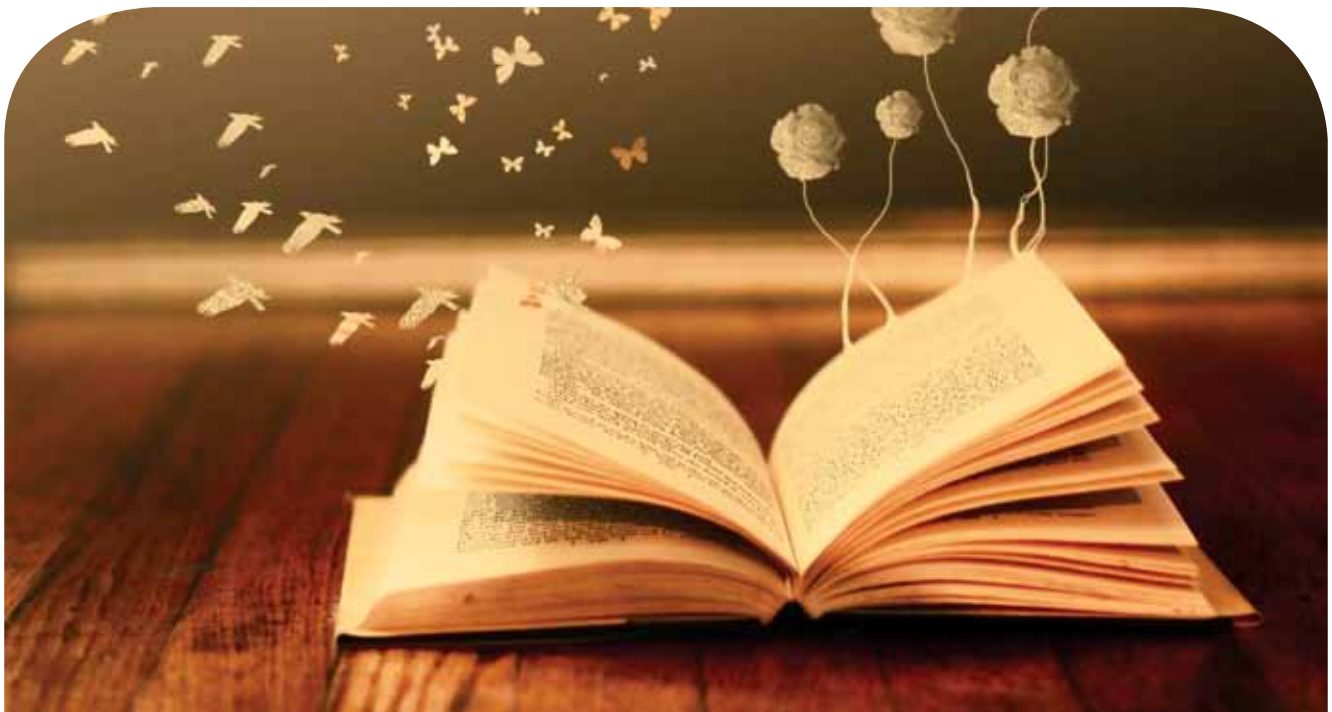
پیوند با قرآن و عاشورا • وفای به عهد و پیمان • شیخ فضل الله نوری • ده نکته که باید درباره ترجمه بدانید  
ثروتمند در مانده • اصحابه ایرانی امامان شیعه • ده بی تدبیری قرن بیستم • اعرابی خسیس • علامت سازی  
زیباترین ایستگاه‌های مترو در جهان • بحث با همسر • چرا نمی‌گذارم فرزندم مسولیت پذیر باشد؟  
تربیت فرزندان • نخستین باتری خورشیدی جهان که ... • آن بیست و سه نفر • هزار و یک نکته  
شعر تاریخچه پول • جامعه آماری و نمونه برداری

امام علی علیه السلام  
الْعَقْلُ يَهْدِي وَيُنْجِي، وَالْجَهْلُ يُغْوِي وَيُرْدِي  
عقل راهنمایی می کند و نجات می دهد و نادانی گمراه می کند و نابود می گرداند.  
تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۱

علم نور است و جهل تاریکی  
جهل خوابست و علم بیداری  
علم راحت برد بیماری  
زان نهانی و زین پدیداری  
گلستان سعدی



- ۴ ◦ سرمقاله
- ۵ ◦ غیرتمندی
- ۶ ◦ پیوند با قرآن و عاشورا
- ۸ ◦ وفای به عهد و پیمان
- ۱۰ ◦ شیخ فضل الله نوری
- ۱۲ ◦ ده نکته که باید درباره ترجمه بدانید
- ۱۳ ◦ ثروتمند درمانده
- ۱۴ ◦ اصحابه ایرانی امامان شیعه
- ۱۶ ◦ ده بی تدبیری قرن بیستم
- ۱۸ ◦ اعرابی خسیس
- ۱۹ ◦ علامت سازی
- ۲۰ ◦ زیباترین ایستگاه‌های مترو در جهان
- ۲۴ ◦ اخبار مسجد
- ۳۰ ◦ بحث با همسر
- ۳۱ ◦ نکاتی مهم که درباره کابینت باید بدانید
- ۳۲ ◦ چرا نمی گذارم فرزندم مسولیت پذیر باشد؟
- ۳۴ ◦ تربیت فرزندان
- ۳۶ ◦ خورش کرفس
- ۳۷ ◦ کرفس
- ۳۸ ◦ راهنمای خرید محافظ و چند راهی برق
- ۴۰ ◦ نخستین باتری خورشیدی جهان که ...
- ۴۱ ◦ درختوید
- ۴۲ ◦ آن بیست و سه نفر
- ۴۴ ◦ هزار و یک نکته
- ۴۵ ◦ شعر
- ۴۶ ◦ تاریخچه پول
- ۴۸ ◦ جامعه آماری و نمونه برداری
- ۵۰ ◦ جدول



## باز محرم شد و دل غم گرفت خیمه غم بوی محرم گرفت

سرّ سفارش دایم اهل بیت بر تقویت و گسترش عزاداری‌ها را اگر بخواهیم بیان کنیم شاید بتوان گفت مهمترین وظیفه و علت سفارشات اهل بیت زنده نگهداشتن یاد دین و ذکر است. و این همان معنی واقعی ذکر که **فَذَكَرْ فَاذْكَرِي تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ** است. ذکر به این معنی نیست که تسبیح بدست بگیریم و کلمات بگوییم که البته ثواب آنها هم سر جای خودش ولی اصل کار این است که ما را به فکر فرو برده و راه ما را روشن کنند. لذا است که امام می‌فرماید **رحم الله عبدا احيا امرنا خدا رحمت کند کسی که امر ما را زنده کند** پرسیدند **امر شما را چگونه زنده کنند** فرمود این که دور هم جمع شوند و کلمات ما را بگویند. یادمان باشد که مهمترین سرمایه‌ای که پدران و مادران ما به ما داده‌اند این محبت اهل بیت است و این بهترین سرمایه ایست که ما هم می‌توانیم به فرزندانمان هدیه دهیم. اینکه هر ساله این ایام حال و هوایی دیگری بین شیعه و محبین اهل بیت وجود دارد هم همین سفارشات اهل بیت است که پدران و مادرانمان از ابتدا ما را در این مجالس بزرگ کرده‌اند و ما را با رشته محبت اهل بیت پیوند داده‌اند. فراموش نکنیم که بهترین موقعیت برای احیای امر و تربیت فرزندان ما همین محرم صفر و رمضان است چه برای خود ما و چه برای فرزندان ما. به روایت زیر توجه کنید که امام ابتدا مرحله‌ای از محبت و ارزش آن را برای صحابی بیان می‌کند و سپس به یکی از اصحاب و یاران نزدیکشان مرحله‌ای بالاتر و والاتر را نشان می‌دهند. این ایام فرصت بالا بردن معرفت‌مان نسبت به اهل بیت است که مقام و رتبه‌ای بالاتر را بدست بیاوریم و خود را از عامی بودن بالا بکشیم و جزء خواص شویم

### همه‌ی شیعیان غنی هستند

مردی از شیعه خدمت امام صادق (ع) آمد و عرض کرد: آقا، من فقیر شده‌ام. امام فرمود: **(أَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَ تَدْعِي الْفَقْرَ)؛ «تو شیعه‌ای ما هستی و اظهار فقر می‌کنی»؟**

و حال آن که: **(شِيعَتُنَا كُلُّهُمْ أَغْنِيَاءُ)؛ «همه‌ی شیعیان ما اغنیاء هستند»**. فقیر میانشان نیست. گفت: آقا، چه طور فقیر در میانشان نیست؟ من فقیرم. فرمود: بگو ببینم اگر تمام دنیا را پر از نقره کنند و به تو بدهند، حاضری آن محبتی را که به ما داری از دل بیرون کنی؟ گفت: نه، به خدا قسم، اگر همه را هم طلا کنند، من حاضر نیستم محبت و ولایت شما را از دست بدهم. امام (ع) فرمود: پس تو ثروتمندی؛ سرمایه‌ای داری که از همه‌ی کوهی زمین که پر از طلا و نقره باشد بالاتر است. پس آن کسی فقیر است که آنچه تو داری ندارد، مسائل مادی چیزی نیست که بگویی من فقیرم. آنگاه مقداری پول عنایت فرمودند تا جنبه‌ی ظاهرش هم درست بشود. یونس بن یعقوب می‌گوید، عرض کردم: **(لَوْلَايِي لَكُمْ وَ مَا عَرَفَنِي اللَّهُ مِنْ مَحَبَّتِكُمْ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا بِحَذَائِرِهَا)؛ «آقا! به خدا قسم، این ولایت و محبتی که به شما دارم، از تمام دنیا و آنچه در آن است نزد من محبوب‌تر است»**.

او خیال می‌کرد حرف خوبی زده است. امام (ع) اندکی از این حرف ناراحت شد و فرمود: **(يَا يُونُسُ قِسْتِنَا بغيرِ قِيَاسٍ)؛ «ای یونس، تو در مورد ما مقایسه‌ی نادرستی کردی»**.

محبت ما را با دنیا و ما فیها مقایسه کردی؟ مگر دنیا چیست؟ **(مَا الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا إِلَّا سُدٌّ قَوْرَةٌ أَوْ سَتْرٌ عَوْرَةٌ)؛ «دنیا مگر چیست؟ با غذایی شکم را سیر کردن و با لباسی عورت خود را پوشاندن»**.

این چیزی نیست که آن را با محبت ما مقایسه می‌کنی. **(وَ أَنْتَ لَكَ بِمَحَبَّتِنَا الْحَيَاةُ الدَّائِمَةُ)؛ «محبت ما حیات ابدی برای تو می‌آورد»**.



# غیرت مندی

شدت دفاع کند و هرگز در این مسئله کوتاه نیابند. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: مرد بر خلاف آنچه در ابتدا به نظر می‌رسد، در عمق روح خود از ابتدال زن و تسلیم و بی‌ارادگی او منتفر است و همیشه عزت و بی‌نیازی و بی‌اعتنایی زن را نسبت به خود ستوده است. غیرت، آفت‌هایی نیز دارد که یا آن را از میان می‌برد یا آن را بسیار کم رنگ می‌سازد. «اگر مرد در شهوت‌های نفسانی غوطه‌ور گردد و کمالات انسانی خود را کم کند، دست دهد، غیرت نیز همانند دیگر کمالات اخلاقی، نورانیت خود را از دست می‌دهد و خاموش خواهد شد. در این صورت، اگر همسرش وسیله کام‌جویی دیگران قرار گیرد و دست و نگاه آلوده متوجه او شود، نه تنها آزرده خاطر نمی‌شود، بلکه لذت می‌برد و افتخار هم می‌کند و حتی بیشتر از زن، در نشان دادن زیبایی‌های همسر خود به نامحرمان اصرار می‌ورزد».

## غیرت اجتماعی

«جامعه اسلامی، اجتماعی به هم پیوسته است که فرد فرد این جامعه، نباید خود را تافته جدا بافته از دیگران بدانند. مردان موظفند. در برابر بی‌مبالاتی‌ها، مرزشکنی‌ها و اذیت و آزارها و حرمت‌زدایی‌های ناموسی بایستند، به گونه‌ای که ناموس اجتماع را ناموس خود بدانند و در حفظ حرمت‌ها، زنان مسلمان را مانند همسر خود بپندارند. پس تنها در چنین جامعه‌ای است که زن و دختر آن‌ها نیز از نگاه‌های آلوده نامحرمان در امان خواهند بود و پاکی و طهارت اجتماع، باقی خواهد ماند».

از این رو، بر همه افراد جامعه فرض است که هرگز به این مرزشکنی‌ها نزدیک نشوند و زمینه حرمت شکنی ناموس‌ها را فراهم نکنند. امام صادق علیه‌السلام در تعبیری زیبا این مسؤلیت خطیر اجتماعی را چنین گوشزد می‌کند: عَفُوا عَنِ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفُّ نَسَائِكُمْ. چشم پوشی کنید از زنان مردم تا مردم از زنانان چشم ببوشند.

## میان‌ه روی در غیرت

کوتاهی و زیاده‌روی در هر کاری، سبب منحرف شدن آدمی از راه درست و مستقیم است و او را از رسیدن به هدف الهی باز می‌دارد و پی‌آمدهای ناگواری نیز به دنبال دارد. غیرت ورزی نیز چنین است و در صورت تفریط و افراط در آن، آثار شومی دامن گیر انسان خواهد شد. زیاده‌روی در غیرت افزون بر آن که موجب بدگمانی شخص نسبت به ناموس او می‌شود، احساس شخصیت را نیز از ناموسش می‌ستاند.

درباره کوتاهی و بی‌توجهی در امر غیرت نیز در آموزه‌های پیشوایان اسلام بسیار سخن‌ها برجاست. مردی که تحت تأثیر تبلیغات شیطانی، هویت اصیل خود را از دست داده و زن را همچون کالایی مادی می‌پندارد و شخصیت خود را در داشتن زنی که در منظر دیگران خود را می‌آراید، جست و جو می‌کند، به سرزنش اسلام در می‌آید، چنان که امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در چنین اوضاعی بر سر مردم کوفه فریاد می‌زند که: «أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ لَا تَعَارُونَ؟...؛ چرا حیا نمی‌کنید، مگر - شما غیرت ندارید؟...».

## عوامل بی‌غیرتی

اما همین مردانی که در عمق وجود خود از ابتدال زنان تفر دارند در شرایطی نه تنها این تفر در وجود آن‌ها پیدا نمی‌شود بلکه از ابتدال لذت هم می‌برند که عوامل متعددی این بی‌غیرتی را به وجود می‌آورد.

یکی از عواملی که باعث می‌شود انسان‌ها به سوی بی‌غیرتی حرکت کنند این است که افراد جامعه غرق در حرام شوند و محرمات الهی را انجام دهند که یکی از مهم‌ترین این محرمات مشغول شدن به ترانه‌ها و موسیقی‌های حرام و مبتذل می‌باشد که مرد را بی‌غیرت و زن را بی‌حیا می‌کند.

یکی دیگر از عوامل بی‌غیرتی این است که انسان در خود ضعف و خود کم بینی می‌بیند و نمی‌تواند از آنچه باید محافظت کند دفاع کند. در جامعه کنونی ما مردانی را می‌بینیم که خیلی ادعای غیرت ناموسی دارند ولی از طرفی وقتی ناموس آن‌ها در جامعه رفت آمد می‌کند و در هر ثانیه هزاران نگاه آلوده ناموس آن‌ها را دنبال می‌کند نه تنها آزرده خاطر نمی‌شوند بلکه لذت می‌برند که مثلاً خواهر و یا دختر و یا همسر ما چقدر جذابیت دارد که توانسته است هزاران نگاه را به خود جذب کند.

به نظر شما افرادی که حاضرند نوامیس خود را به هر شکل و شمابلی در کوچه و خیابان بیاورند و به آن‌ها افتخار کنند غیرت را چگونه معنا می‌کنند؟

غیرت، حس درونی است که خداوند آفرینش او را برای محافظت و نگاهبانی از حریم خانواده و پاسداری از نسل، در وجود مرد نهاده است. در حقیقت، این حس در مرد وجود دارد که می‌خواهد ناموس خود را از دسترس کام‌جویی دیگران دور کند.

## غیرت و مردانگی

«غیرت» به معنای رشک و حسد مردانه و سرشار از صفات آن است و در تداول فارسی زبانان به معنای حمیت و محافظت عصمت و آبرو و ناموس و نگهداری عزت و شرف آمده است، شاعران فارسی زبان هم هر کدام به نحوی این واژه را در اشعار خود به کار برده‌اند از جمله نظامی در مورد غیرت می‌گوید: اگر غیرت بری با درد باشی و گر بی غیرتی نامرد باشی

## اما غیرت خود بر سه نوع است:

**غیرت دینی، غیرت ملی و غیرت ناموسی، غیرت دینی** اینکه انسان مسلمان نسبت به اسلام و مسائلی که به عنوان یک مسلمان بر گردن او واجب است حساس باشد و نسبت به آن‌ها کوتاهی نکند را غیرت دینی می‌نامند. امام صادق علیه‌السلام نیز در حدیثی فرمود: **إِنَّ اللَّهَ غَيُّورٌ، يُحِبُّ كُلَّ غَيُّورٍ، وَ مِنْ غَيْرَتِهِ حَرَمَ الْفَوَاحِشِ ظَاهِرَهَا وَ بَاطِنَهَا**: همانا خداوند، غیور است و هر غیوری را دوست دارد و از غیرت اوست که همه گناهان آشکار و پنهان را حرام کرده است.

## غیرت ملی

همان احساس مسؤلیت در برابر تمامیت ارضی کشور اسلامی و دلسوزی و حمایت از مسلمانان و عزت و شرف آنان است. قرآن مجید کسانی را که در راه خدا و دفاع از زنان و کودکان جهاد نمی‌کنند را بی‌غیرت می‌خواند و آن‌ها را این طور نکوهش می‌کند:

«وَ مَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ» نساء، آیه ۷۵

شما را چه شده که در راه خدا و مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ غیرت، یکی از ویژگی‌های برجسته اخلاقی پیامبران و اولیای الهی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **كَانَ اِبْرَاهِيمُ اَبِي غَيُّورًا، وَ اَنَا اَغْيَرُ مِنْهُ وَ اَرْغَمُ اللَّهُ اَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ**. پدرم ابراهیم، غیور و جوان مرد بود و من از او غیورترم و خداوند بینی کسی را که اهل ایمان است، ولی غیرت ندارد، به خاک می‌مالد.

## غیرت ناموسی

حمایت و حفاظت از ناموس، ارتباط زیادی با شرف و مردانگی افراد دارد و اسلام با تأکید از افراد جامعه خواسته که از ناموس خود و هم‌کیشانانش به

اَمْ نَبِيٍّ لِّدِينِكُمْ الْعِيسَىٰ

اَمْ نَبِيٍّ لِّدِينِكُمْ الْعِيسَىٰ

## پیوند با قرآن و عاشورا

حسن عرفان / ما و عاشورا

شگفتی آفرین وجود دارد، که بد نیست به نمونه‌هایی از آن اشاره شود: آن جا یک دانه برنج است که بر آن به خط شفاف آقای رقم فضل الرحمن دهنوی آیت الکرسی نقش بسته است؛ یا یک دانه برنج که سوره مبارکه توحید بر آن نگاشته شده یا چهل ورق از قرآن در ابعاد ۱۷۷ در ۱۰۱ سانتی متر به خط بایسنقر بن شاهرخ گورکانی که روی کاغذ مخصوصی نگاشته شده و از عجایب خطوط جهان است. قرآن دیگری است که صفحه‌های آن از چوب است و حاشیه آن از کاغذ؛ ولی چوب آن به قدری تراشیده و تطیف شده که از نظر لطافت و نازکی هم سطح کاغذها در آمده است؛ این قرآن به خط یاقوت معتمدی نوشته شده و مقصودبیک آن را وقف کرده است. قرآنی هم در کتاب خانه آستان قدس رضوی به ثبت رسیده که آن را روی کتان نوشته‌اند. قرآن بسیار کوچک دیگری است که با موی دم اسب نگاشته شده است. قرآن دیگر، قرآنی است که فقط بر روی یک برگ نوشته شده است. البته در آن برگ، سی جدول هست که در هر خانه جدول، یک جزء از قرآن تدوین شده. این قرآن مربوط به دوران صفویه است. یکی دیگر از عجایب هنری که در قلمرو قرآن شکل گرفته، یک تفسیر بی نقطه است به نام «سواتع الالهام» که تالیف شیخ ابوالفضل هندی دکنی است. این، تفسیر تمام قرآن است و حتی یک نقطه در آن وجود ندارد. این تفسیر در سال ۱۰۰۲ ه.ق تالیف شده و در کتاب خانه آستان قدس به ثبت رسیده است.

کارهای دیگری هم در قلمرو قرآن انجام شده که از عجایب هنری تاریخ بشر است. قرآن خطی دیگری در کتاب خانه آستان قدس رضوی هست که معروف به یازده سطری است. کاتب این قرآن به گونه‌ای آن را به نگارش در آورده که در تمام صفحه‌ها، حرف اول از سطر اول، با حرف اول از سطر آخر مطابقت دارد و به همین ترتیب، از سطرهای دوم تا پنجم با حرف اول از سطرهای هفتم تا دهم مطابق و سطر ششم در همه صفحه‌ها، منفرد است. از این دست کارهای شگفت هنری در حوزه قرآن بسیار است. درباره عاشورا نیز هنرهای گوناگونی متجلی شده است؛ مثل هنر نمایش تزئین که از دیرینه ترین هنرهای نمایشی جهان است؛ هنر شعر، مرثیه سرایی، نقاشی، آوازخوانی، سخنوری و... این‌ها جلوه‌های شکوهمند این ارتباط هنری با دانشگاه امام حسین علیه السلام است.

سخن درباره دانشگاه عاشورا بسیار است. پیوسته باید درس‌های این دانشگاه را باز گفت و باز شناخت. آموزه‌های این دانشگاه، هم کاویدنی است و هم زندگی ساز.

یکی از مهم‌ترین بحث‌های پژوهشی درباره عاشورا، تعیین نوع ارتباط ما با این رویداد است. با قرآن کریم و دانشگاه عاشورا، همواره چهارنوع ارتباط هم سان وجود داشته است؛ ارتباط علمی، ارتباط هنری، ارتباط تبرک جویانه و ارتباط عملی.

### ارتباط علمی

برخی نمونه‌های ارتباط علمی در قلمرو قرآن عبارتند از: واژه شناسی قرآن، تفسیر قرآن، تاریخ قرآن و شناخت‌های گوناگونی که از این کانون ژرف می‌توان به دست آورد.

این پژوهش‌ها نیاز به هم‌کیشی هم ندارد؛ یعنی یک پژوهش‌گر ناهم‌کیش مثل پرفسور «توشی هیکو ایزوتسو»ی ژاپنی هم می‌تواند بیاید و به شناخت‌های گوناگونی از قرآن برسد. دانشمندان بسیاری بوده‌اند که در حوزه معارف قرآنی، دست آوردهای گسترده‌ای داشتند، در حالی که هیچ‌گاه مسلمان نبوده‌اند. در عرصه مسایل عاشورا هم همین ارتباط وجود دارد. یعنی می‌توان یک نوع ارتباط علمی با دانشگاه عاشورا برقرار کرد. مثل تاریخ نگاری عاشورا، تاریخ شناسی، عوامل به وجود آورنده عاشورا، دست آوردهای آن و ... که نوعی ارتباط علمی است که حتی ناهم‌کیشان ما هم درباره عاشورا داشته‌اند.

### ارتباط هنری

دومین ارتباط، ارتباط هنری است. ارتباط هنری در حوزه قرآن کریم و در حوزه عاشورا، جلوه‌های گوناگونی داشته و دارد. در حوزه قرآن و در پرتو آن، هنرهایی مثل، خوشنویسی، تهذیب، جلدسازی، هنرهای بلاغی، صوت و لحن و مانند این‌ها، اوج گرفتند و رشد یافتند؛ چون بستر رشد هنر، عشق است، این هنرها در قلمرو عشق به قرآن بلیده‌اند و گاهی حتی با معجزه هم همخوان شده‌اند. بعضی از این کارهای هنری که در حوزه قرآن انجام گرفته، از عجایب هنری جهان است. در کتاب خانه آستان قدس رضوی برخی از این آثار برجسته و

## ارتباط تبرک جویانه

ارتباط سوم، ارتباط تبرک جویانه است. که به طور کلی، یکی از گسترده ترین تبلورهای مذهبی است. اعتقاد به قداست، کارسازی، توسل ها، نیایش ها و باورهای مردم، این ارتباط های تبرک جویانه را در طول تاریخ پدید می آورد. قرآن کریم، یادآور می شود که چشمان یعقوب به برکت پیراهن یوسف شفا یافت. البته ناگفته نماند، این نوع ارتباط اگر راه افراط بیوید یا آن که تنها راه ارتباط دینی باشد، تبدیل به یک فاجعه می شود. بوسیدن قرآن، از زیر قرآن گذشتن یا در آغاز سفر، خود را به قرآن متبرک کردن، همراه داشتن و خواندن قرآن برای شفای بیماران، استخاره گرفتن با قرآن و مانند این ها، نوعی ارتباط تبرک جویانه با این کانون ژرف معارف الهی است. در زمینه عاشورا نیز گریستن، سینه زدن، توسل جستن، همراه داشتن تربت و همراه میت نهادن آن، کام کودک گرفتن با تربت امام حسین علیه السلام پیاده رفتن به زیارت آن حضرت و ... همه این ها جلوه های ارتباط تبرک جویانه با مکتب امام حسین علیه السلام است و این ارتباط، هیچ گاه محدود به شیعیان نبوده و نیست. پیروان ملت های نا هم کیش ما نیز پیوسته بدان تبرک جستند و بهره ها برده اند و پیوسته این ارتباط تبرک جویانه را در طول تاریخ، با مکتب امام حسین علیه السلام داشته اند.

**مهم ترین فاجعه ای که امروز در میان سوگواران مکتب عاشورا وجود دارد، این است که از یک سو ارتباط های تبرک جویانه اوج گرفته است و از سوی دیگر پیوندهای عملی سست و ضعیف شده است**

کتابی نوشته شده است به قلم آقای ربانی خلخالی که در آن، صدها نمونه از توسل های یهودیان، زرتشتیان و مسیحیان بیان شده که این ها با این نوع ارتباط تبرک جویانه به نام مقدس امام حسین علیه السلام، بهره ها گرفته اند؛ اگر بیمار بوده اند بهبود یافته اند و اگر گرفتار بوده اند، نجات پیدا کرده اند.

## ارتباط عملی

چهارمین ارتباط با قرآن کریم و عاشورا، ارتباط عملی است که کارسازترین و آموزنده ترین شیوه های ارتباطی است. خداوند می فرماید «فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صالحا؛ کسی که مشتاق لقای پروردگار است، باید کار شایسته انجام دهد».

**کسی که حق الناس را رعایت نمی کند و عزاداری می کند، از ارتباط عملی با مکتب امام حسین علیه السلام بی خبر است و پیوند امام با او فقط پیوند تبرک جویانه است**

یعنی ارتباط تئوریک یا تبرک جویانه یا هنری با یک مکتب، به تنهایی کارساز نیست؛ به آیه های دیگری نیز می شود اشاره کرد؛ مثل «یا ایها الرسول کلوا من الطیبات و اعملوا صالحا» در این آیه نیز سخن از عمل است. پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی که فتنه ها و چالش ها و بحران ها چونان شب تیره، زندگی شما را فرا گرفت، بر شما باد به قرآن» یعنی بر شما باد عمل به قرآن؛ چرا که عمل به قرآن است که ما را از تاریکی ها به نور می کشاند، و بحران ها را از بین می برد؛ نه فقط پیوند تئوریک با مفاهیم قرآن؛ پیوند تئوریک با مفاهیم قرآن نجات بخش نیست. امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند: «العمل شعار المؤمن» نیز فرمودند «العمل، العمل؛ النهایه، النهایه؛ کار کار؛ پایان اندیشی، پایان اندیشی» و «الله الله فی القرآن لا یسئکم بالعمل به غیرکم؛ شما را به خدا، شما را به خدا در مورد قرآن رعایت کنید» و فرمودند: کسان دیگری در عمل به قرآن از شما پیشی نگیرند. ببینید! سخن از عمل به قرآن است. آن چه ما را از همه بحران ها، تاریکی ها، غفلت ها و دشمنی ها نجات می دهد، عمل به قرآن است. عمل به قرآن، شفا و نور است. اگر ما به قرآن، حضور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بدهیم، از همه بحران ها نجات پیدا می کنیم. در ارتباط با عاشورا نیز این گونه است. اگر همان گونه که امام حسین

علیه السلام فرمودند: «برای شما در قیام من، در حرکت خونین من، اسوه است» اگر ما به امام حسین علیه السلام به عنوان یک مقتدا نگاه کنیم، به عنوان یک اسوه و اسطوره ای که لباس عمل پوشیده است، اسطوره ای که به میدان آمده است، اسطوره ای که نمایش عملی از ارزش ها را به میدان آورده است؛ اگر مثل امام حسین علیه السلام، طاغوت ستیز باشیم و ذلت ستیز؛ اگر بیعت پذیر نباشیم و خلاصه اگر امام حسین علیه السلام مقتدای عملی ما باشند، می توانیم تمام بحران های کنونی را پشت سر بگذاریم؛ این از درس های لازمی است که ما باید بیاموزیم باید در کنار ارتباط تبرک جویانه، در کنار ارتباط هنری و در کنار ارتباط علمی با قرآن و مکتب عاشورا، مهم ترین کار را اقتدای عملی بدانیم.

مهم ترین فاجعه ای که امروز در میان سوگواران مکتب عاشورا وجود دارد، این است که از یک سو ارتباط های تبرک جویانه اوج گرفته است و از سوی دیگر پیوندهای عملی سست و ضعیف شده است. ببینید! یکی از درس های مهم عاشورا، رعایت حقوق مردم و مراعات حق الناس است. در همین واقعه عاشورا، یک نفر از سوی امام حسین علیه السلام ندا داد، کسی که بدهکار و وام دار است با ما نیاید. یعنی حسینی نیست کار کسی که بدهکار و وام دار است و به قیام امام حسین می پیوندد. باید پیش از این که به امام حسین علیه السلام بیبوند، وام خویش را بپردازد و حقوق مردم را ادا کند. اگر ما در هیئت های عزاداری و سینه زنی شرکت کنیم و برای امام حسین علیه السلام مشکی ببوشیم، در حالی که حقوق مردم را رعایت نمی کنیم و حق الناس را نمی پردازیم، بدانیم که ما تنها ارتباط تبرک جویانه با مکتب امام حسین داشته و هیچ پیوند عملی با مکتب امام حسین نداریم. کسی که وام دار است و عزاداری می کند، کسی که به حقوق مردم تجاوز می کند و از آن سو به عزاداری هم می پردازد، کسی که حق الناس را رعایت نمی کند و عزاداری می کند، از ارتباط عملی با مکتب امام حسین علیه السلام بی خبر است و پیوند امام با او فقط پیوند تبرک جویانه است. امیدواریم که خدا به ما توفیق دهد تا در کنار پیوند تبرک جویانه، پیوند هنری و پیوند علمی با مکتب امام حسین علیه السلام، پیوند عملی نیز پیدا کنیم تا همه یزیدیان، تا گورستان بدرقه شوند.

امروز، امپریالیسم و صهیونیسم، دو یزید معاصر ما هستند و تنها با پیوند عملی با امام حسین علیه السلام و خلق عاشورایی دیگر، خواهیم توانست بر این دو یزید معاصر، پیروز شویم.

# وفاء به عهد و پیمان

## آیت الله جوادی آملی

### ● مقدمه

در شماره پیش گفتیم که مهمترین سرمایه انسانی سرمایه اجتماعی است و این سرمایه تا آنجا مهم است که تمامی توسعه‌ها در پرتو این سرمایه به ثمر نشسته و به دست می‌آید و گفته شد که وفای به عهد در نزد اسلام دارای مقام و منزلتی بالاست تا آنجا که جزء نشانه‌های مومن شمرده شده است و... حال در این شماره به بررسی وفای به عهد از جنبه‌های گوناگون و حدود آن می‌پردازیم.

### ● وفاء به عهد از احکام بین المللی اسلام

قرآن کریم بر وفا به عقد و عهد تکیه می‌کند و آن را از برنامه‌های بین المللی خود می‌داند. هرگاه انسان عقدی می‌بندد خواه با شخص یا دولتی چه مؤمن و مسلمان یا کافر، این عقد واجب الاطاعه و واجب الوفاء و نقض آن حرام است. از این رو قرآن به مؤمنان دستور می‌دهد به عقد و عهدی که با مشرکان بسته اند وفادار باشند. کیف یکون للمشرکین عهد عند الله و عند رسوله الا الذین عاهدتم عند المسجد الحرام فما استقاموا لكم فاستقیموا لهم؛<sup>۱</sup> چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و رسول او خواهد بود (در حالی که آن‌ها همواره آماده شکست پیمان شما هستند) مگر کسانی که نزد مسجد الحرام با آنان پیمان بستید (و پیمان خود را محترم شمرند) تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند شما نیز وفاداری کنید.

اما اگر سرگردان آن‌ها پیمان شکنی کردند با آنها ستیز کنید؛ و اگر پیمان‌های خود را پس از عهد بشکنند و آیین شما را مورد طعن قرار دهند با پیشوایان کفر پیکار کنید چرا که آن‌ها پیمانی ندارند.

### ● اقسام عهد و پیمان

#### عهد و پیمان دارای اقسامی است:

**عهد با خدا** که عقد توحید است یعنی انسان با خدا میثاق و پیمان می‌بندد که او را به یکتایی و یگانگی بشناسد و فقط در برابر او عبادت کند و از او - پیروی نماید و از غیر او چه شیطان باشد، چه انسان باشد یا هوای نفس باشد - اطاعت ننماید. از این رو قرآن در سوره یس فرمود: «الم عهد الیکم یا بنی آدم ان لاتعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین و ان اعبدونی هذا صراط مستقیم»<sup>۲</sup> آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید که او برای شما دشمن آشکاری است و این که مرا پرستید که راه مستقیم این است.

در لزوم وفاء به عهد الهی فرمود: «و اوفوا بعهد الله اذا عاهدتم ولاتنقضوا الایمان بعد توکیدها و قد جعلتم الله علیکم کفایلا»<sup>۳</sup> هنگامی که با خدا عهد بستید به عهد با خدا وفا کنید و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید در حالی که خدا را کفیل و ضامن بر سوگند خود قرار داده اید.

**عهد با رسول خدا** که همان عهد نبوت با رسول خدا است.

**عهد با اولیاء خدا** که همان عقد ولایت با آن هاست.

در این سه قسم آدمی باید با پیمانی که به خدا و پیامبر و اهل بیت او منعقد کرده است وفاء کند.

**عهد با مردم:** انسان هر نوع تعهد و قراردادی که با مردم منعقد می‌کند باید به آن وفاء کند که ممکن است این عهد در قالب معاملات و داد و ستد انجام شود که وفاء به آن در چارچوب همان قرار داد لازم الوفاء است از باب مثال اگر معامله‌ای انجام شد و خرید و فروشی به وقوع پیوست، خریدار باید پول را پرداخت کند و فروشنده نیز باید کالا را تحویل دهد و اگر تعهدات از نوع اخلاقی باشد در آن جا نیز به لحاظ این که آن تعهد محترم است لازم الوفاء است و گرنه آدمی از نیل به کمال و فضائل اخلاقی و مقامات عالیه انسانی باز می‌ماند.

### ● پیمان شکنی زورمندان

تحلیل قرآن درباره وفاء به عهد و عقد آن است که عده‌ای قدرت مند و قدرت مدار به عهدشان وفا نمی‌کنند و این سر فتنه عالم است، انسان نمی‌تواند زندگی کند. چنان که دولت‌ها باید به ناچار با دولت‌های دیگر تعامل مالی یا حقوقی داشته باشند و این بدون عقد و عهد تحقق پیدا نمی‌کند و اگر به تعهد عمل نشود و هر قدرتمند عقدش را زیر پاگذارد نمی‌توان مسالمت آمیز زندگی کرد. بر این اساس است که احترام به عقود و قرار داد متقابل واجب و لازم است و اگر قدرتمندی با اتکاء به قدرت خود در رابطه با ملت‌های ضعیف تنها به منافع خود بیاندیشد و با اندک بهانه‌ای پیمان شکنی کند نمی‌توان نظمی در جهان برقرار کرد و با امنیت و آرامش به زندگی ادامه داد. از این رو لازم است همه آدمیان بر این اساس به قوانین بین المللی و به عقد و عهد پای بند بوده و به منافع همگان فکر کنند تا ثبات و امنیت برقرار و ادامه زندگی میسر باشد.

**عهد با خویشین:** عهدهایی که انسان به هنگام تهذیب نفس و خودسازی و در طریق تکامل صفات نیک و اعمال صالحه با خودش منعقد می‌کند، یعنی انسان با خود تعهد می‌کند که هر روز جز در مسیر طاعت حق گام بر ندارد و از گناهان بپرهیزد و این عهد با خویشین همان است که علمای اخلاق و عرفان از آن به مشارطه و مراقبه و محاسبه یاد می‌کنند که آدمی پیوسته با خود شرط میکند هر روز چه کارهایی را انجام دهد و از چه کارهایی بپرهیزد و در طول روز مراقب و نگهبان خویش باشد که به این تعهد عمل کند و شامگاهان با محاسبه و حسابرسی از خویشین و بررسی اعمال روزانه خود کاستی‌های خود را شناخته و با توجه به آن با توبه به جبران آن اقدام کند و در صورت مثبت بودن اعمال به ستایش خدای سبحان بپردازد.

### ● شهداء وفا کنندگان به عهد الهی

در قرآن کریم آمده است که مجاهدان با خدا پیمان می‌بندند که با حضور در جبهه‌های نبرد از دین خدا دفاع کنند، عده‌ای صادقانه بر این عهد پای بندند و تا پای شهادت پیش می‌روند و عده‌ای در انتظارند و عده‌ای پیمان شکنی می‌کنند، قرآن کریم در سوره احزاب در این خصوص می‌فرماید: «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فممنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا»<sup>۴</sup> در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند و بعضی پیمان خود را به آخر بردند و در راه او شربت شهادت نوشیدند و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده‌اند.

### ● انبیاء الهی الگویی وفاء به عهد

پیامبران الهی و اولیاء خدای سبحان از وفا کنندگان به عهد الهی هستند انسان‌ها نیز باید با اسوه قرار دادن آن‌ها به عهد و پیمان پای بند باشند. قرآن کریم یکی از مصادیق و اسوه‌های وفا به عهد را ابراهیم خلیل الرحمن معرفی کرده است و فرمود: «و ابراهیم الذی وفی»<sup>۵</sup> و ابراهیمی که به عهد خود وفاء کرده و وظیفه خود را به طور کامل ادا کرد.

از حضرت اسماعیل نیز به (صادق الوعد) یاد کرد و فرمود: «و اذکر فی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولا نبیا»<sup>۶</sup> و در این کتاب از اسماعیل یاد کن که او در وعده‌هایش صادق و رسول و پیامبری بزرگ بود.

ذکر حضرت ابراهیم و اسماعیل به عنوان وفاء کنندگان به عهد و صادق بودن در وعده از باب مثال است، در واقع همه انبیاء الهی از این وصف مهم بهره مندند و مؤمنان باید در وفاء به پیمان به آن‌ها اقتداء کرده و آن‌ها را اسوه خود قرار دهند.



### ● ابعاد عهد و پیمان و وفاء به آن

عهد و عقد دارای ابعاد مختلفی است هم دارای بعد فقهی و حقوقی است و هم دارای بعد اخلاقی، در فقه و حقوق از عهد و عقد از جهت لزوم و جواز و از جهت امکان فسخ و عدم آن و همچنین از این جهت که با چه کسانی می‌شود پیمان بست و با چه کسی نمی‌توان پیمان بست بحث می‌شود که به تفصیل در فقه و حقوق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اما از جنبه اخلاقی، از معاهده و پیمان از آن جهت بحث می‌شود که دارای ارزش معنوی است و موجب کمال نفس می‌گردد و به لحاظ اجتماعی موجب تحکیم پیوندهای اجتماعی و تقویت اعتماد عمومی می‌گردد.

### ● وفای به عهد در روایات

در احادیث و روایات در زمینه وفا به عهد تعبییرات بسیار جالبی به کار رفته که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. پیامبر اسلام(ص) فرمود: «لادین لمن لاعهد له؛<sup>۱۹</sup> کسی که پای بند به عهد و پیمان خود نیست دین ندارد.»

بر اساس این حدیث دین و دین داری در پای بندی به عمل به پیمان هاست چه پیمان خالق با انسان و چه پیمان مخلوق با مخلوق و امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «اصل الدین اداء الامانة و الوفاء بالعهد»<sup>۲۰</sup> اصل دین داری در اداء امانت و وفا داری به پیمان است.»

حضرت امیر(ع) در فرمانش به مالک اشتر بر مسأله وفای به عهد در برابر هر کس و هر گروه تأکید می‌کند و می‌فرماید: «و ان عقدت بینک و بین عدوک عقدة او البسته منک ذمة فحط عهدک بالوفاء و اراع ذمتک بالامانة واجعل نفسک جنّة دون ما اعطیت فانه لیس من فرائض الله شیء الناس اشدّ علیه اجتماعاً مع تفرق اهوائهم و تشتت آرائهم من تعظیم الوفاء بالعهد و قد لزم ذلک المشرکون فیما بینهم دون المسلمین لما استوبلوا من عواقب الغدر»<sup>۲۱</sup> اگر بین تو و دشمنان پیمانی بسته شد و یا تعهد پناه دادن را به او داده‌ای جامه وفا را بر عهد خویش بپوشان و تعهدات خود را محترم بشمار و جان خویش را سپر تعهدات خود قرار ده، زیرا هیچ یک از فرائض الهی نیست که همچون وفای به عهد و پیمان مردم با تمام اختلافاتی که دارند نسبت به آن این چنین اتفاق نظر داشته باشند، حتی مشرکان زمان جاهلیت علاوه بر مسلمانان آن را مراعات می‌کردند. زیرا عواقب پیمان شکنی را آزموده بودند.»

امام علی(ع) در حدیث دیگری فرمود: «انّ العهد قلائد فی الاعناق الی یوم القیامة فمن وصلها وصله الله و من نقضها خذله الله»<sup>۲۲</sup> عهد و پیمان طوقی بر گردن انسان هاست تا روز قیامت، کسی که آن را پیوند دهد و به آن وفا کند خداوند پیوند او را برقرار سازد و کسی که آن را بشکند خداوند او را به حال خود رها می‌سازد.»

در حدیث دیگری امام علی(ع) فرمود: «اشرف الخلائق الوفاء»<sup>۲۳</sup> بهترین آفریده‌ها و یا بهترین خلق و خوی وفای به عهد و پیمان است.» و در روایتی پیامبر اکرم(ص) فرمود: پیمان شکنی موجب تسلط دشمنان می‌شود: «اذا نقضوا العهد سلط الله علیهم عدوهم»<sup>۲۴</sup> هنگامی که مردمی پیمان شکنی کنند خدای سبحان دشمنانشان را بر آنان مسلط می‌سازد.»

### ● آثار فردی و اجتماعی وفای به عهد

در ضمن بحث‌های گذشته روشن شد که پای بندی به عهد و پیمان چه آثار و عواقب و پوی آمدهایی برای فرد و جامعه دارد اما در عین حال برخی از آن‌ها به صورت فهرست وار بیان می‌شود:

حفظ اعتماد اجتماعی و تحکیم آن به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه

اجتماعی در پرتو عهد و پیمان و عمل به آن.

حافظ شخصیت و بزرگی چنان که حضرت امیر(ع) فرمود: «الوفا حسن السؤدد»<sup>۲۵</sup> وفاء به عهد قلعه و دژ محکم بزرگی و شخصیت است.» ورود به بهشت: در برخی روایات یکی از عوامل تضمین بهشت را وفاء به عهد و پیمان ذکر کرده است. نشانه و دلیل ایمان: علی علیه السلام فرمود: «من دلائل الايمان الوفاء بالعهد؛ یکی از نشانه‌های ایمان وفاء به عهد است.»

### ● منشأ وفاداری و پیمان شکنی

آن چه که زمینه ساز پیدایش فضائل و ردائیل در انسان است اموری است که می‌توان سر چشمه فضائل را آگاهی از آن و نتایج آن و همچنین ایمان به خدا و قیامت دانست و سرچشمه ردائیل را جهل و نادانی و هوای نفس و دنیاگرایی و حاکمیت شیطان و به طور کلی کفر و بی‌ایمانی و نفاق دانست زیرا، انسانی که برای منفعت عاجل دنیا پیمان شکنی می‌کند و خدا و سعادت جاودانه را به فراموشی می‌سپارد به طور طبیعی پیمان را زیر پا می‌گذارد و اما انسانی که از عواقب اعمال و کارها با اطلاع و پیوسته خود را در محضر خدا می‌داند و می‌داند که ابدیتی در پیش دارد که سعادت واقعی او را تشکیل می‌دهد به طور کلی به فضائل و از جمله به عهد الهی پای بند خواهد بود.

### ● نتیجه‌گیری

از مجموعه مباحث مطرحه استفاده می‌شود که یکی از برنامه‌های مهم مؤمنان وفاداری به تعهدات و پیمان‌ها است که شامل عمل به تعهدی که انسان با خدا و پیامبر و ائمه معصومین و مردم خویشتن دارد می‌گردد و اگر انسانی به انواع تعهدات و از جمله تعهد به مردم پای بند باشد نتیجه آن از نظر فردی حفظ شخصیت و حفظ محبت الهی و از نظر اجتماعی حفظ اعتماد و در نتیجه تعاون و همکاری همگانی خواهد بود بنابراین بر مؤمنان لازم است به این برنامه الهی پای بند بوده تا در پرتو آن سعادت جاودانه و اعتماد اجتماعی و شخصیت واقعی خود را حفظ کنند.



پی نوشت

۱. سوره مؤمنون، آیه ۸ / ۲. سوره معارج، آیه ۲۲.
۳. سوره بقره، آیه ۱۷۷ / ۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۲.
۵. همان، ص ۳۶۴ / ۶. سوره اسراء، آیه ۳۴.
۷. سوره مائده، آیه ۱ / ۸. مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۹۰.
۹. سوره توبه، آیه ۷ / ۱۰. همان، آیه ۱۲.
۱۱. سوره یاس، آیه ۶۰ - ۶۱ / ۱۲. سوره نحل، آیه ۹۱.
۱۳. سوره احزاب، آیه ۲۳ / ۱۴. همان، آیه ۱۵.
۱۵. سوره توبه، آیه ۱۱۱ / ۱۶. سوره بقره، آیه ۴۰.
۱۷. سوره نجم، آیه ۲۷ / ۱۸. سوره مریم، آیه ۵۴.
۱۹. بحارالانوار، ج ۶۹ ص ۱۹۸ / ۲۰. غررالحکم، حدیث ۱۷۶۲.
۲۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳ / ۲۲. غررالحکم، حدیث ۳۶۵۰.
۲۳. همان، حدیث ۲۸۵۹ / ۲۴. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۴۶.
۲۵. غررالحکم، حدیث ۱۰۴۴.



# شیخ فضل الله نوری

باز نوشت مقاله مرحوم علی دوانی

## نقش علما در مبارزه با بیگانگان علمای مشروطه

برای این که بدانید سهم علما و زعمای دینی در جلوگیری از نفوذ بیگانگان در سیاست مملکت چقدر بوده، نامه‌ای را ارائه می‌دهم که مرحوم آیت الله سید محمدکاظم یزدی در ۱۴ صفر سال ۱۳۳۱ قمری، پنج سال قبل از تأسیس حکومت مشروطه، به آقا سید حسین صدر قمی، شاگرد میرزای شیرازی و مشاور مخصوص مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری، نوشته و از او خواسته است وی را از غائله‌ای که پدید آمده، آگاه سازد تا تکلیف خود را بداند.

این نامه بسیار پر ارزش است. من از برادرمان آقای ابوالحسنی (منذر) خواهش کردم روی آن کار کند و اعلام نماید که چگونه آیت الله یزدی پنج سال قبل از تأسیس مشروطه خطرهای آن را پیش بینی کرده است؟!

این نامه را در جلد اول «نهضت روحانیون ایران» آورده‌ام. در این جا چند جمله آن را می‌خوانم، و توجه اهل نظر را به آن جلب می‌کنم:

«بسم الله الرحمن الرحیم... اکنون تکلیف فعلی اقتضا نموده در خصوص مواد متجدده و قوانین مستحدثه که چندی است اخبار موحشه آن، انتظام امور غالبی را مقدر به انفسام نموده، چون داعی استحضار تام از مواقع ورود و صدور آن به نحوی که موافق نظام و محصل مرام است، ندارم، استکشاف حال و استعلام وظیفه فعلیه آن را از آن جناب نمایم، به جهاتی که مربوط به ورود بر این گونه مواد، از آن جناح مشهود بود، انشاء الله تعالی اهتمامی بسزا و تأملی وافی نموده، داعی را هم مسبوق دارید؛ چه این که به نحوی که مربوط است، از گوشه و کنار شورش را موجب گردیده که چنان چه این آشفتگی را

آیت‌الله طباطبایی، شیخ فضل‌الله نوری و جمع دیگری از روحانیون



## ■ شهادت شیخ فضل الله

آری، نیروهای سپهدار تنکابنی و بختیاری تهران را فتح کردند و مشروطه خواهان بر پایتخت مسلط شدند. در این ببحوجه فوج مجاهدان اداره شهربانی را قبضه کردند و بیرم ارمنی به ریاست شهربانی رسید. پس از فتح تهران خیرخواهان و نزدیکان به آیت الله شهید گفتند برای حفظ جانتان به سفارت روس پناه ببرید. سفیر روس هم از وی دعوت کرد که اگر به سفارت نمی آید، اجازه دهد پرچم روس را روی بامش به اهتزاز درآورند تا مصونیت پیدا کند؛ ولی او نپذیرفت و گفت:

## برای یک عالم اسلامی ننگ است که پناه به کفر ببرد

سفیر عثمانی از این موضوع اطلاع یافت و از وی خواست به آن سفارت پناه ببرد که دولتی اسلامی است؛ ولی آیت الله شهید به نزدیکانش گفت: یک عمر نان علی را خورده‌ام، این آخر عمری نمی‌خواهم وام دار غیر باشم. سرانجام عصر روز سیزدهم رجب سال ۱۳۲۷ او را که حتی به گفته دشمنانش اعلم علمای تهران بود، به جرم مخالفت با مشروطه کذایی و گذراندن اصل دوم متمم قانون اساسی، به میدان توپخانه و به پای دار بردند. در آن حال آن مرد بزرگ هفتاد ساله، بدون این که رنگ ببازد و از خود ضعف نشان دهد، این آیه شریفه را می‌خواند: «و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد». و می‌گفت: «اگر نا مهربان بودیم، رفتیم». هنگامی که به پای دار رسید، عمامه‌اش را از سر برداشت و به طرف مردم پرت کرد و گفت: عمامه را از سر من برداشتند، از سر دیگران هم بر می‌دارند. و لحظه ای بعد در بالای دار، جان به جان آفرین تسلیم کرد؛ در حالی که مردم فریب خورده و طرفداران مشروطه به شدت کف می‌زدند و شادی می‌کردند! واقعا روانشاد، جلال آل احمد، چه زیبا می‌گوید: من نعش آن بزرگوار را بر سردار هم چون پرچی می‌دانم که به علامت استیلائی غرب زدگی پس از دویست سال کشمکش بر بام سرای این مملکت افراشته شد.

○ پیکر شریف شیخ فضل الله بر بالای دار



در پایان خاطره جالبی را درباره نوشتن تاریخ مشروطه بیان می‌کنم. وقتی در سال ۱۳۴۱ شمسی این قسمت از کتاب «نهضت دو ماهه روحانیون» را در قم می‌نوشتم، ناگهان متوجه شدم که عصر روز سیزدهم رجب است و از این جهت تکان سختی خوردم و تا لحظاتی ناراحت و متقلب بودم. همین نکته را هم در پاورقی آن صفحه نوشتم. عجیب تر این که وقتی هیجده سال بعد (سال ۱۳۵۹) همین واقعه را در جلد اول «نهضت روحانیون ایران» که یازده جلد است می‌نوشتم، باز متوجه شدم عصر روز سیزدهم رجب و نزدیک غروب است! و جالب تر این که صبح همان روز، نخستین «مجلس شورای اسلامی» که حاج شیخ فضل الله آن را می‌خواست به امر حضرت امام خمینی (جانبین) به حق حاج شیخ فضل الله (با شکوه هر چه تمام تر افتتاح شد.

برقرار و زمانی پراکندگی به استمرار گذرد، واهمه آن است که طایفه بیگانه که زمانی است به انتظار بازار آشفته اند، وقت را غنیمت شمردند و خدای نخواستہ این بقیه مبارکه ایران که از بین تمامی مملکت وسیعه (اسلامی) اختصاص به اهل ایمان داشته، مانند کشور هندوستان به دست دشمن برسد...».

نامه مفصل است. پیداست که آقا سیدحسین هم کل مطالب را که بعدها در لویح حاج شیخ فضل الله درج شده، به آن مرجع دل سوز به حال اسلام و مسلمانان اطلاع داده است و همان هم موجب شد که آیت الله سید محمدکاظم یزدی در ماجرای مشروطه، روشی احتیاط آمیز داشته باشد و مانند سه مرجع دیگر (آیت الله آخوند خراسانی، آیت الله حاج میرزا حسین تهرانی و آیت الله حاج شیخ عبدالله مازندرانی) طرفدار مشروطه کذایی نباشد؛ بلکه خود را از آن ورطه کنار بکشد.

این که مشهور است سید کاظم یزدی مخالف مشروطه بوده، از همین جا سرچشمه گرفته؛ زیرا او پنج سال قبل از واقعه، دچار تشویش می‌شود که مبدا کارگردان واقعی، بیگانگان و ایادی داخلی آن‌ها باشد. که این چنین نیز بود و آن شد که نمی‌بایست بشود.

نکته دیگر این که یکی از صاحب نظران امور سیاسی دین، در کتابش نوشته است: در زیر هیچ قرارداد استعماری که در دویست سال گذشته در ایران منعقد شده، شما امضای یک آخوند نجف رفته را نمی‌بینید؛ ولی امضای آقا مهندس و دکتر هست.

اخیرا عده‌ای از همان قماش ایادی اجانب در صدر مشروطه، گفته‌اند: مگر روحانیت وزیر و مسؤول مملکتی بوده‌اند که امضایشان زیر قراردادها نیست. می‌گوییم اولاً این نوشته روحانیان نیست، نوشته کسی است که تا همین اواخر وقتی قصد توهین به روحانیان را داشتند، به کلام دکتر ...! استناد می‌کردند؛ ثانیاً اگر از بیم روحانیان نبود یا آنان با عقادان قراردادهای استعماری کنار می‌آمدند یا بی تفاوت می‌ماندند، قراردادها بسته می‌شد و از لغو آن‌ها هم خبری نبود؛ ثالثاً حاج میرزا آقاسی، صدراعظم محمد شاه قاجار، یک آخوند نجف رفته و شاگرد ملا عبدالصمد همدانی و معروف به «آخوند ایروانی» بود. او چهارده سال صدراعظم بود. در تمام دوران صدارت وی یک قرارداد استعماری به زبان دولت ایران بسته نشد و امضای او پای چنان قراردادهایی نیست. با این که ما او را به دلیل خلع لباس قرار گرفتن در ارکان دولت روحانی نمی‌دانیم. آیا همین کافی نیست که دیگر لب فروبندید و سخنان سخیف بر زبان نیاورید؟

## ■ اصل دوم قانون اساسی، خون بهای شیخ شهید

باری، سخن از نقش ارزنده آیت الله شهید حاج شیخ فضل الله نوری در نجات مشروطه بود، تا جایی که جان خود را در این راه از دست داد. در این جا مناسب می‌دانم اصل دوم قانون اساسی را که خون بهای آیت الله شهید حاج شیخ فضل الله است، عیناً بیاورم:

مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تأیید...حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل رحمت اعلی حضرت شاهنشاه اسلام خلد الله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثرالله امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده، باید در هیچ عصری از اعصار، مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی الله علیه و آله نداشته باشد. و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامی، بر عهده علمای اعلام ادام الله برکات وجودهم بوده و هست؛ لهدا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیأتی که کم تر از پنج نفر نباشد، از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند، به این طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه، اسامی بیست نفر از علما که دارای صفات مذکور، باشند به مجلس شورای معرفی بنمایند. پنج نفر از آن‌ها را یا بیش تر به مقتضای عصر، اعضای شورای ملی به اتفاق یا به حکم قرعه تعیین نموده به سمت عضویت بشناسند، تا موادی که در مجلسین عنوان می‌شود، به دقت مذاکره و غور و بررسی نموده، هر یک از آن مواد معنونه که مخالفت با قوانین مقدسه اسلام داشته باشد، طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأس این هیأت علما در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجت عصر عجل الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود.



## ده نکته‌ای که باید درباره ترجمه بدانید

### چند توصیه به نویسندگان

اگر در حال برنامه‌ریزی برای نوشتن یک رمان، نمایشنامه، داستان کوتاه یا نامه به مادر خود هستید، این توصیه‌ها به کارتان می‌آید.  
**توصیه ۱:** جملات خود را با کلمات پایانی جمله قبلی و ارائه توضیح درباره آن‌ها آغاز کنید.

گاهی بهترین راه برای ارائه توضیح، قطره‌قطره چکاندن آن در داستان است. این روش بسیار مناسب است و خوانندگان هرگز آن را گیج‌کننده و آزاردهنده نمی‌دانند.

گرچه از توضیحات زیاد متنفریم، اما قبول داریم که اگر بخواهیم بگوییم شخصیت‌های داستان پیش از آنکه ما درباره آن‌ها بنویسیم زندگی می‌کرده‌اند، لازم است که شرح و توضیح ارائه دهیم. گاهی بهترین راه برای ارائه توضیح، قطره‌قطره چکاندن آن در داستان است. این روش بسیار مناسب است و خوانندگان هرگز آن را گیج‌کننده و آزاردهنده نمی‌دانند. یک روش برای ارائه توضیحات بدون اینکه چندان آشکار و زنده باشد این است که نکته و موضوع جمله اول را در آغاز جمله بعدی تکرار کنید تا آن جزئیات به‌خوبی در ذهن خواننده حک شود. ما این روش را «پلکان توضیحات» می‌نامیم. مثال: او به اتاق رفت. اتاقی که مادرش در آن زندگی کرده بود. مادری که به خاطر او زندگی خود را وقف او کرده بود. و وقف خوشبختی و خوشحالی او. خانه‌ای که مادرش را در آنجا از دست داده بود. در آن اتاق. ببینید که چگونه داستان خواننده را با خود پله به پله پایین می‌برد. این روش همچنین نوعی اضطراب دراماتیک در خواننده پدید می‌آورد.

**توصیه ۲:** دیالوگ شخصیت‌ها را از طریق ارائه نام‌های مختلف برای آن‌ها متمایز کنید. اگر شما یک نویسنده مرد هستید، ممکن است نوشتن دیالوگ‌های شخصیت‌های زن پرایتان دشوار باشد. این حل خواهد شد اگر همه دیالوگ شما دقیقاً همان چیزی باشد که در آن به خواننده می‌گویید چه کسی در حال صحبت کردن است. همچنین دو راه‌حل برای مشکل تمایز میان دیالوگ زن و مرد وجود دارد که موفقیت‌آمیز بوده است:

**راه‌حل اول:** دیالوگ شخصیت‌های زن را چنان بنویسید که گویی مرد هستند ولی در ذهن خود بدانید آن‌ها زن هستند. این روش به نام «تکنیک سوکرین The Sorkin Technique»

معروف است.

**راه‌حل دوم:** دیالوگ شخصیت‌های زن را چنان بنویسید که گویی کودکانی هستند که برای راهنمایی و حمایت به شخصیت‌های مرد تکیه کرده‌اند و به آن‌ها بگویید چه موقع مرتکب اشتباه می‌شوند. مردان قدرتمند با زنان دوست‌داشتنی، درست مثل زندگی واقعی. جالب است که این روش نیز تکنیک سوکرین نام دارد.

**توصیه ۳:** هرگز نگویید «گفت» هنگام نوشتن دیالوگ‌ها مانند نمونه زیر مطلقاً منظور شما «گفت» نیست.

او گفت: این خسته‌کننده‌ترین چیزی است که تاکنون دیده‌ام. آنچه شما می‌خواهید این است که تا حد امکان توجه خوانندگان را از دیالوگ پرت کنید! حتی نمی‌خواهید آن‌ها بفهمند چه کسی دیالوگی را که متوجه آن نشده‌اند گفته است! خوانندگان باید تمام وقت خود را به خواندن توضیح اینکه چگونه این جمله ادا شده بگذرانند. مطمئن باشید خواننده می‌داند چقدر دایره واژگان شما وسیع است!

مثال: او انتقاد کرد: هیچ‌کس در اینجا متوجه نمی‌شود من چه می‌گویم.

شما می‌توانید به‌جای کلمه گفت، کلماتی مانند انتقاد کرد، پرخاش کرد، مسخره کرد، خندید، مطرح کرد، اشاره کرد، نتیجه گرفت و استنباط کرد را بکار ببرید.

اگر از این روش استفاده کنید، تضمین می‌کنیم که هیچ‌کس به مشکلاتی که شما سعی دارید در دیالوگ خود پنهان کنید، توجه نخواهد کرد و همچنین متوجه نمی‌شود که همه شخصیت‌های زن داستان شما به نظر مرد می‌رسند.

**توصیه ۴:** نوشته خود را با استفاده خلاقانه از کلمات هم‌آوا، مهیج و هنری کنید

کلمات هم‌آوا کلماتی هستند که صداهای مشابه اما معانی و املاهای متفاوتی دارند. استفاده خلاقانه از هم‌آواها می‌تواند هر متنی را خواندنی و جالب کند.

مثال: او همه اثاث خود که اساس زندگی‌اش بود را فروخت. می‌بینید که کلمات هم‌آوا تا چه حد یک جمله معمولی را جالب‌تر و هیجان‌انگیزتر کرده است. ممکن است برخی از این روش ناراضی باشند اما همان‌طور که می‌دانید کودکان در ابتدا برای آموزش خواندن با صدای بلند می‌خوانند، این کار شما خوانندگان را وادار می‌کند به دوران بچگی خود بروند.

به یاد داشته باشید که استفاده از کلمات هم‌آوا راهی فوق‌العاده برای نشان دادن خوش‌ذوقی و هنرمند بودن نویسنده است.

منبع / اینستا به نقل از سایت اکسپرس و هافینگتن پست



نگارگری اثر استاد نبی زاده

## ثروتمند در مانده

می داد؛ و نسیمی به آرامی وارد اتاق شد. سرم را به داخل اتاق برگرداندم. صحبت های امام در حال تمام شدن بود.

تصمیم گرفتم بعد از سخنان ایشان خواسته ام را بگویم؛ اما همین که خواستم حرفم را بزنم مرد کنار دستم سوالی پرسید. نزدیک غروب بود اما هنوز خواهشم را نگفته بودم. افرادی که پاسخ پرسش های شان را می گرفتند، خداحافظی کرده می رفتند و جای آن ها را تازه واردها پر می کردند. یک دفعه مجلس ساکت شد. کسی چیزی نمی پرسید، بهترین فرصت بود که خواسته ام را بگویم؛ یابن رسول الله! مردی مسافرم؛ که مخارج سفر را گیم کرده و ره توشه بازگشت ندارم. در شهر و دیارم مردی سرشناس و متمولم. لطفا کمکم کنید تا به سرزمینم بازگردم وقتی به شهرم رسیدم، از جانب شما آن پول ها را صدقه خواهیم داد.

امام نگاهی به من کرد و چیزی نگفت. با اندوه سرم را بلند کرده و به امام چشم دوختم؛ با خود گفتم که اگر او کمکم نکند، باید یک سال منتظر بمانم، به یاد همسر و فرزندانم افتادم؛ چقدر دلم برایشان تنگ شده بود؛ شیرین زبانی های دخترم ریحانه بیش تر بی قرار و ناآرامم می کرد. در همین افکار غوطه ور بودم که با سکوت مجلس به خود آمدم. دیگر کسی چیزی نمی پرسید. امام بلند شد و به اتاق بغلی رفت، با خود گفتم یعنی کمکم می کند؟ اگر کمک می کند پس چرا نپرسید چقدر خرج سفرم می شود؟!

با صدای امام، که مرا می خواند به خود آمدم. سرم را بلند کردم اما امام را ندیدم. دستی که کیسه ای در آن بود، از پشت پرده بیرون آمده بود. بلند شدم و به طرف پرده رفتم. امام گفت: «این پول ها را بگیر و خرج راحت کن. لازم نیست به مقدار آن صدقه بدهی. این ها مال خودت باشد». با خوشحالی کیسه را گرفتم و دست امام را بوسیدم. منتظر ایستادم تا امام بیاید و حضورا از او تشکر کنم؛ اما هر چه صبر کردم نیامد باید هر چه زودتر می رفتم و با امیر کاروان صحبت می کردم؛ از اتاق بیرون آمدم. نزدیک در رسیدم که صدای گرم و دلنشین امام را شنیدم، بازگشتم تا برای آخرین بار، صدای مهربانش را بشنوم؛ پیرمردی پرسید: مولای من! چرا هنگام صدقه دادن خودتان را نشان ندادید؟! صدای گرم و آرام بخش امام بود که می گفت: «ترسیدم به خاطر درخواست حاجتش آثار شرمندگی را در چهره ی او ببینم.

خسته و درمانده و سرگردان تمام کوچه های مدینه را گشته بودم. تنهایی و غربت در شهری که نه جایی برای ماندن داشتم و نه پولی برای برگشتن، سخت مشکل بود. نه کسی را می شناختم که پولی از او غرض کنم و نه جایی که قدری در آن بیاسایم به هر کسی هم که رو انداخته بودن به گفته هایم توجهی نمی کرد؛ حتی برخی از آن ها با بدگمانی نگاهم می کردند؛ شاید فکر می کردند که من گدا هستم، نمی دانستم چه طور مخارج سفر طولانی ام را تهیه کنم، هیچ کس حاضر نبود به غریبه ای چون من پول غرض دهد. منی که در شهر و دیارم برای خودم کسی بودم و به اعتبار نامم چه گره هایی که گشوده نمی شد؛ حالا درمانده ی مخارج بازگشت سفر بودم. اسبم که، مسیر طولانی سفر را تاب نیاورد و در راه جان سپرد. و پول هایم را نیز در مدینه گم کرده بودم. نمی دانستم دیگر به سوی چه کسی دست نیاز دراز کنم؟ غرق همین افکار بودم که مردی صدایم کرد: چپ شده برادر! حواست، کجاست، مشکلی داری؟! »

با شرمندگی از او معذرت خواستم و بعد سرگذشتیم را برایش گفتم. او مدتی اندیشید و سپس گفت: بهتر است پیش پسر موسی بن جعفر علیه السلام بروی، و بعد نشانه ی خانه ی او را داد. با خوشحالی در جست و جوی خانه امام بودم. پسران پسران کوچه ها را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشتم. در راه با خود فکر می کردم یعنی ممکن است او مرا به داخل خانه اش را دهد؟! تازه اگر راه دهد مخارج سفر من خیلی زیاد است. یعنی او این همه پول را به من قرض می دهد؟ در همین فکر ها بودم که وارد کوچه ای شدم؛ سر کوچه دو جوان مشغول صحبت بودند؛ نگاهی به داخل کوچه انداختم؛ در یکی از خانه ها باز بود. به طرف جوان ها رفتم و از آن ها نشانی خانه ی پسر موسی بن جعفر را پرسیدم یکی از آن ها با دست اشاره به خانه ای کرد که درش باز بود. تشکر کردم و به سوی خانه ی امام حرکت کردم. در مقابل خانه ی امام ایستادم تا نفسی تازه کنم.

همه دوستان و آشنایانم که برای سفر حج آمده بودند، به شهر و دیارشان برگشته بودند فقط یک کاروان باقی مانده بود، که آن هم صبح فردا حرکت می کرد. اگر نمی توانستم پول سفر را تهیه کنم، باید تا سال دیگر منتظر می ماندم. چند نفری وارد خانه ی امام شدند؛ من هم به دنبال شان راه افتادم، داخل اتاقی شدیم و من در گوشه ای که خلوت بودم، نشستم؛ اتاق پر بود از یاران و اصحاب امام، آن ها سوالات و مشکلات شان را از امام می پرسیدند و ایشان نیز جواب شان را می داد. از پنجره اتاق بیرون را نگاه کردم؛ باد شاخه های نخل را تکان

فروع کافی کلینی؛ ج ۴، ص ۲۳ (چاپ بیروت)

# نصر

## مقدمه

اسلام به عنوان دینی حقیقت بین و واقع گرا همواره مورد توجه اندیشمندان و آزاداندیشان جهان از ادیان و نژادهای گوناگون در طول تاریخ بوده است. مدینه به دلیل حضور علویان و یاران خاص پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی(ع) جزو پایگاه‌های شیعیان به شمار می‌رفت اما به دلیل اینکه موالیان ائمه در این شهرها تحت فشارهای شدید حکومتی قرار داشتند به ناچار باید شهرها و مناطق دیگری توسط شیعیان انتخاب می‌شد تا آسایش بیشتری داشته باشند تا بتوانند ضمن گسترش علوم به پرورش شاگردان بپردازند اما بیشتر ائمه معصوم(ع) در همین شهرها زندگی می‌کردند و آزار و اذیت‌های بی‌شماری علیه آنان در جریان بود. از طرفی حوادث زمانه موجب شد که پایگاه تشیع با برنامه ریزی ائمه به داخل ایران کشیده شود و این سرزمین ملجاء و پناهگاه شیعه باشد. این تبدیل و تغییر نیازمند زمینه سازی‌های بسیار از جمله تربیت یاران و دوستان نزدیک و شیعیان مخلص از میان ایرانیان توسط ائمه معصوم(ع) بود؛ به همین دلیل آن بزرگواران با توجه به شور و اشتیاق خاص ایرانی‌ها به پیروی از مذهب شیعه، شاگردان زیادی را از میان آنها انتخاب و آنها را به عنوان معتمد خود به شهرهای ایران گسیل می‌داشتند تا در غیاب امام، امور مربوط به دین و مذهب را بر عهده گرفته، چراغ راهی باشند برای دوست داران اهل بیت پیامبر(ص). در طول تاریخ برخی از ایرانیان موفق شدند به محضر امامان شیعه رسیده و حضور ایشان را درک کنند و تعدادی از آنها نیز جزو یاران خاص آن ائمه معصوم قرار گیرند. در این فرصت‌ها بنا بر معرفی نمایندگان و شاگردان غیر عرب حضرات معصومین و شرح کوتاهی از زندگانی آنان داریم باشد تا الگوی ما برای پیروی از ائمه اطهار علیهم السلام باشند.

## مدافعی از حبشه

نصر از خدمتگزاران اهل بیت پیامبر اسلام بود. اصلتی حبشی یا ایرانی داشت. پدرش، ابی نیزر، از شاهزادگان غیرعرب، از نوادگان نجاشی<sup>۱</sup>، پادشاه حبشه در زمان پیامبر بود که از دوران کودکی به اسلام رغبت داشت و به دست پیامبر مسلمان شد و تحت تربیت رسول(ص) خدا قرار گرفت<sup>۲</sup> و برخی می‌نویسند در خانه‌ی رسول خدا بزرگ شد.

به نقلی دیگر ابی نیزر فرزند نجاشی - پادشاهی که مسلمانان پس از هجرت به حبشه به پناه بردند - بود. امام علی(ع) او را نزد تاجری مکی یافت و او را خرید و آزادش کرد. او برای همیشه در مدینه اقامت گزید. پس از مرگ نجاشی مردم حبشه به مدینه آمدند تا تنها بازمانده او - ابی نیزر - را برای پادشاهی به حبشه ببرند؛ اما او نپذیرفت و گفت: «یک ساعت در خدمت رسول خدا(ص) بودن برابرم از یک عمر پادشاهی شما در حبشه برتر است<sup>۳</sup>». وی پس از وفات رسول خاتم(ص) او در خدمت حضرت زهرا(س) و فرزندانش قرار گرفت<sup>۴</sup>.

پدر نصر، «ابی نیزر» بوده است. او در نخلستان امام(ع) و در خدمت او کشاورزی می‌کرده است.<sup>۵</sup> گویند «ابی نیزر» مردی بلند قد و خوش سیما بود و رنگ او چون اهل حبشه نبود. اگر او را می‌دید می‌پنداشتی که او مردی عرب است.<sup>۶</sup>

او بعد از وفات رسول الله(ص)، به خدمت امیرالمؤمنین(ع) درآمد. امام این ملک زاده را از گماشتگان مخصوص خود قرار داد و به کار نخلستان‌هایش مشغول کرد و در واقع غلام و کارگزار امام(ع) شد. بعد از نصر نیز همانند پدرش از تربیت شدگان به دست امام علی(ع) بود که بعداً به خدمت امام حسن(ع) و سپس حسین بن علی(ع) درآمد و همیشه با او بود.

حدیث مشهور وی از امیرالمؤمنین(ع) در مورد جاری ساختن چشمه‌ی آب و وقف یا حبس آن - چنان که مبرد در الکامل ذکر کرده است - اینچنین است: ابونیزر گفت: علی(ع) نزد من آمد، من در ملک و مزرعه‌ای به نام «عین ابی نیزر» و «غیبغه» اشتغال بکار داشتم، فرمود: غذا داری؟ عرض کردم غذائی است که برای امیرالمؤمنین نمی‌پسندم، حلوائی با پیه بدبو درست کرده‌ام، فرمود: بیاور، برخاست به طرف نهر کوچک رفت دست‌هایش را شست و غذا خورد سپس به طرف نهر آب رفت و دست‌هایش را شست تا پاک شد سپس دست خود را روی شکمش کشید و فرمود کسی که شکمش او را وارد آتش کند خداوند او را از رحمتش دور خواهد کرد سپس کلنگ را برداشت و به میان چاه رفت و کلنگ می‌زد آب کمی بیرون می‌آمد از چاه بیرون آمد پیشانی‌ش عرق کرده بود عرق پیشانی را پاک کرد دوباره به میان چاه رفت. نفس می‌زد چشمه پر آبی راه افتاد چون گردن شتر، به سرعت بیرون می‌آمد فرمود: خدا را گواه می‌گیرم که این چشمه، وقف و صدقه است، سپس نوشت: این چاه برکت و جوشش فراوانی داشت تا جایی که چشم معاویه همواره به دنبال آن بود. محمد بن هشام می‌گوید: امام حسین(ع) قرض‌دار شد و معاویه برای چشمه ابی نیزر دویست هزار دینار را به همراه نامه‌ای برای امام حسین(ع) فرستاد و از او خواست تا چاه ابی نیزر را به او بفروشد. امام حسین(ع) رد کرد و فرمود پدرم آن را صدقه قرار داده تا به سبب آن خدا او را از حرارت آتش دور نگه دارد. من آن را به هیچ قیمتی نخواهم فروخت. (فرهنگ جامع سخنان امام حسین، ترجمه موسوعه، ترجمه علی مویدی، صفحه ۲۸۰)

با همین یک داستان اگر خوب فکر کنیم می‌بینیم حق با ابی نیزر بود که

هم نفس بودن با امیرالمؤمنین را به پادشاهی ترجیح می‌دهد. چطور می‌شود چنین مرد زحمت کش و بی توقع و متواضعی را دوست نداشت. او در بیابان‌ها و مزرعه‌ها طوری کار می‌کرد و زحمت می‌کشید که هر کسی با دیدنش گمان می‌کرد او یک کشاورز ساده و بی خبر از جهان است. اما به وقتش در میادین جنگ طوری می‌جنگید گویا تمام عمرش را تعلیمات نظامی دیده است. سپس بالای منبر برتر از دانشمندان سخن می‌گفت و نیمه شب‌ها از همه عابدتر و به درگاه خداوند گریان تر بود. واقعا این ابوتراب این پدر خاک، ... که بود؟ امام علی(ع) در وقف چشمه و قنات نام آن چشمه را «ابی نیزر» نهاد که هم اکنون هم بدین نام در میان مدینه شناسان و تاریخ دانان مشهور است. (معجم البلدان، ۱۷۶/۴ ماده عین)

## نصر در کربلا

او از مدینه تا مکه و از مکه تا کربلا حضرت امام حسین(ع) را همراهی کرد و نصر جزء سواره نظام لشکر امام(ع) محسوب می‌شد تا این که اسبش پی شد، پس پیاده به نبرد پرداخت تا این که در راه دفاع از مولای خویش شربت شهادت نوشید. گویند: اسبش از پای درآمد و خود در آغاز حمله اول به شهادت رسید.

«نصر» نیز چون پدرش از یاران امام علی(ع) و پس از آن حضرت از علاقمندان ابا عبدالله الحسین(ع) بود. او از مدینه‌النبی امام را تا کربلا همراهی کرده است. این فرزند خلف «ابی نیزر» همان روحیه پدر را داشت و در پاسخ امام حسین(ع) هنگامی که او را اجازه بازگشت دادند و بیعت را چون بقیه یاران از او برداشتند این گونه بیان کرد: «نه، به خدا، هرگز و هرگز ... اگر رفتنی بودیم به اینجا نمی‌آمدیم.» شاید منظورش این بود که اگر عافیت طلب بودم آن زمان که پدرم را برای پادشاهی خواندند به حبشه بازگشته بودم.

## شهادت نصر بن ابی نیزر

«نصر» مردی شجاع بود که پس از نبرد و کشتن جمعی از دشمنان ولی خدا، خود در کربلا شربت شهادت نوشید. آن عزیز از سواره نظام بود که اسب او پی شد و سپس خود در حمله نخستین به شهادت رسید.<sup>۷</sup>

کورت فریشلر محقق آلمانی می‌گوید: «حتی قبل از واقعه‌ی کربلا عده‌ای از فرماندهان و اسپهبدان مازندران و گیلان اعلام آمادگی کردند به کمک امام بروند. ترک‌ها، غلامان، معلمان، مسیحیان و آزادگانی در کربلا شهید شدند که غلام ترک، سلیمان فرزندان سلیمان، وهب فرزندان وهب، نصر بن ابی نیزر فقط یک مصداق از یک فرهنگ غنی و پر بار ظلم ستیزی و آزادی هستند. آنجا که حسین(ع) وارث آدم و حسین(ع) خون خدا فرمود: اگر دین نداری آزاده باش. امید که واقعه‌ی کربلا به ما بیاموزد که اگر قابلیت عباس شدن را نداریم قابلیت نصر بن ابی نیزر شدن را داشته باشیم.»

۱. الکامل فی اللغة و الادب، ج ۳، ص ۲۰۷.

۲. ابصارالعین، ص ۹۷.

۳. الحسینی الشیرازی، ذخیره الدارین، ص ۱۱۲.

۴. معجم البلدان ج ۴، ص ۱۷۵/ مناقب آل ابی طالب ج ۳، ص ۹۰.

۵. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۶۵۷.

۶. ذخیره الدارین، ص ۴۵۷.

۷. ابصار العین، ص ۹۸ / وسیله الدارین، ص ۱۹۹.

WHITE

COLORED

# ده بی‌تدبیری قرن بیستم



قسمت

ظاهر دموکراسی خواه، جنایات بسیاری در این ممالک کردند. رژیم دیکتاتوری پهلوی در ایران با نیروی خوفناک ساواک و نیز دیکتاتوری پینوشه در شیلی تنها دو نمونه از موارد فراوان این نوع دیکتاتوری‌ها است که هر کدام خاطرهای تلخ و موجی از غضب و بیزاری را برافروختند.

## ۶. جنگ سرد

جنگ سرد حاصل دوقطبی پدید آمده از پایان جنگ دوم بود. این نبرد در آغاز تنها در اروپا متمرکز بود اما در دهه پنجاه قرن بیستم بخش‌های دیگر جهان را نیز به صحنه‌هایی از این نبرد دوقطبی مبدل کرد. سوال اصلی این بود که چگونه دو کشور هم پیمان در دوران جنگ تبدیل به دو طرف ایستاده در دو جناح مخالف در نبردی ایدئولوژیک شدند. این جنگ با روابطی کاملاً سرد و تیره و سرشار از بدگمانی معروف به «جنگ سرد» شد.

جنگ سرد هیچگاه به جنگی «گرم» تبدیل نشد اما آثاری که از ترس و وحشت در سراسر دوران جنگ در دنیا پدید آورد کمتر از جنگ نبود. رقابت‌های شدید هسته‌ای و تسلیحاتی دو بلوک هر لحظه امکان پایان عمر دنیا را وعده می‌داد. بازار حدت و گمان داغ شده بود که اگر یکی از طرفین رشته باروت را روشن کند چه چیزی از زمین باقی خواهد ماند. هر دو طرف جنگ به شدت نگران جاسوسی و خیانت بودند. هواداران هر یک از دو بلوک تحت تعقیب رقیب بودند. با این همه از همه بدتر تقسیم جهان به دو بخش بود. شرق و غرب به دنبال یافتن جای پاهای قابل اعتمادی برای خود در عرصه بین‌المللی می‌گشتند. همین رقابت‌ها بود که بلاهای خانمان سوزی را بر سر مردم بخش‌هایی از جهان فرود آورد. کره یکی از این آوردگاه‌ها بود و بعد هم ویتنام و هندوچین و آمریکای لاتین و افغانستان. جنگ سرد با فروپاشی شوروی به پایان رسید و سایه رعب و وحشت به ظاهر از سر جهانیان برداشته شد. با این همه تداوم سلطه‌گری غرب و استمرار نهادهایی مانند ناتو، نشان داد که شاید جهان از چاهی برون آمده و در چاله‌ای دیگر افتاده است.

## ۷. آلودگی محیط زیست

در دو دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، کارشناسان محیط زیست تمام تلاش خود را متوجه مبارزه با آلودگی و آثار ناشی از آن بر کره زمین کردند. در سال‌های دهه ۹۰ میلادی خطر این آثار از آلودگی رودخانه‌ها فراتر رفت. جهان در حال مصرف

## ۵. دیکتاتوری و توتالیتراریسم

دیکتاتوری با اینکه مخصوص دوران مدرن است اما پدیده تازه‌ای نیست و همواره در طول تاریخ بوده اند فرمانروایی که بر جان و مال مردمان خود حاکم باشند. با این همه دیکتاتوری در سده بیستم، غالباً با یک واژه دیگر همراه بوده است: «توتالیتراریسم» یا تمامی خواهی. دولت‌های تمامیت‌خواه افزون بر حوزه‌های سیاسی و حکومتی که کاملاً به دولت و قدرت دولتی اختصاص دارد، حوزه خصوصی را نیز به اشغال خود در می‌آورند و می‌کوشند بر افکار شخصی و حریم خصوصی مردمان خود نیز وارد شوند. توتالیتراریسم ممکن است یا در غالب توده‌های آن جلوه گر شود که نمونه بارز آن حکومت‌های فاشیستی آلمان و ایتالیا است و یا امکان دارد که در یک قالب حزبی سازماندهی شود که حکومت حزب-دولت شوروی سابق بزرگترین نماینده آن به شمار می‌آید.

## رپیس سیاسی از ویژگی‌های ذاتی رژیم‌های توتالیتر است

این حکومت‌ها که در سده بیستم زاده شدند و در همین سده هم طومارشان برچیده شد، از یک ابزار مهم استفاده می‌کردند که در اصطلاح «رپیس سیاسی» نامیده می‌شود. «کا. گ. ب.» در شوروی و نیروهای «اس. اس.» در آلمان نازی همین رپیس‌های سیاسی بودند. وظیفه این نیروها هماهنگی جامعه در راستای اهداف پیشوا یا حزب و دفع نیروهای ناخالص و مخالف بود. این واقعیت که در سده بیستم، برای خیلی از افراد جهان دیکتاتوری بهتر از دموکراسی بود، قابل تامل است. هواداران دیکتاتوری اغلب آن را در مقایسه با دموکراسی کهنه و کسالت‌بار، با آن انتخابات‌های کُشدار و بی‌پایانش، رژیمی ناکارآمد می‌خواندند. با این همه تجربه دیکتاتوری در قرن بیستم نشان داد که مدیریت کارآمد و شتاب در امور، فقط بخشی از چهره این نوع نظام سیاسی است.

## ده بیتدبیری قرن بیستم

بخش دیگر این چهره را خفقان، شکنجه، فساد و سانسور تشکیل می‌داد که خیلی زود به اعتراض‌ها و تقابل‌های شدید مردمی انجامید. البته جز نمونه‌های اروپایی دیکتاتوری در سده بیستم می‌توان به دیکتاتوری‌های دست‌نشانده و وابسته در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین هم اشاره کرد که با حمایت کشورهای به



## ۹. سازمان ملل

در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ منشور ملل متحد در سانفرانسیسکو به امضا رسید و در ۲۴ اکتبر همان سال لازم الاجرا گردید. براساس منشور مزبور سازمانی بین‌المللی به نام «سازمان ملل متحد» به‌عنوان مرکزی برای هماهنگی اقداماتی در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با جلوگیری از جنگ و تجاوز، توسعه روابط دوستانه و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تاسیس شد و اولین مجمع عمومی این سازمان با ۵۱ عضو در ۱۰ ژانویه ۱۹۴۶ در لندن تشکیل شد. تصویر سازمان ملل در اثر شکست‌ها و رسوایی‌های اخیر به‌اندازه‌ای خدشه‌دار شده است که یادآوری اهداف خیرخواهانه آن در آغاز تاسیس، مشکل می‌نماید. تمامی نکات مربوط به سازمان ملل، از طرح جسورانه ساختمان آن گرفته تا کلاه‌های بره آبی آسمانی سربازانش گویای این بود که یک دولت قدرتمند جهانی وارد میدان شده است.

### سازمان ملل برای تحقق و تثبیت صلح بین‌المللی تاسیس شد. اما خیلی زود به پایگاهی برای سلطه‌طلبی قدرتمندان بدل گشت

سازمان ملل صحنه وقایع به یادماندنی چون کوبیدن کفش روی میز توسط خروشچف رهبر شوروی و فریاد نه نه او در مجمع عمومی سازمان در واکنش به اشاره رئیس جمهور فیلیپین به سوسیال امپریالیسم شوروی، سخنرانی یاسر عرفات به نمایندگی از طرف سازمان آزادیبخش فلسطین، ارائه تصویر موشک‌های شوروی در کوبا توسط سفیر آمریکا در ۱۹۶۲ و حضور انقلابی شهید محمد علی رجایی و هیأت ایرانی در این سازمان بوده است.

با این همه پرونده سازمان ملل پر از انتقاد و اشکال است. نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در کشتارهای بوسنی و رواندا فقط نظاره‌گر بودند. سلطه غربی‌ها به ویژه آمریکا بر نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و شورای امنیت به عنوان بازوی اجرایی این سازمان، سبب شده است این نهادها به ابزاری در خدمت اهداف سلطه‌طلبانه و خصمانه این قدرت‌ها تبدیل شوند.

سکوت در برابر جنایت‌های مستمر صهیونیست‌ها علیه مردم مظلوم فلسطین، کشتار مردم بیگناه بوسنی و سکوت سازمان ملل، رشد بی رویه تروریسم در جهان و گسترش ناامنی در جهان از جمله نتایج عملکرد ضعیف این نهاد در عرصه بین‌الملل بود. سازمان ملل، مولود قرن بیستم و تحولات پس از جنگ جهانی بود. تقریباً همان طیف‌بندی و شبکه قدرتی که در سطح جهان در این دوره پدید آمد توانست قدرت بین‌المللی در سازمان ملل را نیز از آن خود کند. سازمان ملل متحد به خاطر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حفظ مردم از بلایای جنگ تشکیل شد اما واقعیت این است که سازمان ملل متحد با سازوکارهایی که داشته، نتوانسته است به طور قطعی از وقوع جنگ جلوگیری کند.

## ۱۰. شهرها در حصار بتن

طرح‌ها و نقشه‌هایی همچنان‌نگیز شبیه به برج‌های سر به فلک کشیده فیلم‌های علمی-تخیلی که به آن شهرهای آسمانی می‌گفتند در قرن ۲۰ سر بر آوردند. البته مهندسان و طراحان این آسمانخراش‌ها خودشان در خانه‌های ویلایی و زیبا زندگی می‌کردند و انسان‌های فقیر می‌ماندند تا مزه زندگی را در ابرها مزه کنند. در حقیقت مردم در این آسمانخراش‌های بتنی به دور از سبزه و چمن و یا حتی پیاده رویی که بتوانند در آن قدم بزنند، محبوس بودند. در چنین شرایطی وقتی سالمندان و مادران خود را به استفاده از آسانسور و از کار افتادن‌های یک خط در میان آن عادت می‌دادند، جوانان این شهرک‌های آسمانی بیروح نیز به بزه‌کاری و مواد مخدر پناه می‌بردند و با افسار گسیختگی‌های گاه و بیگاه، روح تازه‌های می‌گرفتند که خود تهدید دیگری بود برای فضای تیره و سرد این گونه محیط‌ها. ساختن خانه‌های سازمانی همیشه در اولویت برنامه حکومت‌ها بوده است، اما ساختن شهرک‌های بتنی سال‌های پس از جنگ نشان می‌دهد که چگونه یک مشکل از آنچه بود بدتر شد. تصویر بتنی از شهرها، به‌مرور شهرهای کوچک و بزرگ و قدیمی و جدید دنیا را نیز در بر گرفت.

انرژی و انتشار چنان مقادیر بالایی از گاز کربن در جو زمین بود که به نازک شدن لایه اوزون، تنها لایه محافظت‌کننده زمین در برابر نور قوی خورشید انجامید. پیامد این حادثه، پدید آمدن تغییرات اقلیمی در جهان و گرمایش رو به افزایش کره زمین بود. برخی از مردم موضوع گرم شدن زمین را به حساب نگرانی‌های بیش از اندازه کارشناسان گذاشتند اما، در حال حاضر همه دانشمندان در درستی این موضوع و جدی بودن مساله اتفاق نظر دارند.

## آلودگی و گرم شدن هوا و نازک شدن لایه اوزون از سوغاتی‌های قرن بیستم برای زمین

موضوع آلودگی هوا زمانی بغرنج‌تر و حساس‌تر می‌شود که برخی کشورها در این زمینه همراهی نمی‌کنند. آمریکا چند پیمان محیط زیستی را امضا نکرده است و گول‌های اقتصادی تازه وارد دنیا به ویژه هند و چین هم به این وضعیت دامن می‌زنند. از سوی دیگر مردم جهان هم هنوز حساسیت شان را وجهه عمل نساخته‌اند و بی‌باکانه به مصرف انرژی ادامه می‌دهند. افزون بر این، در صورت افزایش سطح رفاه عمومی در جهان، انتظار می‌رود که مصرف انرژی هم به سطح بی‌سابقه‌ای گسترش می‌یابد که خود مزید بر علت خواهد بود. روند مصرف‌گرایی در قرن بیستم جهان را با مشکل تخریب محیط زیست و از بین رفتن منابع زیست محیطی، گرم شدن زمین، و گازهای گلخانه‌ای روبرو کرد. توسعه صنعت به رغم خدمات فراوان به بشر، خسارات زیادی به منابع زیست محیطی وارد کرد که دامنه آن افزون بر انسان، جانوران و گیاهان را نیز در بر گرفت.

گروه‌های هوادار محیط زیست که از دهه ۶۰ به این سو، به تدریج فعالیت خود را گسترش داده‌اند می‌گویند که با گفتگو یا مسئولان و نیز فرهنگ‌سازی در میان مردم به بهبود محیط زیست بشری کمک کنند. احزاب سبز نیز گروه‌های سیاسی‌اند که برای اصلاح وضعیت محیط زیست و مبارزه با آلودگی هوا، به دنبال کرسی‌های حکومتی می‌گردند. طرفداران محیط زیست از دهه ۱۹۹۰ شروع به اعمال نفوذ بر سیاست اجتماعی کردند. طبق آمار در این دهه ۸۰ درصد آمریکایی‌ها و بیش از دو سوم اروپائیان خود را طرفدار محیط زیست می‌دانسته‌اند.

## ۸. کودتا

کودتا فرآیندی است برای تغییر اجتماعی که با جنگ و انقلاب و انتخابات متفاوت است. کودتا مردم ندارد و از این جهت با انقلاب متفاوت است اما وجه غالب آن حضور فعال نظامیان در جریان تغییر است. اگر بنا باشد فهرست همه کودتاهای قرن را ردیف کنیم، به انتها نخواهیم رسید. در برهه‌هایی، کودتازدگی برای برخی کشورها چون پاکستان، هائیتی و ترکیه به «سنت» حکومت‌داری تبدیل شده بود. مردم آماده بودند که کودتاگران بعدی چه زمانی می‌آیند. در آمریکای لاتین، کمتر کشوری را می‌توان یافت که کودتایی در تاریخ معاصرش نداشته باشد. هر چند کودتاهای چپ‌گرایانه هم کم نداریم - به ویژه در میان کشورهای عربی در میانه قرن بیستم - اما به نظر می‌رسد راست‌گرایان به این شیوه علاقه بیشتری نشان داده‌اند. به‌ویژه در دهه‌های پراشوب آمریکای لاتین. کودتا هم می‌تواند با درد و سرکوب باشد و هم بی‌سروصدا و خونریزی و حتی گاهی هم با حمایت مردمی. کودتا در آفریقا عموماً تلفات فراوانی داشته است. بنابراین برپیرانه نیست اگر سده بیستم را «قرن کودتا» نامید.

## کودتا در آفریقا به سنتی عادی تبدیل شده بود. سقوط دولت دکتر مصدق، از نمونه‌های کودتا از سوی کشورهای غربی در جهان سوم است

با این همه دست سلطه‌گران در این بخش از تاریخ قرن بیستم نیز به‌آسانی قابل مشاهده است. کودتای فضل‌الله زاهدی علیه دکتر محمد مصدق در ایران، کودتای ژنرال باتیستا در کوبا، کودتای کارلوس آرماس در گوآتمالا، کودتای پینوشه در شیلی از نمونه کودتاهایی است که با حمایت ایالات متحد آمریکا و علیه دولت‌های ملی انجام شده است. جالب است که در میان این دولت‌ها هم دولتی مردمی و البته لیبرال مسلک مانند دکتر مصدق وجود دارد و هم دولتهایی چپ مانند حکومت آئنده در شیلی.

سگی در حال جان کندن بود صاحبش که یکی از صحرا نشینان عرب بود در کنارش نشسته بود اشکی سوزان می ریخت. عابری فقیر از آن جا می گذشت چون حال زار وی را دید پرسید که چه شده که چنین گریانی؟ اعرابی گفت این سگ منست که از شدت گرسنگی در حال موت است؛ و او وسیله روزی من بود به شب پاسبانی امین و به روز سگی چابک برای شکار بود. در همین حین چشم عابر به انبان اعرابی افتاد و از وی پرسید این کیسه از چه پر شده؟ اعرابی پاسخ گفت از غذا و رزق من، عابر که در حیرت مانده بود گفت پس چرا به سگت نمی دهی که جانی تازه یابد؟ پاسخ گفت که اشک مفت است و غذا به درم بدست می آید.

مولانا از این حکایت و نقل آن ضمن بیان داستانی آموزنده از حماقت آدمی شروع به نمایاندن چهره دروغ پردازان و جاهلان می نماید که چه بسیار آنان که از فرط حماقت یا پستی و مال پرستی اشک ریخته و ناله های بیهوده می کنند در حالی که ارزش ها را نفهمیده و طلب کمک از غیر می کنند در حالی که پاسخ در دست آنهاست. در نهایت مولانا خساست را موجب بی ارزشی بیان کرده و آن اعرابی را به ابلیس تشبیه می کند چرا که او هم نتوانست از من خود بگذرد تا بندگی خدا را بدست بیاورد. آن مرد هم که خود را خوار می کند از فرط خساست که بی ارزش را فدای ارزشمندتری نمی کند و فقط به گریه و عجز و لابه بسنده می کند پس دعا و درخواستش هم چون از پستی وجودش نشات می گیرد بی ارزش است. سپس تمثیل های مختلف می آورد و می گوید من فدای کسی که خود را مگر به خدا نمی فروشد که چنین آدمی چون گریه کند آسمان هم به گریه او به گریه بیوفتد و مثال می زند که اگر صبر کنی و خود را به خدا بفروشی مانند مسی که خود را به کیمیا وا گذارد خواهی ماند در نهایت می گوید که می رو تو درین ره بشکسته دل که انا عند قلوب المنکسره.

آن سگی می مرد و گریان آن عرب  
اشک می بارید و می گفت ای کرب  
سایلی بگذشت و گفت این گریه چیست؟  
نوحه و زاری تو از بهر کیست؟  
گفت در ملک سگی بُد نیک خو  
نک همی می رد میان راه او  
روز صیادم بُد و شب پاسبان  
تیز چشم و صیدگیر و دزدران  
گفت: رنجش چیست؟ زخمی خورده است؟  
گفت: جوع الکلب زارش کرده است  
گفت: صبری کن برین رنج و حزر<sup>۱</sup>  
صابران را فضل حق بخشد عوض  
بعد از آن گفتش که ای سالار خُر  
چیست اندر دستت این انبان پُر؟  
گفت نان و زاد و لوت دوش من  
می کشانم بهر تقویت بدن  
گفت چون ندهی بدان سگ نان و زاد  
گفت تا این حد ندارم مهر و داد  
دست ناید بی درم در راه نان  
لیک هست آب دو دیده رایگان  
گفت خاکت بر سر ای پر باد مشک<sup>۲</sup>  
که لب نان پیش تو بهتر ز اشک  
اشک خونست و به غم آبی شده<sup>۳</sup>  
می نیرزد خاک خون بیهده<sup>۴</sup>  
کل خود را خوار کرد او چون بلیس  
پارهی این کل نباشد جز خسیس  
من غلام آنک فروشد وجود  
جز بدان سلطان با افضال و جود  
چون بگرید آسمان گریان شود  
چون بنالد چرخ یا رب خوان شود  
من غلام آن مس همت پرست  
کو به غیر کیمیا نارد شکست  
دست اشکسته برآور در دعا  
سوی اشکسته پرد فضل خدا  
گر رهایی بایدت زین چاه تنگ  
ای برادر رو بر آذر بی درنگ  
مگر حق را بین و مگر خود پهل<sup>۵</sup>  
ای ز مکرش مکر مکاران خجل  
چونک مکرش شد فنای مکر رب  
برگشایی یک کمینی بوالعجب  
که کمینه ی آن کمین باشد بقا<sup>۶</sup>  
تا ابد اندر عروج و ارتقا

۱. حالت احتزار.  
۲. مثل مشک پر باد به معنی مدعی دروغین.  
۳. قدما معتقد بوده اند که اشک در واقع خون است که از خرم غم تبدیل به اشک می شود.  
۴. منظور از خاک نان است که از دل خاک بدست می آید و خون بیهده منظور اشک است.  
۵. پهل به معنی زمین گذاردن.  
۶. کمینه به معنی کمترین.



# علامت سازی



سایقه علم گردانی در ایران و به ویژه در میان مردم تهران مشخص نیست. آنچه مسلم است آیین علم گردانی به دوره‌های پیش از حکومت صفویه باز می‌گردد و نشانه‌ای برای حضور یک قبیله یا خاندان در جنگ بوده است اما دولت صفویه مانند سایر آیین‌های این دوره علامت سازی را مرسوم کرد و هنرمندان اصفهانی، آن را به اوج خود رساندند. رسم علم گردانی در دوره قاجار شکل تازه‌ای گرفت و علامت‌ها هر روز به همت هنرمندان ایرانی سنگین‌تر و نشانه‌های بیشتری به آن افزوده شد. در دوره ناصری چندین علم مشهور وجود داشت که مربوط به دارالخلافه بود. دوست‌علی خان معیرالممالک در یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه از «علم زنبورک‌خانه» نام می‌برد که پیشاپیش دسته سلطنتی حرکت می‌کرد. قدیمی‌ترین علم‌های ایرانی در موزه توپکاپی استانبول نگهداری می‌شود. شاید این علم‌ها که نمونه‌ای از علامت و نشان قبایل مختلف ایرانی است در عصر حکومت ترکمن‌های آق قویونلو و قره قویونلو وجود داشته و دسته‌های

سیاسی و مذهبی از آنها استفاده می‌کرده‌اند. این علم‌ها از غنایم جنگی است و پس از تصرف شهر تبریز توسط سپاهیان عثمانی، شاه سلیم آنها را به استانبول منتقل کرد. یک علم هم در موزه مرکزی آستان قدس رضوی است که قدمت آن به قرن ۱۳ ه.ق می‌رسد و در شهر اصفهان ساخته شده است. به غیر از علم فلزی چند نوع علم در تکایا و جلوی دسته‌های ایران هست: علم چوبی: فرمی است شبیه به سرو که معمولاً روی آن را با پارچه‌ای مشکی می‌پوشانند و در بالای آن یک تیغه علم، پنجه یا قبه وصل کرده و پارچه‌های رنگی نیز به آن می‌آویزند. علم کردی: طرز کار بر روی این علم و تزئینات آن شبیه به علم چوبی است با این تفاوت که از چوب یک تکه ساخته می‌شود و به اصطلاح تو پر است. علم جریده: از چوب یک تکه ساخته می‌شود ولی باریک و نقاشی‌ها در تزئینات آن ساده‌تر از ۲ نوع دیگر است و در روستاهایی که از نظر مالی در مضیقه‌اند، معمولاً از علم جریده استفاده می‌شود.

امروزه مترو بخشی از زندگی روزمره بسیاری از شهروندان شده است. در واقع، نبود آن بیشتر به چشم می‌آید؛ مخصوصاً با ترافیک کشنده و آلودگی هوایی که با آن درگیر هستیم. اما چقدر زیبایی ایستگاه‌های مترو توجه شما را جلب کرده است؟ آیا تا به حال اصلاً به طراحی فضای ایستگاه‌های مترو توجه کرده‌اید؟ شما چه نوع ایستگاهی را ترجیح می‌دهید، ایستگاهی ساده با معماری ابتدایی یا ایستگاهی سرشار از طرح و رنگ و نور است که بیشتر ذائقه هنری شما را تأمین می‌کند؟

## زیباترین ایستگاه‌های مترو در جهان



### Champ-de-Mars

چمپ-دو-مارس / مونترال / کانادا

این ایستگاه در ۱۴ اکتبر ۱۹۶۶ و به عنوان بخشی از اولین شبکه مترو شهر مونترال افتتاح شد. این ایستگاه که در بخش قدیمی شهر و در ناحیه ویله ماری (Ville Mary) واقع شده، اکنون بخشی از مسیر حمل و نقل سریع‌السیر این شهر به حساب می‌آید. این ایستگاه مخصوصاً در روزهای آفتابی جلوه بیشتری دارد، هنگامی که نور خورشید از میان پنجره‌های رنگ شده توسط مارسل فرون (Marcelle Ferron) نقاش، به درون ایستگاه نفوذ می‌کند. این اثر هنری جز شاهکارهای این خانم هنرمند بوده و معروف‌ترین کار او به شمار می‌آید. در سال ۱۹۶۸ فرمانداری کبک این کار هنری را به عنوان کار تمثیلی برتر برای مترو انتخاب کرد.



### Formosa Boulevard

بلوار فورموسا / تایوان

این ایستگاه بیشتر به دلیل گنبد شیشه‌ای و سرگرم کننده‌اش به شهرت رسیده است. این، بزرگ‌ترین اثر نصب شده در مکان‌های عمومی در جهان بوده که از هزاران تکه شیشه رنگی ساخته شده است. خالق این شاهکار نارسیسوس کواگلیاتا (Narcissus Quagliata) است که ساخت این گنبد را در مدت چهار سال به اتمام رساند. خود هنرمند شیشه‌های رنگی را از کشور آلمان خریداری کرده و برای نصب به تایوان حمل کرد. قطر این گنبد ۳۰ متر بوده و در مجموع فضایی معادل ۶۶۰ مترمربع را به خود اختصاص داده است. نقش و نگارهای روی گنبد تاریخچه حیات بشر را طی چهار مرحله نشان می‌دهد: آب که نشانه بطن زندگی است، خاک که معرف کامیابی و رشد است، نور که آفریننده روح بوده و آتش که نماد نابودی و تولد دوباره می‌باشد. تمام این اثر روی هم‌رفته پیام عشق و بردباری را به ذهن انسان متبادر می‌کنند.

# T-Centralen

ایستگاه مرکزی تی / استکهلم / سوئد

حرف تی در اینجا به طور اختصاری به واژه سوئدی تونل بانا (Tunnelbana) که به معنی زیرزمین یا ترن زیرزمینی است اشاره دارد. این ایستگاه، هسته مرکزی متروی استکهلم را تشکیل می‌دهد. اینجا جایی است که خطوط مختلف مترو به هم می‌رسند. به عبارت دیگر اینجا شلوغ‌ترین و پر رفت و آمدترین ایستگاه این شهر می‌باشد.



# Westfreidhof

وست‌فریدهوف / مونیخ / آلمان

سیستم متروی مونیخ در سال ۱۹۷۲ شروع به کار کرد ولی تنها در عرض مدت کوتاهی و به سرعت گسترش یافت. اکنون این سیستم با داشتن ۹۸ ایستگاه در سراسر شهر به شهروندان خدمات رسانی می‌کند. این سیستم مترو به دلیل جوان بودن نسبت به سایر سیستم‌ها از این مزیت برخوردار است که از اشتباهات دیگران درس گرفته و شبکه‌ای قدرتمند و کارآمد را ایجاد کرده است. در حالی که اولین ایستگاه ساخته شده بسیار ساده و معمولی بود اکنون طراحان جسارت بیشتری به خرج داده و ایستگاه‌های مدرن‌تری خلق می‌کنند. بعضی از این ایستگاه‌ها همچون دالفرستر (Dulferstrasse) که توسط یورگن لایخ و پیتر لنز طراحی شده سرشار از رنگ می‌باشند و بعضی دیگر همچون وست فریدهوف اثر اینگو مایر سرشار از نور هستند.





## Komsomolskaya

کومسومولزکایا / روسیه

این ایستگاه در تقاطع سه خط ریلی مهم قرار گرفته است. در واقع این ایستگاه دروازه‌ای به سوی روسیه می‌باشد. اگر گنبد بزرگ، ایوان، ستون‌های کورنتی، جزئیات باروکی و لوسترهای شمعدان گونه آن نتوانند شما را تحت تاثیر قرار دهند قطعا گچبری‌ها و موزائیک‌های بی‌نظیرش این مهم را به انجام خواهند رساند. هشت گچبری و موزائیک باشکوه و سقف این ایستگاه کار هنرمند افسانه‌ای پاول کورین می‌باشند که شرحی تصویری از پیروزی‌ها و قهرمانان روسیه را به نمایش می‌گذارند. کورین در سال ۱۹۶۷ به دلیل خدماتش از سوی لنین مورد تقدیر قرار گرفت.



## Kirovsky Zavod

کیروفسکی زاوود / سن پترزبورگ / روسیه

ایستگاه مترو سن پترزبورگ شاید از نظر شکوه و عظمت قابل قیاس با مسکو نباشد اما همچنان تاثیرگذار است. در حقیقت این ایستگاه ویژگی خاص خود را دارد که آن را از سایر ایستگاه‌های مترو جهان متمایز کرده است. این ایستگاه، عمیق‌ترین ایستگاه مترو جهان محسوب می‌شود. ایستگاه کیروفسکی زاوود در ۱۵ نوامبر ۱۹۵۵ افتتاح شد. نام آن برگرفته از نام کارخانه کیروف است که در همان نزدیکی قرار دارد. علاوه بر راهروهای بزرگ و کف شطرنجی آن شما می‌توانید مجسمه‌ای از لنین را نیز در این ایستگاه ببینید.

# Kaohsiung

پارک کوهیونگ / تایوان

نزدیکی به پارک مرکزی انتخاب شده است. این، یک ایستگاه دو سطحی است که توسط معمار انگلیسی ریچارد راجرز طراحی شده است. رنگ بنفشی که در این ایستگاه به کار رفته جالب توجه است. بخشی از این ایستگاه سکوهایی شیب دار پوشیده از چمن هستند که با گل‌هایی شبیه به آسیاب بادی که ظاهراً تمثیلی از گل‌های آفتاب گردان هستند تزئین شده‌اند.



by JASS SHARING

# Bockenheimer

بوکن هایمر / فرانکفورت / آلمان

این ایستگاه یکی از مهم‌ترین توقفگاه‌ها و ایستگاه‌های متروی شهر فرانکفورت می‌باشد. خطوط مختلف مترو به این ایستگاه رفت و آمد دارند. همچنین مسافران می‌توانند با استفاده از اتوبوس و تراموا از این جا به نقاط دیگر سفر کنند. ساخت این ایستگاه در ۱۹۸۶ آغاز شد و توسعه آن تا ۲۰۰۱ به طول انجامید. این ایستگاه بسیار دیدنی است اما نه فقط به خاطر معماری قسمت زیرزمینی اش، بلکه معماری ورودی‌های آن نیز قابل توجه است. معمار آن پیتر پینینسکی (Peter Pininsky) اذعان داشته که هنگام طراحی آن تحت تاثیر هنرمند سورئالیست رنه ماگریت (Rene Magritte) بوده و از او الهام گرفته است.



# مسجد جد امام حسین (ع)



❖ مراسم عزاداری دهه محرم



❖ مراسم عزاداری دهه محرم



❖ مراسم عزاداری و برپایی نماز جماعت  
در دهه محرم



❖ مراسم عزاداری و برپایی نماز جماعت  
در دهه محرم





◀ عزاداری نوجوانان حسینی در محرم ۹۳  
در هیئت عزاداران حسین



◀ عزاداری نوجوانان حسینی در محرم ۹۳  
در هیئت عزاداران حسین

◀ ان لقتل الحسین حراره فی قلوب المومنین لا تبرد ابدا

امسال هم دل های مشتاق محبین اهل بیت از سر تا سر امارات در مسجد امام حسین جمع آمده و با حضوری شگفت آور ندای هل من ناصر حسینی را لبیک گفته و بر عزای سید و سالار شهیدان سوگواری کردند.

👉 طبق برنامه ریزی مدیریت مسجد امام حسین در ابتدای آذر ماه بچه های مدرسه قرآن و عترت همراه با اساتید خود به اردو رفتند در این اردوی آموزشی تفریحی حجه الاسلام کاظم نژاد ضمن ایجاد فضایی شاد و دلپذیر برخی از مسایل دینی و احکام را به دانش آموزان آموزش دادند.



◀ تصاویر زحمت کشان در  
آشپز خانه محرم



◀ اردوی دانش آموزی مرسه قرآن و عترت  
با همراهی حجه الاسلام کاظم نژاد



◀ اردوی دانش آموزی مرسه قرآن و عترت  
با همراهی حجه الاسلام کاظم نژاد



دختر بدر الدجا امشب سه جا دارد عزا  
گاهے گوید پدر ، گاهے پسر ، گاهے رضا

دختر بدر الدجا امشب سه جا دارد عزا

◀ دبیران و معلمان مدرسه خدیجه در آغازین ماه های سال تحصیلی جهت دریافت توشه ای معنوی برای سال تحصیلی جدید و دریافت رهنمون با نماینده رهبری دیدار کرده و با مسجد و صاحب مسجد حضرت اباعبدالله تجدید پیمان کردند



◀ دیدار معلمان مدرسه خدیجه با نماینده مقام معظم رهبری / مهر ۱۳۹۳

◀ در آبان و آذر امسال مسجد امام حسین باز هم شاهد دل‌هایی مشتاق حقایق الهی بود که از سر تا سر جهان دعوت الهی و این معجزه جاوید را لیبیک گفته و در مسجد امام حسین ضمن یادگیری و آشنایی با برخی از احکام اسلامی ندای شهادتین را سر داده و به دین اسلام مشرف گردیدند



◀ تشریف به اسلام از فلیپین / ۱۳۹۳



◀ تشریف به اسلام از فلیپین / ۱۳۹۳



◀ دیدار رئیس جمهور سابق جزیره القمر با آیت الله مدنی / ۱۳۹۳



◀ دیدار رئیس جمهور سابق جزیره القمر با آیت الله مدنی / ۱۳۹۳



❖ مراسم سوگواری و عزاداری  
مدیران و کادر آموزشی همراه با دانش آموزان مدارس

❖ در محرم امسال عطر سیب در مدارس ایرانی هم طنین انداز بود. مدیران و کادر آموزشی همراه با دانش آموزان مدارس در فضایی صمیمانه به عزاداری بر سالار شهیدان و فاجعه کربلا پرداختند.

❖ نو گلان و نونهالان بوستان علوی هم در ماه محرم امسال با برگزاری مراسمی اختصاصی رایحه ای دل انگیز در مسجد جاری کردند. آنان با برگزاری مراسم سوگواری و عزاداری بر سید شهیدان با آن حضرت تجدید بیعت نموده و با این برنامه زیبا بر حضور پای علم سید الشهدا هم دلی و همراهی خود با آن حضرت و یاران و فرزندانش اعلام کردند.



❖ مراسم سوگواری و عزاداری بر سید شهیدان  
نو گلان و نونهالان بوستان علوی در ماه محرم



❖ مراسم سوگواری و عزاداری بر سید شهیدان  
نو گلان و نونهالان بوستان علوی در ماه محرم



❖ کلاس قران و عترت ۲۶ مهر ۹۳



❖ کلاس قران و عترت ۲۶ مهر ۹۳



# بانو

## بحث با همسر

### چگونه باید گفت و گو کنیم

باید شنونده باشید. تا وقتی کسی یاد نگیرد خوب بشنود نمی‌داند خوب مسئله را حل کند.

کنترل خشم و هیجان لازمه گفت و گو است. هر وقت عصبانی و ناراحت هستید درباره موضوعی با هم صحبت نکنید و زمانی با هم گفت و گو کنید که فضا آرام باشد. به همین دلیل وقت مناسب را برای گفت و گو با هم در نظر بگیرید. یعنی به مجردی که مشکلی پدید آمد درباره آن حرف نزنید بلکه زمان مناسب را تعیین کنید.

**از موضع قدرت با هم حرف نزنید. از دستور دادن، باید و نباید کردن، توهین و تحقیر بپرهیزید.  
هر وقت تصمیم گرفتید گفت و گو کنید فقط درباره یک موضوع حرف بزنید و چند مسئله را مطرح نکنید.**

### اگر دعوا کردید

همه همسران با یکدیگر دعوا دارند اما هنگامی که می‌بینید کار دعوا دارد بالا می‌گیرد و به جاهای باریک کشیده می‌شود خود را کنار بکشید و اجازه ندهید دعوا بالاتر رود و در همان جا به بحث‌تان خاتمه دهید. کار فوق العاده سختی است، اما خشم خود را پنهان کنید و اجازه ندهید که همسران متوجه شود هنوز ناراحت و عصبانی هستید تا او هم مصمم شود و دعوا را به پایان رساند. هنگامی که گفتگوی‌تان به دعوا رسید، ادامه این گفتگو فایده‌ای ندارد و هر لحظه موقعیت و حریم‌هایی که در زندگی مشترک بین همسران وجود دارد را به مخاطره می‌اندازد.

به همسر خود نشان دهید علی‌رغم تمام اشتباهاتی که ممکن است انجام دهد، باز هم او را دوست دارید. این روشی است برای اینکه به او بگوییم که واقعاً قصد آشتی کردن داریم نه بهم زدن همه چیز.



هیچ زن و شوهری نیستند که بینشان اختلاف نظر به وجود نیاید. حتی آنها که اول راهند و به قول معروف دوران شیرین نامزدی‌شان را می‌گذرانند، باز هم اختلاف‌ها راهشان را به رابطه شما باز می‌کنند و شما باید بلد باشید آنها را مدیریت کنید.

در واقع باید بگوییم اولین مهارتی که لازم است کسب کنید تا زندگی آرام و توأم با عشق داشته باشید مهارت گفت و گو است. گفتگو به جای دعوا، خوب شنیدن و خوب گفتن و حتی مهارت به جا تمام کردن بحث و سکوت کردن. همسرانی دور و برتان می‌بینید و مرتب با هم جنگ و دعوا دارند همان‌هایی هستند که مهارت گفت و گو کردن با یکدیگر را ندارند و بیشتر می‌خواهند با هم بحث کنند. نتیجه این است که یک مسئله کوچک را به یک مسئله بفرنج و پیچیده تبدیل می‌کنند. اگر می‌خواهید جزو این همسران نباشید از همین حالا که نامزد هستید و دوران خوشتان را می‌گذرانید مهارت گفتگو و حل مساله را یاد بگیرید.

### تفاوت بحث کردن با گفت و گو

تفاوتی که بحث کردن با گفت و گو دارد این است که در بحث کردن فرد می‌خواهد بگوید حرف من درست است و به جای این که خوب بشنود می‌خواهد جواب بدهد و طرف مقابل را بگوید و خودش را ثابت کند. در حالی که در گفت و گو هر دو نفر می‌خواهند به موضوع مشترکشان فکر کنند و به صورتی صحبت کنند که به نتیجه‌ای برسند و از یکدیگر چیزی یاد بگیرند.



## نکاتی مهم درباره کابینت که باید بدانید

آن‌ها را تنظیم کنید. توصیه جدی ما این است که از چسباندن اشیای تزیینی حتی با استفاده از آهن ربا به کابینت‌ها خودداری کنید چون این کار باعث خش‌دار شدن تدریجی بدنه کابینت می‌شود. به خصوص اگر کابینت فلزی باشد.

### کابینت‌ها را تمیز کنید، اما ...

۱. کابینت‌ها هم مانند قسمت‌های دیگر آشپزخانه باید به طور مرتب تمیز شود، ولی حواستان باشد تمیز کردن آن‌ها قانون خاص خودش را دارد. مثلاً هیچ وقت نباید برای نظافت کابینت‌ها از اسکاچ‌های زبر یا سیم‌های ظرفشویی استفاده کنید، چون این لوازم باعث خش افتادن روی سطح کابینت می‌شود. به جای این کار از یک اسفنج نرم یا دستمال‌های مخصوص کمک بگیرید. در ضمن اگر می‌خواهید از مواد شوینده‌ای که در بازار وجود دارد، استفاده کنید ابتدا حتماً شیوه مصرف آن را بخوانید و مطابق آن نظافت را شروع کنید.

۲. همچنین فراموش نکنید درهای کابینت را پس از استفاده ببندید و هیچ وقت آن‌ها را برای مدت طولانی باز نگذارید، این کار نه تنها باعث می‌شود آشپزخانه زیباتر و تمیزتر به نظر برسد بلکه از ورود رطوبت و بخار ناشی از پخت غذا به داخل کابینت‌ها نیز جلوگیری می‌کند. از سوی دیگر، باز ماندن درها به تدریج باعث افتادگی، لق شدن و صدا کردن آن‌ها هنگام باز و بسته شدن می‌شود. در ضمن هیچ وقت روی کابینت‌ها نشینید. تعجب نکنید، خیلی از افراد عادت دارند به جای این که روی صندلی آشپزخانه بنشینند، از کابینت به عنوان صندلی استفاده کنند. این کار هم باعث لق شدن پایه‌های کابینت و در نتیجه خراب شدن زود هنگام آن‌ها می‌شود.

۳. قسمت‌هایی از کابینت که فضای زیر آن خالی است نیز نباید خیلی سنگین باشد؛ مثلاً روی کابینتی که زیرش ماشین لباسشویی می‌گذارید به هیچ وجه نباید پر از ظرف و وسایل باشد.

### تعمیر آسان کابینت‌های فلزی

در این جا قصد داریم تا شما را از دور انداختن کابینت‌های فلزی فرسوده اما قابل تعمیر منع کنیم. معمولاً کابینت‌های فلزی پس از چندین سال استفاده دچار پوسیدگی یا فرورفتگی می‌شود، هرگاه در قسمتی از کابینت آثاری از پوسیدگی جزئی را مشاهده کردید، بلافاصله آن نقطه را خوب بتراشید تا آثار پوسیدگی از بین برود. سپس با قلم مویی کوچک کمی محلول ضدزنگ به آن نقطه بمالید و پس از خشک شدن، روی آن را رنگ کنید. اگر در یا بدنه کابینت فلزی شما «یک جداره» است و در آن فرورفتگی بزرگی مشاهده می‌کنید، نگران نباشید، با کمی دقت می‌توانید با وارد کردن ضربه‌ای ملایم، آن فرورفتگی را به حالت اول بازگردانید. برای این کار قسمت مورد نظر را بگیرید و سپس پارچه یا حوله‌ای بر پشت ناحیه فرورفته قرار دهید و سپس با استفاده از وسیله‌ای مانند چکش لاستیکی یا وسایل مشابه، ضربه‌ای متناسب وارد کنید. این کار موجب می‌شود تا رنگ کابینت هم نریزد.

### مراقبت بهتر، عمر طولانی‌تر

متأسفانه بعضی از خانواده‌ها نمی‌دانند چطور باید از کابینت‌ها نگهداری کنند، بنابراین کاملاً طبیعی است که کابینت در این خانه‌ها خیلی زود خراب می‌شود. اما با استفاده از روش‌هایی می‌توانید مدت زمان بیشتری از کابینت‌های خود استفاده کنید.

۱. اول از همه به یاد داشته باشید در صورتی که کابینت آشپزخانه خراب شد و مشکلی برایش پیش آمد، به جای این که خودتان آن را تعمیر کنید، حتماً از فردی که در این کار مهارت دارد، کمک بگیرید تا مشکل به طور کامل رفع شود. البته باز هم مانند بقیه امور زندگی و خانه، بهتر است ابتدا از ایجاد خرابی و مشکل پیشگیری کنید تا نیازی به تعمیر نباشد؛ بعضی از کابینت‌ها فلزی است و در مقابل آب مقاوم‌تر است، ولی جنس بعضی دیگر چوبی یا از مواد MDF است و اگر با آب تماس داشته باشد، به مرور می‌پوسد و از بین می‌رود. بنابراین اگر کابینت‌های خانه شما هم چوبی است، هیچ وقت آن را با آب تمیز نکنید. به جای این کار از مواد شوینده مناسب و دستمال نمدار کمک بگیرید. البته در کابینت‌های فلزی که امروزه کمتر از آن‌ها استفاده می‌شود نیز امکان زنگ زدگی وجود دارد.

۲. بهتر است هنگام خرید یا ساخت کابینت، جنس مرغوب و مناسبی انتخاب کنید. برخی از قسمت‌ها مانند کابینت‌های اطراف سینک ظرفشویی معمولاً در معرض رطوبت بیشتری قرار دارد و خیلی زود خیس می‌شود، به همین دلیل بهتر است برای این قسمت‌ها جنسی انتخاب شود که در برابر آب مقاوم است. علاوه بر این، همیشه پس از پایان کارتان تمام قسمت‌های کابینت را خشک کنید تا آب روی آن نماند.

توصیه جدی ما این است که از چسباندن اشیای تزیینی حتی با استفاده از آهن ربا به کابینت‌ها خودداری کنید چون این کار باعث خش‌دار شدن تدریجی بدنه کابینت می‌شود.

۳. حتی اگر صفحات کابینت ضد آب باشد، باز هم نباید به طور مستقیم روی آن آب بریزید و به این شیوه کابینت را بشویید، چون در هر صورت رطوبت، عمر آن را کم می‌کند. یادتان باشد حرارت هم عامل مهمی است که باعث آسیب دیدن کابینت‌ها می‌شود؛ بنابراین قابلمه، ماهی تابه و ظرف‌های داغ را مستقیم روی کابینت نگذارید و مراقب باشید صفحات آن حرارت نبیند.

۴. گوشت، مرغ، نان و ... را هم نباید مستقیم روی کابینت برش دهید. با این کار نه تنها روی صفحه کابینت خش می‌افتد و ظاهر نامناسبی پیدا می‌کند بلکه به مکان مناسبی برای تجمع باکتری‌ها و آلودگی‌های مختلف نیز تبدیل می‌شود.

۵. همیشه به لولاهای در کابینت توجه داشته باشید و نقاط لازم را روغن کاری کنید تا بر عمر آن افزوده شود.

۶. دقت کنید که پایه‌های کابینت متناسب و هم اندازه باشد و در صورت نیاز



قرار است همه خانواده روز جمعه برای پیکنیک به خارج از شهر بروند، اما بخش زیادی از کارهای خانه مانده است که باید قبل از حرکت تمام شود. مادر همه کارها را تقسیم کرده و در این تقسیم کاری، بهروز باید لانه طوطی اش را تمیز کند، لباس ها را پهن کند و وسائل پخت کباب را از انبار بیاورد، کارهایی که به خوبی از عهده اش برمی آید. همه می دانند که ساعت ۱۱ حرکت خواهند کرد. ساعت ۹ مادر بهروز را در حال تماشای تلویزیون دید و کارهایش را به او گوشزد کرد، یک ربع بعد هم، ده دقیقه بعد هم، نیم ساعت بعد هم... ساعت ۱۱ مادر با فریاد به بهروز که تازه از جلوی تلویزیون بلند می شد گفت که خیلی بی مسوولیت است، چرا با آنها این کار را می کند، حالا همه دیر می رسند و... در نهایت اعضای خانواده جمع شدند و به کمک هم وظایف بهروز را انجام دادند و با یک ساعت و نیم تاخیر از خانه خارج شدند تا زمان برگشت همه به بهروز غر زدند و به هیچکس خوش نگذشت.

خانواده سارا برای خرید با دوستان خود قرار گذاشته اند. قرار است ساعت ۲ حرکت کنند و با هم گشتی در مراکز خرید بزنند مادر کارهایی را که قبل از رفتن باید انجام شود خیلی روشن اعلام می کند با سپردن مسوولیت های هر کس به او، می گوید فقط کسانی به خرید می روند که کارهایشان را تمام کرده باشند. سارا دارد سریال تماشا می کند اما مادر می داند که او خوب بلد است ساعت را بخواند ساعت ۱:۳۰ شده و سارا هنوز مشغول تماشای تلویزیون است. مادر در حالی که آماده می شود به سارا می گوید: «به نظر می رسد تصمیم گرفتی با ما نیایی. واقعا اگر می آمدی به ما بیشتر خوش می گذشت.» با وجود ناراحتی سارا و داد و بیدادش، مادر با لبخند با او همدلی می کند و می گوید واقعا ناراحت کننده است که آدم جمعه بعدازظهر در خانه تنها باشد و این که امیدوار است دفعه بعد او تصمیم بگیرد آنها را همراهی کند.

فکر می کنید برای برنامه های آینده، بهروز بیشتر احتمال دارد که وظایفش را انجام بدهد یا سارا؟ خب شاید بهروز بتواند مقداری غر را تحمل کند، اما در عوض وظایفش را دیگران انجام می دهند و از چیزی هم محروم نمی شود. اما سارا مطمئنا دفعه آینده ساعت را نگاه خواهد کرد. شاید آنچه گفته شد به نظر خیلی هم منطقی برسد و با خودتان بگویید خب، معلوم است، خیلی واضح است که باید در چنین موقعیتهایی چطور رفتار کرد، اما در واقعیت و در زندگی روزمره، این سناریوها از زیر بار مسوولیت شانه خالی می کند و خوب درک می کنند که باید اقدامی در این زمینه انجام بدهند، نمی توانند روش خود را تغییر بدهند. در نهایت هم کودک آنها یا همیشه به آنها چسبیده و وابسته است یا این که هیچ کاری انجام نمی دهد و همیشه منتظر می ماند دیگران وظایف او را انجام بدهند.



## چرا نمی گذارم فرزندم مسوولیت پذیر باشد؟



### هماندسازی افراطی با کودک

همه کودکان باید تا حدی ناکامی را تجربه کنند تا بیاموزند که زندگی مرزها و قوانینی دارد. اگر کودک هر لحظه که اراده کرد، خوردنی محبوبش را به دست آورد، کی یاد می‌گیرد که همه میوه‌ها در همه فصل‌ها وجود ندارند و همه مغازه‌ها در همه ساعت‌های شبانه‌روز باز نیستند؟ البته والدین باید با ناکامی، ناراحتی و ترس کودک خود همدلی کنند تا به او نشان بدهند که او را درک می‌کنند. اما گاهی والدین احساسات خود را با احساسات کودک قاطی می‌کنند و مشکل او را بیش از حدی که هست تصور می‌کنند. اغلب کودکان در دفعات اول نسبت به تنها ماندن حتی در اتاق خوشان هم مقاومت نشان می‌دهند. آنها دوست ندارند تنها باشند. اما این تجربه آنقدرها دردناک نیست که از عهده‌اش برنیایند. اگر نمی‌توانید ناراحتی‌های ساده و طبیعی کودک خود را تحمل کنید، به گذشته خود نگاهی بیندازید یا از مشورت تخصصی استفاده کنید تا مشکلات خود را به کودک خود برونفکنی نکنید و مانع یادگیری قوانین واقعیت در او نشوید.

### تصور غلط در مورد علاقه به فرزند

برخی والدین نمی‌توانند با فرزند خود مخالفت کنند، او را از چیزی محروم کنند یا بپذیرند که در برخی موارد با فرزند خود متفاوت هستند، فقط به این دلیل که تصور می‌کنند هر کدام از اینها به معنای جدایی آنها و در نتیجه عدم وجود علاقه بین آنهاست. آنها بدون هیچ تذکر یا انتقادی ادامه می‌دهند، با هراس از این که لحظه‌ای همراه و همگام نبودن با کودک، به معنای تنها گذاشتن او یا بی‌علاقگی به او است. در حالی که فرزند شما یک انسان متمایز از شما است. شما می‌توانید به او عشق بورزید و با او مخالفت هم کنید. برعکس زمانی شما و فرزندتان می‌توانید روابط خوبی با هم داشته باشید که هر کدام خودتان باشید و به هم عشق بورزید. این دقیقا اصلی است که در روابط بزرگسالان هم وجود دارد. مطمئنم شما هم افرادی را می‌شناسید که مدعی‌اند بسیار به هم علاقه دارند، اما در حقیقت یک نفر همیشه مطیع است و جرات مخالفت با دیگری را ندارد.

اما چرا والدین با همه شاکی بودنشان، موقعیت را طوری فراهم می‌کنند که فرزندشان یاد نگیرد مسوولیت‌پذیر باشد؟ چه عواملی باعث می‌شود که در زندگی روزمره، همه این منطقی‌ها کنار بروند و باز طوری با فرزندمان رفتار کنیم که در نهایت، خودمان بمانیم و همه کارها و او فوقش کمی غر بشنود و دفعه بعد، باز روز از نو؟



### نیاز به محبت کودک

والدینی که نیازهای برطرف نشده خود به محبت را در محبت کودکشان جستجو می‌کنند، اغلب از داد و بیداد و ناراحتی کودک خود وحشت دارند. وقتی شما به محبت کسی نیاز دارید، مخالفت با او ساده نیست، چون از محبت او برای مدت اندکی هم که شده محروم می‌شوید و این برای شما دردناک است. اگر این تجربه برای شما آشنا است، بهتر است نیاز خود به محبت را در دیگر روابطتان برطرف نمایید تا به تربیت فرزندتان لطمه نزنند.



### مبحث اول

#### ● تربیت؛ گوش و چشم

تربیت مانند مساله زراعت است، اما با این تفاوت که خیلی آسانتر از آن است. این زمین شخم زدن نمی‌خواهد، بذر پاشیدن نمی‌خواهد، نشا کاشتن نمی‌خواهد. خدا کاشته است. تو خرابکاری نکن! فقط آن را آب بده! حالا با چه چیزی آب بدهی؟ تربیت از دو طریق سمعی و بصری است. چند مثال برای چطور تربیت کردن بچه از طریق دیدن و شنیدن: ملکات ما بر اثر تکرار ایجاد می‌شود. هنگامی که بچه به دنیا می‌آید، از نظر درونی اینگونه است که یک قوه حافظه دارد (اتاق بایگانی). هر چه به او بگویی و هر چه ببیند، سریع می‌برد و در اتاق بایگانی اش می‌گذارد. سرعت گیرندگی اش زیاد و عمیق است. وقتی هم رفت آنجا، به این زودی بیرون نمی‌آید. وقتی که این کار تکرار شد، به صورت ملکه در می‌آید و شاکله‌ی او را تشکیل می‌دهد. شاکله‌ی وجودی معنایش این است که ملکات، از دو

راه سمعی و بصری شاکله‌ی وجودی درونی انسان را تشکیل می‌دهد. ما در روایتمان داریم که بچه وقتی به دنیا آمد، مستحب است همان روز اول، در گوش راست او اذان گفته شود و در گوش چپ او اقامه. یعنی اولین صوت و آهنگی که از راه سمع و گوش به او می‌رسد، توحید و نبوت و ... باشد. این در روز اول مستحب است. می‌گویند تا قبل از این که ناف او بیفتد که معمولاً حدود ده روز طول می‌کشد این کار مستحب است و این از طریق سمع است.

روایتی از امام محمد باقر (ع) است و هم از امام صادق (عل) که فرمودند: «إِذَا بَلَغَ الْفُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ يُقَالُ لَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ قُلْ: لا إِلَهَ إِلاَّ اللهُ ثُمَّ يَتَرَكُ». بچه وقتی به سه سالگی رسید به او هفت مرتبه اینگونه گفته شود: «بگو: لا اله الا الله» سپس رها شود.

وقتی بچه به سن سه سالگی رسید یعنی دو سالش تمام

شد، می‌خواست وارد سه سال بشود و معمولاً بچه

زبان باز می‌کند که می‌تواند کلمات را بگیرد

و ادا کند «بَلَّغْ» یعنی می‌رسد به اینجا، به

او کلمه‌ی توحید را بگو و هفت بار هم

بگو. چرا هفت بار؟ برای این که این

کلام با تکرار ملکه او بشود، یادش

نرود. معارف ما این است. انسان

الهی بساز، از همان کوچکی، از

روز اول کلام الهی به گوشش

بخورد. آهنگ الهی را بشنود نه

آهنگ شیطانی را. وای به حال

آن جامعه‌ای که اطفال آن به

آهنگ شیطانی معتاد بشوند.

در روایات اشاره شده به این که

وقتی کودک، شش سالش تمام شد و

می‌خواهد وارد هفت سال بشود، اینجا

مقتضی آموختن را دارد. قبل از هفت

سالگی بحث گفتار بود، اینجا بحث اعمال

است. در یک روایتی پیغمبر اکرم (ص) فرمودند:

«عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ الصَّلَاةَ إِذَا بَلَغُوا سَبْعًا» فرزندتان را آنگاه

که به هفت سالگی وارد می‌شود نماز بیاموزید. شش سال

او که تمام می‌شود و وارد هفت سال می‌شود،

جنبه‌ی دیداری و رفتاری دارد. به پدر و

مادر می‌گوید: بایست و نماز را بخوان

و به او این عمل را بیاموز! بحث

آموزش رفتاری است نه گفتاری.

می‌فرماید بعد از آموزش

عملی رهایش نکن، بیا سراغ

آموزش گفتاری. ایستادی

نماز خواندی، به او بگو: بابا

جان! مرا نگاه کن! به این

می‌گویند نماز. بابا جان نماز

می‌خوانم، نگاه کن! کم کم

این عمل تو را یاد می‌گیرد.

در این سنین سریع یاد می‌گیرد

و گیرنده‌اش بسیار قوی، سریع

و عمیق است و فوراً به حافظه

می‌برد. حافظه هم اتاق بایگانی است.

آن را در اتاق بایگانی اش نگاه می‌دارد.

قشنگ عکسبرداری می‌کند، فیلم می‌گیرد.

پوششی را که پدر دارد، بخواد یا نخواهد، دارد به

فرزندش این پوشش را آموزش می‌دهد. پوششی که مادر

دارد، چه بخواد و چه نخواهد، دارد از طریق دیداری، آموزش می‌دهد. او به

فرزندش حیا، عفاف و پاکدامنی آموزش می‌دهد؟ یا سرکوب کردن حیا در درون

او را آموزش می‌دهد؟ آیا دارد شکوفا می‌کند حیا را در درون فرزند؟ یا دارد این

فطرت را در درون او سرکوب می‌کند؟ تو کدام یک از اینها را انجام می‌دهی؟

بحث این که اراده کردی یا نکردی، قصد کردی یا نکردی نیست؛ هیكلات را

که اینگونه پوشاندی، همین پوشش تو، بخوای یا نخواهی به بچه آموزش

می‌دهد. چه پدر، چه مادر، خودشان و نزدیکترین تبعات آنها، یکی پیکره‌شان،

بعد هم آن چیزی که به پیکره‌شان می‌پوشانند، این به بچه آموزش می‌دهد. این

مباحث کاملاً حساب شده و دقیق، همه با آنچه که خداوند در نهاد هر انسانی به

ودیعہ گذاشته است، همسو است. ظاهر تو باید به گونه‌ای باشد که آنچه خدا در

نهاد او قرار داده است، آن را شکوفا کنی نه سرکوب کنی!

### مبحث دوم

#### ● وقت اجازه گرفتن

خطاب به مؤمنین است؛ که باید

کودکان نابالغ شما در سه وقت

اجازه وارد شدن بگیرند. یعنی

هنگامی که می‌خواهند در اتاق

های شما وارد شوند شما را

آگاه کنند.

اول: پیش از نماز صبح.

دوم: هنگام نیمروز که جامه

های خویش را می‌نهد. سوم:

بعد از نماز عشاء، یعنی وقتی

که آماده خواب می‌شوید. بعد

می‌فرماید: «ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ»

اینها، سه وقت خلوت شماست،

«لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ

بَعْدَهُنَّ»؛ در غیر این سه وقت بر شما و

آنها باکی نیست که بدون اجازه و آگاه ساختن،

سرزده بر شما وارد شوند. چون آنها و شما با یکدیگر



ارتباط دارید؛ این اشاره به رابطه تئاترنگ داخل خانه بین فرزند و پدر و مادر است. در ادامه می‌فرماید: خداوند آیات را چنین بیان می‌کند، خداوند دانا و حکیم است. آیه بعد: «وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ» چون کودکان شما به حد بلوغ رسیدند، باید مانند دیگران اجازه ورود بگیرند. دیگر بین آنها و دیگران فرقی نمی‌کند.

چرا؟ اینها همه برای این بوده است که وقتی تو نیمه عربانی و او با این حال وارد شود پرده حیای او دریده می‌شود. معمولاً در این حالت نیمه عربانی که آدم هست چه بسا یک سنخ اعمال قبیحه هم از او صادر بشود که قبح عقلی و عرفی و امثال اینها دارد. اسلام بر محور پرده داری است که پرده داری امری است فطری برای انسان، مایه امتیاز انسان از حیوانات است، روی این تکیه می‌کند، همسو با او است. نکند یک کاری



مسائل وجودی است و تمام معارف ما همسو با آنهاست. چرا؟ چون دستورات خالق ماست. آن که سازنده من است، خودش خوب بلد بوده است که راه را به من نشان دهد.

«وَ يُؤَدَّبُ سَبْعًا» از آن سن به بعد، دیگر قوه تمییز پیدا می‌کند. یادش بده! به او روش بده! تا اینجا او از نظر دیداری، شنیداری و رفتاری از شما یاد می‌گیرد و هیچ احتیاجی نیست که توبخواهی او را ادب کنی. یادگیری اش خواه ناخواه و خودکار است. می‌گوید از هفت سال به بالا آرام آرام قوه تمییز او به کار می‌افتد و می‌توانی به او بفهمانی. «وَ يُؤَدَّبُ سَبْعًا» تا به ۱۴ سال برسد، می‌توانی به او بگویی: باباجان - این کار به این دلیل درست است! پسر من این کار غلط است! دخترم ...! امثال این حرف‌ها.

«وَ الزَّمَةُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ» نگذارید تنها جایی برود! زیر سایه خودت نگاهش دار! رهاش کنی هر جا برود نمی‌توانی جلویش را بگیری!!! بعد دارد: «فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مِنَ الْخَاسِرِينَ» ۲۱ سال که رسید اگر تربیت شده باشد که هیچ و گرنه درست نمی‌شود.

### بهترین ارث پدر

از علی(ع) نقل شده که حضرت فرمود: «خَيْرُ مَا وَرَثَ الْأَبْنَاءُ الْأَدَبُ». بهترین چیزی که پدر برای فرزند به ارث می‌گذارد، از خودش باقی می‌گذارد، همان تربیت اوست. ارثیه در مال نیست، چرا؟ چون رابطه آن با انسان اعتباری است. تو که رفتی دیگر تو مالک نیستی! وقتی مُردی، دیگر تمام شد، برو آن جا هر چه می‌خواهی دست و پا بزن. لذا ما در معارف‌مان این را داریم که شما در ارتباط با خانواده تان، خاندان تان به طور کلی، بیشترین سعی و کوشش آن را برای مسائل مادی او نگذارید! بلکه از این طرف بیشترین هم‌تو، تربیت او باشد. چون او ادامه وجود تو است، بقای تو به بقای انسانیت و معنویت اوست نه حیوانیت او.

کنی آنچه را که من در نهاد او گذاشتم به عنوان ودیعه الهیه که حیاست، این پرده را تو پدر و مادر بدی! بچه نابالغ را می‌گوید. بالغ شد که هیچ! وای به حال آن کسانی که این بچه‌های نابالغ را نیمه عربان در ملاعام بیاورند، وای به حالتان! از امام صادق(ع) نقل شده که حضرت از پدرشان و ایشان از پدرانشان نقل کردند که پیامبر اکرم(ص) فرمودند: پسر بچه! پسر بچه! پسر بچه! دختر بچه! دختر بچه! دختر بچه! وقتی به ده سالگی رسیدند جایشان باید از همدیگر جدا شود. فرمود: پسر بچه! پسر بچه! پسر بچه! بعد از آن، دختر بچه! دختر بچه! دختر بچه! خیلی مهم است که هر کدام را سه بار گفتند. رسول خدا(ص) چه می‌خواهند بگویند؟ بین بسترهای اینها فاصله بیندازید، وقتی به ده سالگی رسیدند! یعنی دو پسر بچه ده ساله را در یک بستر نخواستید! دو دختر بچه که ده ساله شدند را در یک بستر نخواستید! دقت کنید اول می‌فرماید: پسرها را! بعد می‌گوید دخترها را در این سن جدا کنید! این تکرار خیلی روشن و گویاست. اگر بخوایم ضعیف‌ترین، به خاطر این است که حضرت می‌خواهد هشدار بدهد. اگر بخوایم با انصاف تر برخورد کنیم، باید بگوییم: دارد اعلام خطر می‌کند!

### مبحث سوم

#### ● تربیت و سن

تربیت و روش دادن‌ها و روش گرفتن‌ها، برای این بود که یک نفر، انسان بشود. یعنی عقل عملی او به فعلیت برسد. این همان تعبیری است که می‌گوییم باید اسکلت انسانی‌اش درست بشود و شاکله پیدا کند. باید در درون خودش و در بعد معنوی‌اش هم همین طور، شکل پیدا کند.

حالا من دو روایت بخوانم. روایت امام صادق(ع) «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ» بچه‌ات را رهاش کن تا هفت سالگی، بازی کند، ماهم همین طور هستیم که از هفت سال به بعد او را به مدرسه می‌بریم. یعنی این مقتضای سنی اوست که در آیه هم دارد: «اعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ» همانا زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی و زینت و فخر و فروشی و ... است. آیه شریفه هم اول از (لعب) بازی شروع می‌کند که ظاهراً همین است. این

از علی(ع) نقل شده که حضرت فرمود: «خَيْرُ مَا وَرَثَ الْأَبْنَاءُ الْأَدَبُ». بهترین چیزی که پدر برای فرزند به ارث می‌گذارد، از خودش باقی می‌گذارد، همان تربیت اوست.

در روایتی از علی(ع) آمده است: «لَا أَدَبَ مَعَ الْغَضَبِ» ادب کردن، هنگام خشم ممکن نیست، تربیت همراه غضب، اصلاً تربیت نیست.

### آنگاه تربیت نکن!

درباره‌ی پیغمبر اکرم(ص) نقل شده که «نهی رسول الله (ص) عَنِ الْأَدَبِ عِنْدَ الْغَضَبِ» رسول خدا از تأدیب به هنگام خشم، نهی فرمودند. یعنی آنگاه که خشمگین شدی، آنگاه تربیت نکن! ادب همان تربیت است. در روایتی از علی(ع) آمده است: «لَا أَدَبَ مَعَ الْغَضَبِ» ادب کردن، هنگام خشم ممکن نیست، تربیت همراه غضب، اصلاً تربیت نیست. چون آنچه که در باب تربیت نقش زیربنایی دارد و برای تأدیب و تربیت می‌خواهیم از او استفاده کنیم، حیاء و پرده‌داری است. اگر بخوایم در آن حال که خشمگین هستی، فرزندت را تربیت کنی، چون هنوز نتوانستی خودت را کنترل کنی، ممکن است حرکتی از تو سر بزند که این موجب پرده‌داری شود. به فرزندتان اجازه دهید تا با شما در برنامه‌ریزی برای بهبود امور جاری خانه و خانواده هم‌فکری کند.

## خورش کرفس

## مواد لازم

- گوشت گوسفندی / به میزان لازم
- پیاز کوچک / ۱ عدد
- کرفس / ۱ عدد
- نعناع و جعفری / نیم کیلو
- نمک، فلفل، زردچوبه و زعفران آلبیمو به مقدار لازم

پیاز رو ریز ریز خرد کنین و با زردچوبه کمی تفت بدین تا سبک و طلایی بشه. گوشت ها رو هم اضافه کنین و با پیاز تفت بدین. می تونین از گوشت صاف یا استخوانی استفاده کنین. حدود ۲ لیوان آب جوش اضافه کنین و در ظرف رو بذارین تا گوشت نیم پز بشه. برگهای کرفس رو با نعناع و جعفری خرد کنین و سرخ کنین. نه زیاد که سیاه بشه ها... (من واسه خودمون که درست می کنم این مقدار سبزی و کرفس ۲ وعده مون میشه. می تونین بسته بندی کنین و فریزر بذارین) ساقه هاش رو هم به اندازه دلخواه و یکدست خرد کنین و تفت بدین. گوشت که نیم پز شد سبزی رو با نمک، فلفل، کمی دارچین و زعفران اضافه کنین. یک قاشق مرباخوری رب هم باعث خوش طعمی بیشترش می شه البته اگه از طعم رب و ترشی خوشتون بیاد ساقه ها رو دیرتر بریزید که خیلی نرم نشه. اما اگه دوست ندارین زیر دندون حس بشه با سبزی ها بریزین. و در آخر هم آلبیمو یا آبغوره رو اضافه کنین.

## کرفس پلو

## مواد لازم برای ۴ نفر

- برنج / ۲ و نیم پیمانه
- گوشت چرخ کرده / ۲۵۰ تا ۳۰۰ گرم
- پیاز / ۱ دونه متوسط
- سیر / ۲ حبه
- کرفس / دو سه ساقه با برگ
- تخم گشنیز آسیاب شده / ۱ قاشق چایخوری
- پودر زنجبیل / ۱ قاشق چایخوری
- رب گوجه فرنگی / ۲ قاشق غذاخوری
- نمک، فلفل و زردچوبه به مقدار لازم

کرفس های جوون و تر و تازه رو برای این غذا استفاده کنین... ساقه های سبز و خوش رنگش رو خرد کردم... ریز ... برگ هاش رو هم خرد کنید، چیزی به اندازه ۳ قاشق پیاز رو توی گوشت چرخ کرده درشت رنده کنید و بگذارید روی حرارت و تفت بدید ... اینجوری هم تفت داده می شه و هم به خاطر پیاز آب می ندازه و پخته می شه... روغن کمتری هم می بره... وقتی رنگ گوشت برگشت سیر له شده رو هم بریزید توش و تفت بدید... روغن هم بریزید توش... رب گوجه و ادویه ها رو هم اضافه کنید. وقتی گوشت و ادویه ها رنگ گرفتن و تفت داده شدن، کرفس ها رو توش بریزید با درسته و حرارت ملایم بذارید بپزه... ولی نه که نرم نرم بشه ها... اصلا نباید کرفس ها نرم بشن... چون توی برنج بعدا خوب نمیشه. برنج رو هم توی این فاصله آبکش کنید و مته همه پلوه های مخلوط، کمی جون تر بردارید برنج رو... وقتی موادم آبش کشیده شد با برنج آروم مخلوط و توی دیگ بریزید... روغن و ته دیگ مورد نظر هم خب می تونین کفش بریزین دیگه... می تونین هم برنج سفید رو بریزین و مواد رو لا به لا بینش بدین می داریم دم بکشه برنجمون و وقتی آماده شد و بخارش خارج شد توی ظرف می کشیم.



# کرفس

کرفس گیاهی است علفی، به ارتفاع ۲۰ تا ۶۰ سانتی متر که ساقه‌ای منشعب دارد. برگ‌های آن شفاف‌خوش و ضخیم و گل‌های آن کوچک و به رنگ سفید یا سفید مایل به سبز است. قسمت مورد استفاده این سبزی قسمت‌های مختلف آن به ویژه ریشه و برگ آن است. در بسیاری از مناطق ایران از جمله در سیستان، خوی و بندرعباس می‌روید.

## • کرفس مواد مضر را دفع می‌کند

کرفس کلیه و مثانه را تمیز می‌کند. از تولید سنگ کلیه و مثانه جلوگیری می‌کند و ملین است. دانشمندان بر این عقیده‌اند که کرفس بهترین ماده غذایی است برای عفونت مجاری ادرار و اسید اوریک بالا از طریق تمیز کردن کلیه و مجاری ادرار. تریپین ماده معطر کرفس که مانع ماندن سنگ کلیه در مجاری ادرار و یا آلودگی میکروبی و درد می‌شود.

علاوه بر آن پتاسیم در غده و تنه آن جریان ادرار را تحریک و کلیه و مثانه را تمیز می‌کند. بیش از همه برای بیماران نقرسی مفید است. زیرا در خون این افراد اسید اوریک با غلظت بالا غالباً دیده می‌شود. روغن اتری که در کرفس وجود دارد باعث گشاد شدن مجاری کلیه می‌شود بطوریکه اسید اوریک بهتر دفع می‌گردد. آلودگی میکروبی ضعیف در روده نیز در اثر تریپین از بین می‌رود. کرفس باعث تحریک شدیدتر روده شده و سایر ناراحتی‌هایی از این قبیل در اثر خوردن کرفس بهبود می‌یابند.

## • کرفس بوی بد دهان را از بین می‌برد

تجربه نشان داده است که یک وعده غذای کرفس دار بوی بد دهان را از بین می‌برد. احتمالاً موادی که در معده تولید می‌شوند با مواد معطر کرفس ترکیب شده و از بوی بد دهان جلوگیری می‌کند.

کسانی که از بوی بد دهان رنج می‌برند باید هر روز مقداری کرفس میل کنند، در صورتی که نتیجه‌ای نداد بایستی به پزشک مراجعه کرد. از قدیم گفته‌اند که کرفس باعث شادی و شادابی می‌شود.

علم امروز تا کنون نتوانسته است این مسئله را روشن کند. بعضی از مردان اظهار می‌کنند که کرفس باعث تقویت نیروی جنسی آنان شده است ولی این اظهارات تا کنون از طریق علمی ثابت نشده است. البته ویتامین B6 و اسید پانتوتیک اثر روانی دارد و مواد معدنی منیزیم و کلسیم به ما هیچ‌ها نیرو می‌دهند و در راحت شدن ورلکس کمک می‌کنند.

## • عصاره کرفس به عنوان ملین

برای اینکه به روده‌های خسته و پیر کمک شود، توصیه می‌شود که هر روز یک لیوان عصاره کرفس مصرف شود. از این طریق روده به روش طبیعی تخلیه می‌شود (برگ‌ها را همیشه مصرف کنید).

## • نسخه / یک پرس کرفس

بوته یک کرفس را تمیز کرده و در آب زیادی آنرا بجوشانید. پوست خارجی آن را بگیرید. بوته را بصورت صفحات نازک ببرید. وسط آنها را با یک چنگال جدا کرده درآرد و تخم مرغ و فلفل آنها را آغشته کنید و در روغن داغ دو طرف آنها را کمی سرخ کنید با سالاد کاهو یا سالاد فصل میل کنید. محققین آمریکایی ثابت کرده‌اند که کرفس جزء ده ماده غذایی است که می‌تواند با سرطان مبارزه کند.

از دیگر خواص کرفس می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تقویت کننده معده

تقویت کننده اعصاب

آب کرفس خام درمان خوبی برای گرفتگی صداست.

خوردن کرفس حافظه را زیاد و قلب را پاک می‌کند و دیوانگی،

جذام و پیسی را برطرف می‌کند.

کرفس به علت دارا بودن فسفر زیاد، در ازدیاد هوش مؤثر است.

کرفس در افزایش شیر مادر مؤثر است.



## راهنمای خرید محافظ 9 چندراهی برق

دیجیتال تلویزیونی، دستگاه‌های Media Streaming مجبور باشید برای استفاده یکی، دیگری را قطع کنید. یا اینکه یک شب که در خواب ناز به سر می‌برید به دلیل وقوع اتفاق غیر مترقبه‌ای در شبکه برق شهری و تغییر شدید ولتاژ برق، تمامی تجهیزات الکترونیکی خانه دچار مشکل شوند. صبح که از خواب برخاستید، هیچ کدام از تجهیزات منزلتان نظیر تلویزیون، یخچال، مایکروفر، مودم ADSL و... قابل استفاده نیستند.

محافظ و چندراهی برق می‌تواند شما را از همه این کابوس‌ها رهایی دهد.

چه کسانی باید از محافظ و چندراهی برق استفاده کنند؟ اهمیت انرژی الکتریکی را زمانی با تمام وجودتان احساس می‌کنید که قطع شود. یا زمانی که آشفته و سراسیمه به محل کارتان می‌رسید و باید در کمتر از چند دقیقه به بانک‌تان متصل شوید و حساب بانکی‌تان را بررسی کنید و متوجه می‌شوید که تمام اتصالات قبل از شما پر شده است و اکنون برای تامین برق مورد نیاز لپ‌تاپ‌تان دچار مشکل شده‌اید.

اگر شما یک انسان تمیز و مرتب هستید و از آشفستگی و به هم ریختگی سیم و کابل در منزل یا محل کارتان بر آشفته می‌شوید، اگر شما نیز همیشه کابوس نوسانات برق شهری آزارتان می‌دهد و هر لحظه نگران هستید که ممکن است هنگام شارژ موبایل یا تبلت‌تان، آن را از دست بدهید.

اگر از خرید مدل‌های مختلف برای آداپتور لپ‌تاپ، موبایل یا تبلت خسته شده‌اید. اکنون وقت آن است که دست به کار شوید و این راهنمای خرید را تا انتها بخوانید و در انتها برای خانه و محل کارتان محافظ و چندراهی برق مناسب را تهیه کنید.

### ملاحظات تهیه محافظ و چندراهی برق

جهت تهیه محافظ و چندراهی برق ملاحظات مختلفی را باید در نظر بگیرید. در صورتی که از این ملاحظات بی‌خبر باشید ممکن است امروز چندراهی تهیه کنید که پاسخگوی تمامی نیازهایتان نباشد. ملاحظاتی که در ادامه به آن اشاره می‌شود همه آن چیزی است که هنگام تهیه محافظ و چندراهی برق می‌بایست که در نظر بگیرید.

۱. **تعداد اتصالات همزمان در محل استفاده از محافظ و چندراهی برق**  
اولین موضوعی که می‌بایست در نظر داشته باشید تعداد اتصالات همزمان در محل استفاده از محافظ و چندراهی برق است. به عنوان مثال من زمانی که پشت میز کارم می‌نشینم حداکثر به ۶ اتصال همزمان نیز دارم. (لپ‌تاپ، موبایل، تبلت، ماینیتور، قهوه‌ساز، شارژر هندزفری) این‌ها تجهیزاتی است که در شلوغ‌ترین ساعات کاری آنها را به برق وصل می‌کنم.

قبل از خرید، چند دقیقه در مورد این موضوع فکر کنید. این کار باعث می‌شود که هرگز پس از خرید چندراهی آرزو نکنید که ای کاش چندراهی‌ای با تعداد

هر خانه، اداره، کارگاه یا شرکتی حداقل به یک چندراهی برق نیاز دارد. از طرفی برای محافظت از گجت‌های گران قیمت در مقابل نوسانات برق باید از محافظ الکتریکی استفاده کنید تا بعدا پشیمان نشوید. برخی از چندراهی‌ها به محافظ نیز مجهز هستند. در این مقاله قصد داریم مهم‌ترین فاکتورها برای خرید محافظ و چندراهی برق را برای شما بازگو کنیم تا هنگام خرید این نوع ابزارها با دید باتری محصول مورد نظرتان را انتخاب کنید.

با افزایش استفاده از تجهیزات الکتریکی و الکترونیکی در زندگی روزمره، مشکل کمبود چندراهی برق جهت تغذیه دستگاه‌های جدید و تازه وارد، موضوعی است که در زندگی همه انسان‌ها حداقل چندین بار اتفاق افتاده است. از طرفی دیگر تجهیزات و دستگاه‌های مختلف با توجه به اینکه توسط تولیدکنندگان مختلف در کشورهای متفاوتی تولید می‌شوند، دارای کانکتورها و اتصالات مختلفی هستند و یافتن تبدیل مناسب کشور محل زندگی شخص استفاده کننده نیز، مشکل دیگری است که همه ما چندین بار آن را تجربه کرده‌ایم.

مشکل دیگری که امیدواریم که تا به حال آن را تجربه نکرده باشید، موضوع نوسانات جریان برق شهری و قطع و وصل شدن این جریان است. در صورتی که نوسانات ولتاژ برق از محدوده مجاز بیشتر باشد یا قطع و وصل‌های متوالی اتفاق بیفتد، ممکن است مجبور باشید برای همیشه با دستگاه الکتریکی یا الکترونیکی مورد استفاده‌تان خداحافظی کنید.

چندراهی و محافظ برق دستگاهی است که می‌تواند شما را از تمامی این مشکلات رها کند.

■ امکان اتصال چند دستگاه مختلف را در یک محل فراهم می‌کند.  
■ در صورتی که به درستی انتخاب شده باشد هرگز مشکل کانکتور نخواهید داشت.  
■ با توجه به وجود سیستم محافظتی در مقابل نوسانات ولتاژ خیال‌تان از بابت محافظت از تجهیزات گران قیمت نظیر تلویزیون، لپ‌تاپ، تبلت و موبایل راحت خواهد بود.

علاوه بر این با توجه به اینکه اینگونه تجهیزات امروزه در زندگی انسان‌ها اهمیت فراوان یافته‌اند، تولیدکنندگان مختلفی در صدد تولید تجهیزات خلاق و نوین بر آمده‌اند. برخی از خلاقیت‌ها در تولید این دست از تجهیزات عبارتند از:

۱. طراحی ظاهری زیبا و مناسب محیط‌های مدرن یا کلاسیک
۲. طراحی انعطاف‌پذیر و قابلیت تغییر شکل ظاهری در چندراهی
۳. امکان اتصال به شبکه‌های کامپیوتری بی‌سیم جهت کنترل و قطع و وصل کردن جریان برق

● چرا باید از چندراهی و محافظ برق استفاده کنیم؟  
در نظر بگیرید در محل استفاده از تلویزیون در خانه، برای استفاده از تجهیزاتی که در کنار تلویزیون استفاده می‌شوند نظیر بلندگو، پخش کننده DVD، گیرنده

بیشتر اتصالات خریداری کرده بودید.

## ۲. طول کابل چندراهی جهت اتصال به پریز اصلی برق

نکته بعدی ای که در تهیه چندراهی برق می‌بایست که در نظر داشته باشید این است که محل نصب چندراهی تا ورودی دیواری برق شهری چقدر فاصله دارد. چندراهی‌ها با کابل‌هایی با طول‌های متفاوت تولید می‌شوند: ۱.۲ متری، ۲ متری و ۵ متری.

بارها اشخاص مختلفی را دیده‌ام که به دنبال بلندتر کردن طول کابل اصلی چندراهی بوده‌اند. از ابتدا درست انتخاب کنید!

## ۳. میزان جایی که دو شاخه‌ها یا آداپتورها برای اتصال نیاز دارند

آداپتورهای مختلف اندازه‌های متفاوتی دارند، حتماً برای شما نیز تا به حال فراوان اتفاق افتاده که نتوانسته‌اید از آداپتور لپ‌تاپ و مودم ADSL در کنار هم استفاده کنید. در صورتی که تمامی دستگاه‌هایی که به چندراهی متصل می‌کنید آداپتورهای نسبتاً بزرگی دارند، می‌بایست که از ابتدا به فاصله درگاه‌های چندراهی دقت کنید.

## ۴. محل نصب، نوع و طراحی چندراهی

پیش از این که چندراهی تهیه کنید محل نصب آن را مشخص کنید. چندراهی‌ها طراحی متفاوت جهت کارکرد در محیط‌های متفاوت دارند. مثلاً برخی از چندراهی‌ها ظریف و زیبا جهت استفاده در اتاق پذیرایی خانه یا در محل کار مدرن شما طراحی شده‌اند. این در حالی است که برخی دیگر از ظرافت بی‌بهره‌اند و برای کارکرد در کارگاه طراحی شده‌اند.

در صورتی که دارای فرزند کوچکی هستید، می‌بایست از چندراهی استفاده کنید که منافذ آن دارای محافظ باشد، تا کودک کنجکاو نتواند اشیاء را در منافذ چندراهی وارد کند.

چندراهی‌هایی که در رک تجهیزات کامپیوتری نصب می‌شوند دارای بدنه محکم‌تر هستند و قابلیت نصب در رک‌های استاندارد را دارند.

## ۵. قابلیت اتصال کابل USB

این روزها تجهیزاتی که از کابل‌های USB جهت شارژ شدن استفاده می‌کنند کم نیستند. موبایل، تبلت، پاور بانک و... جزو تجهیزاتی هستند که با استفاده از پورت USB شارژ می‌شوند. در صورتی که چندراهی برقی انتخاب کنید که دارای پورت USB باشد می‌توانید از شر حمل و نقل آداپتور موبایل یا تبلت‌تان خلاص شوید. از طرفی بسیاری از تجهیزات دارای پورت‌های استاندارد هستند. مثلاً این روزها تمامی تجهیزات اپل نظیر iPhone یا iPad با استفاده از کانکتور lightning شارژ می‌شوند. در این صورت شما با حمل یک کابل کوچک بین محل کار و منزل می‌توانید تجهیزات متعددی را شارژ کنید.

## ۶. اتصالات چندراهی برق

چندراهی‌های برق جهت استفاده در کشورهای مختلف طراحی و تولید می‌شوند. برخی قابلیت کارکرد در ایالات متحده و برخی دیگر قابلیت استفاده در اروپا را دارند. برخی از چندراهی‌ها نیز با طراحی خلاقانه و خاص قابلیت کارکرد با انواع دو شاخه‌ها یا سه شاخه‌ها را دارند. در صورتی که که چندراهی مناسبی انتخاب کنید می‌توانید از شر مبدل‌ها رهایی یابید.

در شکل مقابل برخی از استانداردها و کشور محل استفاده از آنها را مشاهده می‌کنید. همانطور که در شکل مقابل ملاحظه می‌کنید نوع کانکتور کشور عزیز ما ایران مانند کانکتور کشورهای آلمان و فرانسه است.

## ۷. محافظت از تجهیزات در برابر نوسانات جریان برق

بسیاری از چندراهی‌ها حین داشتن دیگر قابلیت‌هایی که ذکر شد دارای یک محافظ داخلی نیز هستند. این محافظ داخلی در واقع از یک فیوز و یک متعادل‌کننده جریان تشکیل شده است. متعادل‌کننده جریان زمانی که شدت نوسانات زیاد نباشد می‌تواند نوسانات را کنترل کرده و جریان برق خروجی را پایدار کند و فیوز نیز زمانی کاربرد دارد که نوسانات بیش از حد تحمل متعادل‌کننده باشد. در این صورت فیوز می‌سوزد و جریان برق خروجی را قطع می‌کند و به نوسانات اجازه آسیب رساندن به تجهیزات متصل به چندراهی را نمی‌دهد.

## ۸. امکان خاموش و روشن کردن پورت‌های چندراهی به صورت کلی یا جداگانه

چندراهی‌ها ممکن است کلید خاموش و روشن شدن نداشته باشند، یا یک کلید برای قطع جریان تمامی خروجی‌ها به صورت همزمان و در حالتی مطلوب‌تر برای

هر یک از خروجی‌ها کلید جداگانه‌ای جهت قطع جریان برق داشته باشند. با توجه به نیازتان باید از بین این سه دسته انتخاب کنید.

در هر صورت بهتر است چندراهی انتخاب کنید که حداقل امکان خاموش و روشن کردن چندراهی را به صورت کلی داشته باشد. این مورد زمانی که محل کارتان را ترک می‌کنید یا سفر می‌روید بسیار راهگشا است و شما می‌توانید با فشردن یک کلید جریان برق خروجی چندراهی را قطع کنید.

در عین حال این روزها برخی از تولیدکنندگان خلاق امکان اتصال به چندراهی را از طریق شبکه Wi-Fi فراهم کرده‌اند که البته این دستگاه‌ها در بازار بسیار محدودند. در این صورت شما می‌توانید به صورت بی‌سیم ابزارهای خود را شارژ کنید.

## ۹. محافظ تلفن و آنتن تلویزیون

برخی از چندراهی‌های برق دارای درگاه ورودی و خروجی برای سیم تلفن و آنتن تلویزیون هم هستند.

شاید شما از این موضوع اطلاع نداشته باشید که سیم تلفن ورودی به منزل یا محل کار شما نیز می‌تواند دچار نوسانات ولتاژ برق باشد.

به عنوان مثال ولتاژ برقی که روی سیم تلفن وجود دارد از نوع DC و حدود ۴۸ تا ۵۲ ولت است. به دلایلی مانند وقوع رعدوبرق کابل تلفن ورودی به خانه شما نیز می‌تواند حامل ولتاژ بالاتر از حد استاندارد باشد. این موضوع می‌تواند باعث از بین رفتن دستگاه تلفن شود. همچنین کابل آنتن تلویزیون یا ماهواره نیز می‌تواند به دلایلی نظیر برخورد صاعقه به آنتن حامل ولتاژ برق بیش از حد شود. در این صورت اگر شما از محافظ استفاده نکرده باشید، ممکن است بر اساس میزان ولتاژ به تلویزیون یا گیرنده دیجیتال صدمات جبران‌ناپذیری وارد شود. این موضوع ممکن است از بین هر چند میلیون نفر برای یک نفر اتفاق بیفتد، اما شما می‌توانید هنگام خرید محافظ و چندراهی برق با پرداخت مابه‌التفاوت کمی خودتان را از زمره کسانی که ممکن است به این بلا دچار شوند حذف کنید.

در عکس زیر نمونه‌ای از یک محافظ و چندراهی را ملاحظه می‌کنید که دارای درگاه‌های محافظتی از ورودی سیم تلفن و کابل آنتن تلویزیون است.



پژوهشگران در دانشگاه ایالتی اوهایو سلول‌های خورشیدی بر پایه رنگدانه‌های مصنوعی ساخته‌اند که می‌تواند انرژی خود را از طریق تنفس هوا و تخریب و بازسازی پراکسید لیتیم تامین کند. سازندگان این باتری معتقدند که این ابزار به خوبی توانسته سلول‌های خورشیدی و باتری‌ها را با هم ترکیب کند و با این روش قیمت انرژی‌های تجدید پذیر را تا ۲۵ سنت کاهش دهد.

امروزه هدفی که بیشتر پژوهشگران حوزه‌ی انرژی دنبال می‌کنند همراه کردن یک سلول خورشیدی با یک باتری کوچک و ارزان است تا بتوان از انرژی خورشیدی همیشه بهره برد؛ اما کاری که این پژوهشگران به انجام رساندند ساخت ابزاری است که بتواند هر دوی این‌ها را همزمان در خود جای دهد که این موجب کاهش هزینه‌ی نهایی تولید خواهد شد.

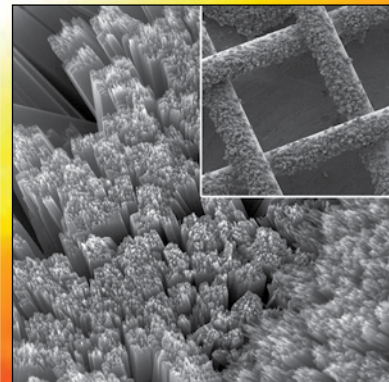
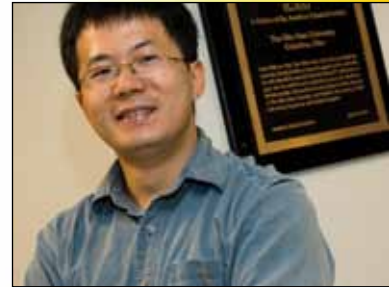
این طراحی جدید از ۳ الکتروود بهره می‌برد که با طراحی چهار الکتروود رایج، متفاوت است. در قسمت زیر این باتری، یک صفحه‌ی لیتیومی قرار دارد در حالی که یک لایه‌ی الکتروولیت بالای آن، سپس یک لایه‌ی متخلخل از صفحه‌ی کربنی و مجدداً لایه‌ی دیگر از الکتروولیت درون آن قرار داد. در بالا نیز توری نفوذ پذیری از جنس تیتانیوم قرار گرفته است که در خود رنگدانه‌های حساس دی اکسید تیتانیوم را جای داده است. همانطور که در عکس مشاهده می‌کنید این لایه بیشتر شبیه به جنگلی از بوته‌ها به نظر می‌رسد البته در مقیاس یک میکرومتر و قرار است این لایه در بر خورد با نور خورشید یون‌های تری‌وید تولید کند. این یون‌ها سپس به سمت الکتروود اکسیژن سرازیر می‌شوند جایی که قرار است به پراکسید لیتیم تبدیل شوند. وقتی این باتری در مدار قرار می‌گیرد، پراکسید لیتیم به یون‌های لیتیم و اکسیژن تفکیک می‌شود که اکسیژن وارد اتمسفر شده و یون‌های لیتیم نیز در بخش فلز لیتیم ذخیره می‌شوند. با مصرف شدن شارژ باتری چرخه به صورت معکوس شده و با گرفتن اکسیژن هوا از محیط اطراف و مصرف آن پراکسید لیتیم را مجدداً تولید می‌کند، این چرخه می‌تواند بارها ادامه پیدا کند و باتری همواره شارژ خواهد ماند.

توری که بر بالای این باتری قرار می‌گیرد با استفاده از رنگدانه‌های قرمز رنگی که از ترکیبات روتنیوم است پوشیده شده است که وظیفه‌ی آن تبدیل طول موج نور دریافتی است. این رنگدانه‌ها نور را جذب می‌کنند و با آزاد کردن الکترون، بار محلول پایینی خود را ثابت نگه می‌دارند. متأسفانه این رنگدانه‌ها پس از ۸ ساعت ادامه‌ی چرخه‌ی شارژ و دشارژ باتری به پایان می‌رسند که برای کاربرد به عنوان یک باتری خورشیدی بسیار کوتاه است. این پژوهشگران برای رفع این مشکل از زنگ آهن به عنوان جایگزین رنگدانه مصنوعی اکسید تیتانیوم بهره بردند که به نظر بازدهی بهتر و پایداری بسیار بالاتری دارد، به طوری که می‌توان امیدوار بود با استفاده از آن بتوان باتری‌های بسیار بهتری را ساخت.

در صورتی که این پژوهشگران بتوانند ماده‌ای بهتر و با بازدهی ۱۰۰ درصدی در مقایسه با بازدهی ۸۰ درصدی کنونی جهت جایگزینی اکسید تیتانیوم بیابند، که البته پایداری بهتری نیز داشته باشد می‌توان امیدوار بود که به زودی شاهد باتری‌های خورشیدی به صورت تجاری خواهیم بود. با استفاده از چنین باتری‌هایی صرفه جویی بسیار زیادی در هزینه‌های انرژی خواهد شد چراکه بیش از ۲۵ درصد انرژی مورد نیاز برای شارژ باتری‌ها در طی فرایند تولید و انتقال اتلاف می‌شود که با توجه به میزان مصرف این انرژی مقدار قابل توجهی به شمار می‌رود.

جزئیات این پژوهش را می‌توانید در نشریه‌ی علمی Nature Communications مطالعه نمایید.

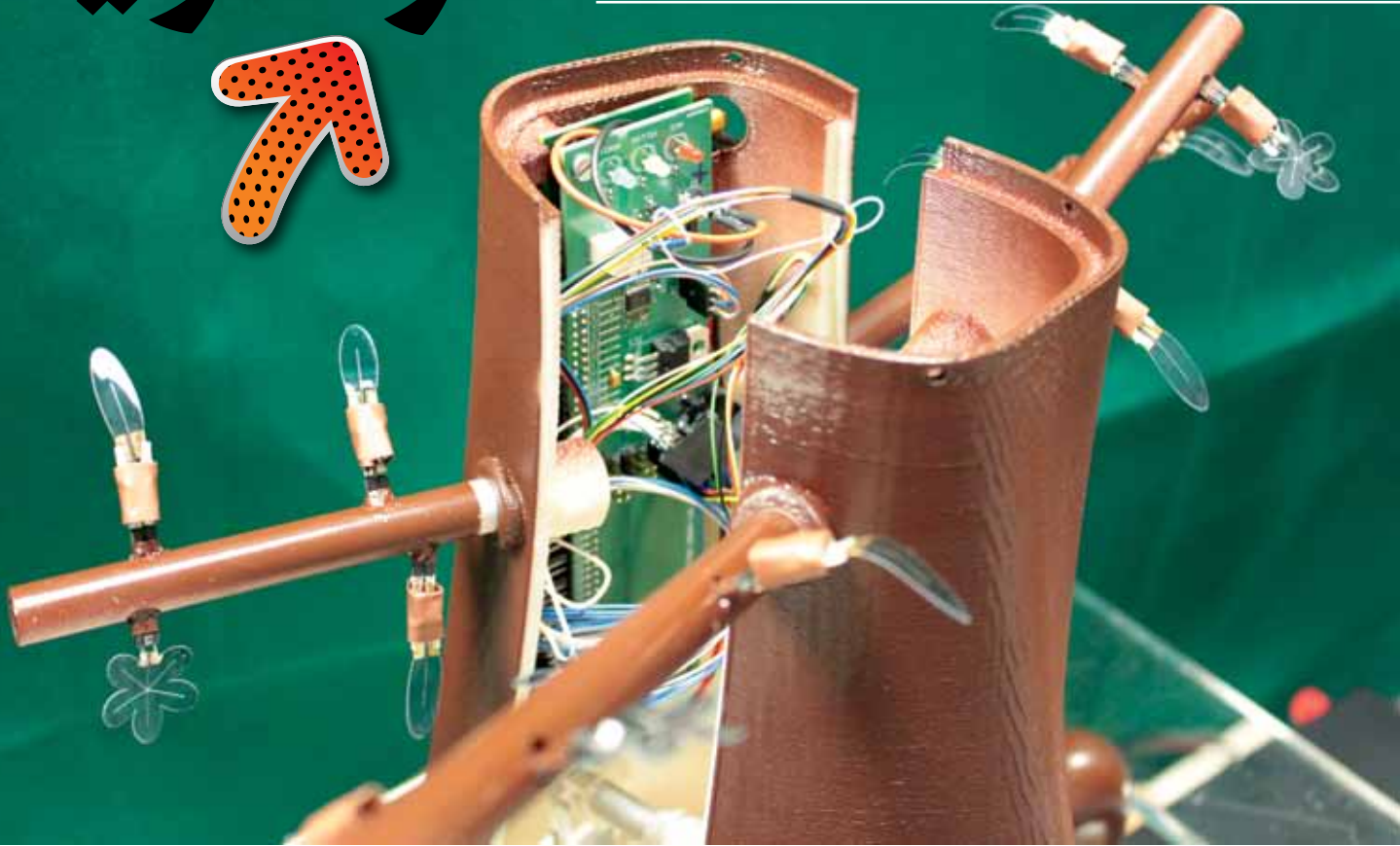
Yiyang Wu, professor of chemistry and biochemistry at Ohio State



## نخستین باتری خورشیدی جهان که با هوا و نور، خود را شارژ می‌کند

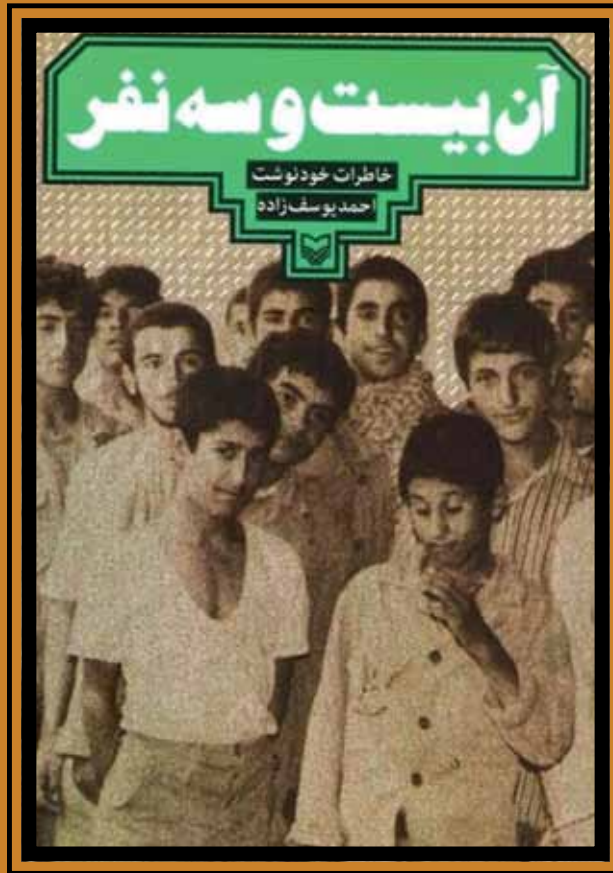


# درختوید PLANTOID



خود را تغییر دهد، درست مثل یک درخت واقعی! همچنین می‌توان آن را به گونه‌ای مجهز کرد که از مواد سمی محیط نیز دوری کند. ریشه‌ی دیگر به قابلیت نفوذ به بستر زیرین مجهز است. سر چرخانش، این اجازه را می‌دهد که با چرخیدن و کنار هم قرار دادن پیچ‌های لوله‌ای را شکل دهند تا همچون یک ریشه مستحکم عمل خواهد کرد. در شکل کنونی، این ربات در واقع تنها مدل جهت اثبات مفهومی این نوع ربات‌ها به شمار می‌آید. با توسعه‌ی این ربات می‌توان برای مثال بخش ریشه‌ها را به گونه‌ای توسعه داد که همچون یک ابزار اندوسکوپی مثلاً برای تعیین محل دفن شدن قربانیان حوادث طبیعی به کار رود. همچنین این نوع ربات‌ها را می‌توان برای تحت نظر داشتن شرایط محیطی همچون وضعیت خاک یا سطح آلودگی‌ها در زمین به کار برد. به محض اینکه این ربات در محیطی کاشته می‌شود، می‌تواند به کمک ریشه‌هایش خود را در آن محل پایدار کرده و سپس به پایش محیط پردازد. این پروژه سال ۲۰۱۲ آغاز به کار کرد و سال آینده نیز به پایان می‌رسد. پژوهشگران در طی این مدت می‌خواهند علاوه بر افزودن بر قابلیت‌های این درخت آن را به گونه‌ای تجهیز کنند که بتواند انرژی خود را از محیط اطراف خود به دست آورد.

دنیای حیوانات سرشار از تحرک و ایده‌های ناب برای پژوهشگران عرصه‌ی رباتیک است. تعجبی هم ندارد که تا کنون شاهد ربات‌های حیوان‌نمای بسیاری بوده‌ایم؛ اما چرا گیاهان تاکنون چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند؟ آیا نمی‌توان درختی رباتیک ساخت؟ درست است که آن‌ها از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر جابجا نمی‌شوند، اما آن‌ها هم روش زندگی خود را دارند و البته تحرکات خاص خود! دانشمندان طی پروژه‌ای به نام PLANTOID با همان درختوید (بر وزن اندروید) در تلاش هستند تا رباتی مشابه درختان بسازند و البته امیدوارند تا نوادگان این ربات بتوانند در پژوهش‌های انسان در سایر سیاره‌ها به کار بیایند. بدنه‌ی اصلی این ربات از یک تنه‌ی پلاستیکی تشکیل شده که به روش چاپ سه بعدی ساخته شده است و درون آن ریزپردازنده‌ها قرار گرفته‌اند. خارج از این تنه نیز چند شاخه قرار دارند که برگ‌هایی که دارای حسگرهای دما، رطوبت، جاذبه، تماس و مواد شیمیایی هستند بر روی آن‌ها قرار می‌گیرند. اما ریشه‌های گیاه، محل عملیات اصلی آن به شمار می‌آیند. یکی از این ریشه‌ها که قابلیت انعطاف‌پذیری بالایی نیز دارد در سر خود به یک حسگر لامسه مجهز شده است که با استفاده از آن می‌تواند راه خود را در خاک پیدا کند و در صورت مواجه شدن با مانعی سخت جهت حرکت



آن بیست و سه نفر  
احمد یوسفزاده  
انتشارات سوره مهر  
چاپ اول / تهران ۱۳۹۳  
۲۵۰۰ نسخه / ۴۰۸ صفحه  
قیمت ۱۵ درهم

«آن بیست و سه نفر» خاطرات دوران اسارت احمد یوسفزاده، یکی از نوجوانان به اسارت گرفته شده در جنگ ایران و عراق است که در عملیات بین المقدس دستگیر می‌شوند.

«برخلاف تصورمان ابوقاص خیلی آتشی نشد. گفت: «پس شما می‌خواید قهرمان بازی در بیارید! شما می‌خواید مثل بابی ساندرز مشهور بشید! ولی کور خواندید. همین جا از گرسنگی می‌میرید. صداتون از این دیوار هم اون طرف تر نمی‌ره.» این را گفت و از زندان خارج شد. جمع شدیم دور هم، یک گام جلو افتاده بودیم. احساس پیروزمندانه‌ای داشتیم. گذشته از این، تهدید شکنجه با آب جوش هم عملی نشده بود. امیدوار بودیم تا آخر راه پیش برویم.<sup>۱</sup>



# آن بیست و سه نفر

## ● موضوع داستان

آن بیست و سه نفر در واقع خاطرات بیست و سه نوجوانی است که در عملیات بیت المقدس به اسارت نیروهای عراقی درآمدند. احمد یوسفزاده، یکی از آن نوجوانان است که پس از آزادی خاطراتش را در این کتاب به تصویر کشیده است. بیست و سه نوجوان پس از دستگیری به کاخ صدام حسین منتقل می‌شوند و با وی دیدار می‌کنند. صدام حسین از دیدن آنها متعجب می‌شود. وی به آنها می‌گوید آزادشان خواهد کرد تا بروند درس بخوانند و دکتر و مهندس بشوند و بعد از آن برایش نامه بنویسند. در آن جلسه صدام حسین به آنها می‌گوید اکنون باید در کلاس درس باشند نه در جبهه و اظهار می‌دارد کودکان دنیا کودکان ما هستند.

صدام حسین با این حال نوجوانان را وادار به اعتراف اجباری می‌کند و از آنها می‌خواهد بگویند به اجبار حکومت ایران به جنگ واداشته شده‌اند. نوجوانان دست به اعتصاب غذایی می‌زنند و پس از پنج روز بی غذایی و بی آبی نیروهای عراقی مجبور می‌شوند آنها را نزد سربازهای اسیر ایرانی در اردوگاه رمادی بفرستند. از آنجا نیز به اردوگاه موصل و بین القفسین فرستاده می‌شوند و دوران طولانی اسارت را می‌گذرانند.

این خاطرات بیشتر مربوط به بخش نخست اسارت آنان است. در این اثر خاطرات همه این بیست و سه نفر به شکل داستانی و با تعلیق‌های روایی به تصویر کشیده می‌شود. این کتاب حاوی خاطرات و رشادت‌های نوجوانان رزمنده‌ای است که مقاومت را ترجیح می‌دهند و حماسه بزرگی می‌آفرینند.

## ● چند کلامی درباره بیست و سه نوجوان رزمنده

بیست و سه نوجوان رزمنده در سال ۱۳۶۱ در عملیات بیت المقدس توسط نیروهای عراقی دستگیر می‌شوند. عملیاتی که منجر به آزادسازی خرمشهر می‌شود. در پی این عملیات خشم صدام حسین بالا می‌گیرد. اکثر این نوجوانان از بچه‌های کرمان هستند و از تیپ ثارالله داوطلب جنگ شده بودند. این نوجوانان پس از اینکه وارد کاخ صدام می‌شوند مورد بازجویی قرار می‌گیرند. صدام حسین آنان را وادار به بیان اعتراف‌های اجباری می‌کند و از آنان می‌خواهد اجباری بودن اعزاز نوجوانان به جبهه‌های جنگ در ایران را تایید کنند. کاری که می‌توانست افکار عمومی جهانیان را بر علیه ایران تشدید کند. این اعترافات می‌توانست همچنین افکار عمومی را در جهت خواسته‌های رژیم بعث عراق تغییر دهد و دنیا را با آنها همسو کند.

نویسنده کتاب که خود یکی از نوجوانان به اسارت کشیده شده است می‌نویسد: دلیل این جنگ روانی این بود که عراقی‌ها در جریان عملیات بیت المقدس شکست سختی خورده بودند و قصد داشتند آن شکست را جبران کنند. صدام حسین پیش از عملیات گفته بود اگر ایران بتواند خرمشهر را آزاد کند من کلید بصره را به ایران تحویل خواهم داد. زمانی که بعثی‌ها خرمشهر را از دست دادند، این پروژه را برای فرار از شکست خود ترتیب دادند و در روزنامه‌های عراقی اکاذیبی را به ما نسبت دادند.

این خاطرات بیشتر مربوط به بخش نخست اسارت آنان است. در این اثر خاطرات همه این بیست و سه نفر به شکل داستانی و با تعلیق‌های روایی به تصویر کشیده می‌شود. این کتاب حاوی خاطرات و رشادت‌های نوجوانان رزمنده‌ای است که مقاومت را ترجیح می‌دهند و حماسه بزرگی می‌آفرینند.

## ● چگونه نوجوانان با جنگ روانی صدام حسین می‌جنگند

نوجوانان برای فرار از این جنگ روانی دست به اعتصاب غذایی می‌زنند و پنج روز کامل آب و غذا نمی‌خورند. آنها با اعتصاب خود یک بار دیگر صدام را شکست می‌دهند. نوجوانان زندان بغداد را ترک می‌کنند و اردوگاه‌های دیگر نزد سایر سربازهای اسیر ایرانی فرستاده می‌شوند.

## ● در حاشیه دیدار با صدام حسین

صدام حسین به همراه دخترش از این بیست و سه نوجوان دیدار می‌کند و با آنها عکس می‌گیرد که همین عکس‌ها دست آویز روزنامه‌های عراقی می‌شود. احمد یوسفزاده پس از آزادی برای صدام حسین نامه‌ای می‌نویسد و وی را محکوم می‌کند که بر سر کودکان حلبچه گاز خردل ریخته و امیرشاه پسندی نوجوان پانزده ساله کرمانی را با سخت‌ترین شکنجه‌ها آزار داده است. کاری که با ادعاهایش مبنی بر این که کودکان دنیا کودکان ما هستند در تناقض است. احمد یوسفزاده این نامه را در سال ۱۳۷۵ برای صدام حسین می‌نویسد که ضمیمه کتاب است.

## ● چگونگی شکل‌گیری این داستان

نویسنده در مقدمه کتابش می‌نویسد: «ماجرای این بیست و سه نفر اتفاقی است که در هیچ جنگی رخ نداده است.»

احمد یوسف زاده این ماجرا را در سال ۱۳۷۰ یعنی یک سال پس از آزادی‌اش به رشته تحریر در می‌آورد. ماجرا توسط یکی از جوانان نوشته می‌شود و به کتابی کم حجم در می‌آید. پس از آن در سال ۱۳۸۵ داستان این کتاب توسط مهدی جعفری به مستندی سیزده قسمتی در می‌آید که از شبکه چهار پخش می‌شود. وقایع کتاب مربوط به سی سال پیش است و نگارش آن بر اساس دست نوشته‌های نویسنده و همچنین فیلم مستند مهدی جعفری است که حاوی ساعت‌ها مصاحبه با گروه بیست و سه نفری است. در این کتاب فقط به هشت ماه از هشت سال و سه ماه و هفده روز اسارت این نوجوانان است و باقی سال‌های اسارت در رمادی، موصل و بین القفسین هنوز به رشته تحریر در نیامده است. تقسیم بندی کتاب فصل‌های سال را نمایندگی می‌کند. یعنی در چهار فصل بهار، تابستان، پاییز و زمستان روایت می‌شود که همگی مربوط به سال ۱۳۶۱ است. از این بیست و سه نفر ۱۶ نفر اهل کرمان هستند و در حال حاضر تنها یکی از آنها چشم از جهان فرو بسته است.

## ● عناوین کتاب

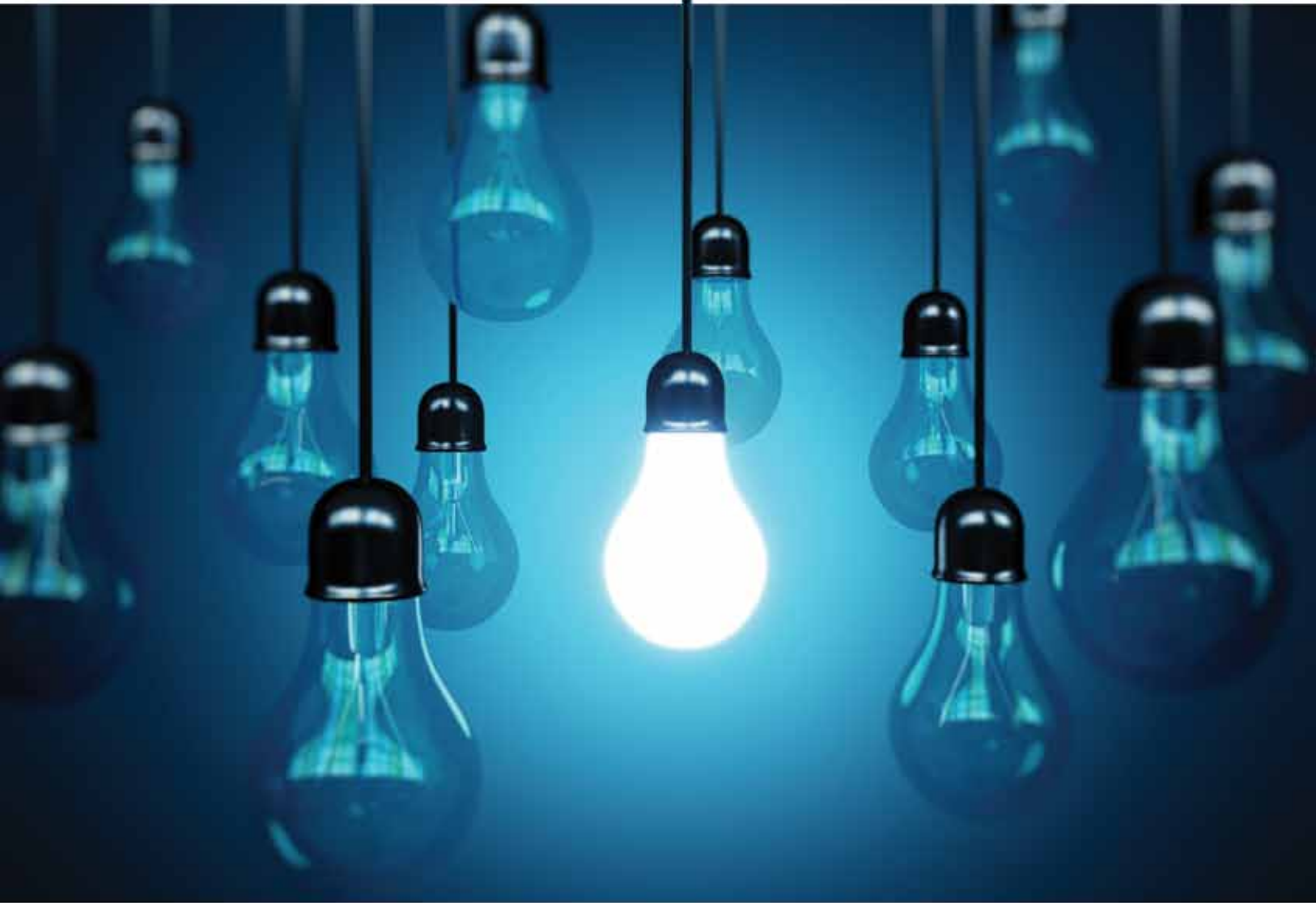
این کتاب حاوی یک پیش فصل است که شامل هفت بخش کوتاه به عنوان مقدمه داستان است و چهار فصل بهار، تابستان، پاییز و زمستان. در پایان کتاب نیز نامه احمد یوسف زاده به صدام حسین و تعدادی عکس از روزنامه‌ها و گروه بیست و سه نفره ضمیمه شده است.

پی‌نوشت

۱. صفحه ۳۵۰ کتاب

خداوند به او وحی کرد: ای موسی!  
من همنشین کسی هستم که مرا یاد کند.  
**نحن اقرب الیک من حبل الوريد**

موسی (ع) در مناجات خود، به خدا عرض کرد:  
پروردگارا آیا تو نزدیک هستی، تا با تو (آهسته)  
راز و نیاز کنم، یا دور هستی، تا فریاد کنم؟



کمال‌الدین علی محتشم کاشانی شاعر ایرانی عهد صفویه و معاصر با شاه طهماسب اول است. وی در سال ۹۰۵ هجری قمری در کاشان زاده شد و بیشتر دوران زندگی خود را در این شهر گذراند. نام پدرش خواجه میراحمد بود. کمال‌الدین در نوجوانی به مطالعه علوم دینی و ادبی معمول زمان خود پرداخت. معروفترین اثر وی دوازده بند مرثیه‌ای است که در شرح واقعه کربلا سروده است. وی در ربیع الاول سال ۹۹۶ هجری قمری (به روایتی ۱۰۰۰ هجری قمری) در کاشان درگذشت.

### بند اول

باز این چه شورش است که در خلق عالم است  
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است  
باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین  
بی نفع صور خاسته تا عرش اعظم است  
این صبح تیره باز دمید از کجا کزو  
کار جهان و خلق جهان جمله در هم است  
گویا طلوع می کند از مغرب آفتاب  
کاشوب در تمامی ذرات عالم است  
گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست  
این رستخیز عام که نامش محرم است  
در بارگاه قدس که جای ملال نیست  
سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است  
جن و ملک بر آدمیان نوحه می کنند  
گویا عزای اشرف اولاد آدم است  
خورشید آسمان و زمین نور مشرقین  
پرورده کنار رسول خدا حسین

منبع / ganjoor.net

وَدَيْتُ لِي قَدَمَ صَدِيقِي عِنْدَكَ مَعَ  
الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ  
الَّذِينَ بَدَلُوا مَنَاجِبَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ



سکه دریک اولین سکه زرین ایران  
با نقش کماندار هخامنشی

پول از کجا آمده و چه تاریخچه‌ای را در پشت سر دارد؟ خواندن این مطلب به شما کمک می‌کند تا با سرگذشت این شی پرماجا آشنا شوید.

در گذشته دیرین برای تداوم حیات، نیاز هر فرد با تلاش فردی (شکار - تولید و ...) تامین می‌شد ولی با گذشت زمان هرگز به تولید شخصی قانع نبود و اگر در آن روز بشر نمی‌توانست با زور هر چه می‌خواهد به چنگ آورد ناگزیر حاضر می‌شد از راه معاوضه جنس با جنس (معاوضه مستقیم کالا با کالا) نیازهای عادی زندگی را فراهم کرده و از این راه امرار معاش نماید. در اینگونه داد و ستدهای اولیه (قرن‌ها پیش از میلاد) معاوضه دو کالا با هم بدون تعیین ارزش و معیاری برای سنجش انجام می‌پذیرفت تا آنکه راه (مبادله غیرمستقیم کالا با کالا) را در پیش گرفت و همین انتخاب موجب پیدایش «پول» گردید.

# تاریخچه‌ی پول



## سکه شاه عباس دوم

شاه عباس دوم که از ۱۰۲۱ تا ۱۰۴۵ خورشیدی (۲۴ سال) پادشاهی کرد فرزند و جانشین شاه صفی بود.



## اولین اسکناس ایران که در زمان ناصرالدین شاه قاجار انتشار یافت

سه شنبه، ۲۱ فروردین ۱۲۷۹ • 10 April 1900



### پیدایش پول

#### ۱. کالا، واسطه مبادله

همانطور که اشاره شد در جوامع نخستین تحصیل انواع کالاهای تولید شده جهت مصرف صرفاً از طریق تعویض و مبادله دو کالا امکان‌پذیر بود و این مبادله مشکلات بسیاری به همراه داشت از جمله:

الف. امکان تعیین ارزش کالا براساس قبول واحد معینی که مورد تایید طرفین معامله باشد نبود.

ب. یافتن طرفین مبادله دو کالا (گوسفند و گندم) که هر دو نیاز به کالاهای عرضه شده طرف دیگر داشته و آماده مبادله باشند چندان آسان نبود.

بشر در ابتدا برای حل چنین مشکلاتی اشیاء یا کالاهایی را به عنوان واسطه مبادلات به جهت سهولت داد و ستد انتخاب کرد و انتخاب آن بستگی به نوع و فراوانی آن شیء یا کالای واسطه در آن محدوده یا شهر داشت مثل صدف در سواحل دریا و گوسفند و گاو در نواحی کوهستانی و معتدل.

#### ۲. مسکوک فلزی

تنوع تولید و لزوم رفع نیاز بشر از تولیدات مختلف در سیر گسترش اقتصاد کشورها موجب پیدایش دو کالای اقتصادی با ثبات ارزش نسبی که مورد قبول عامه باشد گردید و این دو کالای فلزی طلا و نقره بود.

پس از آنکه فلزات قیمتی (طلا و نقره) کشف شد و مزایا و وجوه تمایز آنها نسبت به کالاهای دیگر به ویژه فلزاتی مثل آهن و مس و مفرغ شناخته شد، جایگزین وسایل مبادلاتی قبلی که فاقد خصوصیات فیزیکی طلا و نقره (و فور تولید بودند) شدند و به عنوان «پول» مورد استفاده قرار گرفتند.

با گذشت زمان مسئولان امور در جوامع مختلف برای رونق داد و ستد و توسعه تجارت نسبت به ضرب سکه‌های طلا و نقره اقدام نمودند. برای انجام این کار، شمش‌های طلا و نقره را به سکه‌های کوچک و متنوع تبدیل و سپس آنها را به مهر خود مهور و در قلمرو جغرافیایی خویش رایج ساختند.

بطوریکه مورخان می‌گویند اختراع سکه از سده هفتم پیش از میلاد مسیح در کشور لیدی پا گرفته، ولی در اکتشافاتی که اخیراً در کشور هندوستان شده مسکوکاتی بدست آمده که ظاهراً مربوط به پنج هزار سال قبل است (سه هزار سال پیش از میلاد). «هروودت» مورخ سده پنجم قبل از میلاد مسیح می‌نویسد: «در میان مردم و ملت‌هایی که ما می‌شناسیم مردمان لیدی نخستین کسانی هستند که برای مصرف خود از زر و سیم سکه زدند.»

البته گروهی از محققین علوم باستان‌شناسی معتقدند که این افراد (ضرب‌کنندگان سکه) مهاجرین یونانی بودند که در خدمت دولت لیدی سکه زدند و جهانیان این اختراع را که پس از اختراع خط بزرگترین اختراع است مدیون یونانی‌ها می‌دانند. پیش از روی کار آمدن هخامنشیان و سقوط کشور لیدی، ایرانیان از اختراع پول و رواج آن در خاک همسایه خود آگاهی داشته‌اند زیرا پس از فتح لیدی به دست کوروش که این سرزمین نیز در قلمرو حکومت هخامنشیان درآمد در اکروسارس پایتخت لیدی کارگاه سکه‌زنی (ضرابخانه) وجود داشته و به تحقیق دانشمندان امروزی ثابت شده که اختراع سکه در روزگار شهریار خاندان مرمناذ اتفاق افتاده است.

اولین سکه‌ای که در ایران رواج یافت، در زمان داریوش اول (۵۱۶ ق.م) ضرب شد و نام آن دریک بود و سکه دیگری که رواج داشت «شکل» بود که وزن ۵/۶ گرم نقره.

#### ۳. پول کاغذی

همزمان با نقشی که پول فلزی در بازارهای مختلف مبادلات و معاملات پیدا کرد کار داد و ستد و تجارت را توسعه بخشید و موجب گسترش حرفه صرافی شد. صاحبان این حرف واسطه عملیات پولی بین تجار در داخل و خارج از کشور بودند که عملکردشان مقدمه نشر پول کاغذی و تشکیل بانک‌های امروزی گردید.

نشر پول کاغذی در دوران پیشین به صور مختلف وجود داشته که در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون دارای نقش و وظایف محدود و خاصی بوده است. مثلاً در روم قبل از میلاد، صراف‌ها اسناد کاغذی (دست‌نوشته‌هایی) در اختیار مشتریان خود می‌گذاشتند یا به اشخاصی که مسکوکات (فلزات قیمتی) خود را پیش آنها به امانت می‌گذاشتند، سندی به عنوان «قبض رسید» می‌دادند.

این اسناد که به همین عنوان «قبض رسید» معروف بودند، به اعتبار صراف صادرکننده در بازار دست به دست می‌گشتند و عملاً وظایف پول مسکوک و رایج آن زمان را انجام می‌دادند.

این رویه پایه‌گذار سیستم پول کاغذی به اسکناس شد که از بدو انتشار رابطه ثابتی بین ارزش اسکناس معاملاتی با طلا و نقره برقرار ساخت و قانونمند گردید و از قرن نوزدهم، در چارچوب مقررات و قوانین پولی و بانکی هر کشور و تحت عنوان پول قانونی، رایج و در اقتصاد و سرمایه‌داری متداول و مطرح شد. شاید اختراع پول یکی از کشفیات شگرف و بی‌نظیری باشد که بشر توانست مشکلات موجود در مبادله کالاها و خدمات را به کلی برطرف سازد.



# جامعه آماری و نمونه برداری

تحقیق علمی با هدف شناخت یک پدیده در یک جامعه آماری انجام می‌شود. به این دلیل، موضوع تحقیق ممکن است متوجه صفات و ویژگی‌ها، کارکردها، و متغیرهای آن باشد یا این که روابط بین متغیرها، صفات، کنش و واکنش و عوامل تأثیرگذار در جامعه را مورد مطالعه قرار دهد. بنابر این محقق ابتدا باید جامعه مد نظر خود را مشخص و طبق آن به تحقیق بپردازد.

جامعه آماری را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: جامعه آماری عبارت است از کلیه عناصر و افرادی که در یک مقیاس جغرافیایی مشخص (جهانی یا منطقه‌ای) دارای یک یا چند صفت مشترک باشند. محقق به دو شکل ممکن است نمونه را انتخاب کند: یک شکل آن، این است که شانس انتخاب شدن را به تمامی افراد جامعه بدهد؛ یعنی روشی را برای انتخاب نمونه برگزیند که تمام افراد جامعه‌شناس مساوی برای انتخاب شدن داشته باشند. محقق برای انتخاب چنین نمونه‌ای با در نظر داشتن ویژگی‌های جامعه آماری می‌تواند از روش‌های گوناگونی استفاده کند که به آن اشاره خواهد شد. این روش انتخاب نمونه را روش انتخاب احتمالی یا اتفاقی می‌گویند که از آن به روش تصادفی نیز تعبیر می‌شود. رعایت اصل احتمال و شانس مساوی برای هر یک از افراد جامعه باعث می‌شود که نمونه منتخب معرف جامعه باشد و از ارزش علمی برخوردار بوده و صفات آن با صفات جامعه همخوانی و یکنواختی داشته باشد؛ به این ترتیب، می‌توان شاخص‌های محاسبه شده را براساس روش‌های خاصی به کل جامعه تعمیم داد و پارامترهای آن را برآورد کرد.

روش دیگر برای انتخاب نمونه از بین افراد جامعه، روش وضعی و غیراحتمالی است؛ یعنی همه افراد جامعه شانس مساوی برای انتخاب شدن به‌عنوان عضو نمونه را ندارند و در انتخاب افراد برای نمونه محقق نظریات خود را دخالت می‌دهد و به افراد خاصی در جامعه چشم می‌دوزد. نتایج بدست آمده از چنین مطالعه‌ای قابلیت تعمیم ندارد؛ یعنی محقق نمی‌تواند مقادیر محاسبه شده برای صفات یا شاخص‌های نمونه را به جامعه آماری تعمیم دهد و پارامترهای جامعه را از آن استنباط نماید. اینگونه نمونه‌ها را نمونه‌های تورش‌دار نیز می‌گویند.

بنابراین محقق وقتی قصد شناخت جامعه آماری را از طریق مطالعه نمونه‌ای از آن دارد باید حتماً روش اول را برای گزینش نمونه انتخاب کند تا نمونه از این طریق با جامعه مشابهت داشته باشد و صفات آنها بر یکدیگر مطابقت نماید و نمونه معرف جامعه باشد.

بدین ترتیب می‌توان نمونه و نمونه‌گیری را چنین تعریف کرد: نمونه عبارت است از تعدادی از افراد جامعه که صفات آنها با صفات جامعه مشابهت داشته و معرف جامعه بوده، از تجانس و همگنی با افراد

در این بخش به شرح روش صحیح پژوهش و گردآوری مطالب می‌پردازیم تا همه علاقه‌مندان و پژوهشگران با شیوه صحیح پژوهش آشنا و به نتایج مطلوب‌تر و مطبوع‌تر برسند و دانشجویان با روش صحیح پایان نامه نویسی آشنا شوند باشد که در این راه موفق باشند

## مفهوم نمونه

### نمونه‌های احتمالی

### نمونه‌های غیراحتمالی

### روش تخمین شخصی

### استفاده از تکنیک‌ها و روش‌های آماری



جامعه برخوردار باشند؛ از این رو نمونه‌گیری عبارت است از مجموعه اقداماتی که برای انتخاب تعدادی از افراد جامعه به‌نحوی که معرف آن باشند، انجام می‌پذیرد.

### مفهوم نمونه

هدف محقق شناسایی جامعه و تعیین پارامترهای مربوط به آن است. برای این کار یا باید به کلیه افراد جامعه مراجعه کند و صفت یا ویژگی موردنظر تحقیق خود را در آنها جویا شود؛ یا باید تعدادی از افراد جامعه را مورد مطالعه قرار دهد و از طریق جمع کوچکتری و با روش معینی، پی به صفات و ویژگی‌های جامعه ببرد. بدیهی است اگر جامعه موردنظر کوچک و حجم و تعداد افراد آن کم باشد، می‌تواند آن را بطور کامل مطالعه نماید. ولی اگر جامعه بزرگ باشد و امکانات و مقدرات وی اجازه ندهد، ناچار است از بین افراد جامعه تعداد مشخصی را به‌عنوان نمونه برگزیند و با مطالعه این جمع محدود، ویژگی‌ها و صفات جامعه را مطالعه کرده، شاخص‌ها و اندازه‌های آماری آن را محاسبه کند.

توضیح این نکته ضرورت دارد که در آمار به مقادیر اندازه‌گیری شده صفات مربوط به یک نمونه، شاخص آماری و به مقادیر اندازه‌گیری شده صفات مربوط به تمام جامعه پارامتر می‌گویند. استنباط آماری عبارت است از برآورد پارامترهای جامعه براساس شاخص‌های نمونه؛ یعنی اینکه پارامترهای جامعه نظیر میانگین، واریانس، انحراف استاندارد و غیره براساس شاخص‌های نمونه برآورد می‌گردد. (پارامترهای جامعه را معمولاً با حروف یونانی و شاخص‌ها را با حروف لاتین نشان می‌دهند؛ میانگین نمونه که با حرف X نمایش داده می‌شود.)

### نمونه‌های احتمالی

در این نمونه‌ها که به نمونه‌های اتفاقی و نیز تصادفی مشهورند اصل شانس برابر برای انتخاب افراد جامعه جهت عضویت در نمونه رعایت می‌گردد. نتایج این نمونه‌ها قابلیت تممیم به کل جامعه موردنظر را دارد؛ بنابراین، دارای ارزش و اعتبار علمی است. در واقع محقق می‌تواند از طریق محاسبه و برآورد شاخص‌های نمونه، پارامترهای جامعه نظیر میانگین، توزیع صفت، واریانس و انحراف استاندارد را برآورد و استنباط نماید. این نمونه‌ها عبارتند از: نمونه‌های احتمالی ساده، نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده، نمونه‌گیری گروهی یا خوشه‌ای، نمونه‌گیری مکانی، سایر نمونه‌گیری‌ها.

### نمونه‌های احتمالی ساده

- استفاده از قرعه‌کشی
  - استفاده از جدول اعداد تصادفی
  - استفاده از روش منظم یا سیستماتیک
- نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده**

### نمونه‌گیری گروهی و خوشه‌ای

- نمونه‌گیری خوشه‌ای محض
- نمونه‌گیری خوشه‌ای فضایی

### نمونه‌گیری مکانی

- طرح فرضی تقسیم‌بندی یک ناحیه جغرافیایی متجانس
- طرح نمونه‌گیری فرضی در طول یک خیابان

### سایر نمونه‌گیری‌ها

- نمونه‌گیری مادر یا پایه
- نمونه‌برداری چند درجه‌ای
- نمونه مختلط

### نمونه‌های غیر احتمالی

این نمونه‌ها براساس رعایت اصل شانس برابر برای افراد جامعه انتخاب نمی‌گردد، بلکه با نظر محقق برگزیده می‌شود؛ بنابراین، به آنها نمونه‌های غیراتفاقی یا تورش‌دار می‌گویند. از مختصات اینگونه نمونه‌ها آن است که نتایج و شاخص‌های محاسبه شده آنها را نمی‌توان به جامعه آماری تممیم داد و بعبارتی استنباط آماری بجز برای موارد مشابه از طریق آنها مقدور نیست و از این رو، اعتبار علمی ندارند. این نمونه‌ها عبارتند از:

- نمونه‌گیری سهمیه‌ای
- نمونه‌گیری اتفاقی
- نمونه‌ی وصفی
- نمونه‌ی موردی

### روش تخمین شخصی

در این روش محقق با در نظر گرفتن عواملی شخصاً نسبت به برآورد حجم نمونه یا تعیین درصد مشخصی از جامعه اقدام می‌کند؛ مثلاً ۱ یا ۲۰ یا ۵۰ درصد جامعه را نمونه قرار می‌دهد. طبیعی است هر چه جامعه کوچکتر باشد، این درصدها بزرگتر خواهد شد و برعکس هرچه جامعه بزرگتر شود، نسبت درصد نمونه کاهش خواهد یافت؛ یعنی بین نسبت درصد حجم نمونه و اندازه جامعه رابطه معکوس وجود دارد. در تخمین حجم نمونه توسط محقق عوامل زیر در نظر گرفته می‌شود:

۱. حجم و اندازه جامعه که به آن اشاره گردید.
۲. میزان تجانس جامعه یا پراکندگی صفت یا صفات در جامعه. یعنی هرچه جامعه از همگونی و یکدستی بیشتری برخوردار باشد و افراد بیشتری دارای صفات مشترک باشند، حجم کمتر نمونه نیز می‌تواند معرف باشد؛ یعنی بین میزان تجانس و همگونی افراد جامعه با حجم نمونه رابطه معکوس وجود دارد. هرچه تجانس بیشتر باشد، حجم نمونه کمتر و هرچه تجانس کمتر باشد حجم نمونه بیشتر خواهد بود. گاه تجانس‌ها آنقدر زیاد است که داستان مثبت نمونه خروار می‌شود یا حتی با تعداد اندکی می‌توان پی به خصوصیات جامعه برد.
۳. امکانات، مقدرات و زمان. بین این عوامل و حجم نمونه رابطه مستقیم وجود دارد، یعنی هرچه اینها بیشتر باشند محقق می‌تواند حجم نمونه را بیشتر افزایش دهد و هرچه حجم نمونه بیشتر افزایش یابد درجه اعتبار و معرف بودن نمونه برای جامعه افزایش می‌یابد.

روش تخمین تا حدی اعتبار دارد ولی همیشه این ابهام و سؤال باقی می‌ماند که آیا محقق توانسته است نمونه‌ای را مورد مطالعه قرار دهد که معرف جامعه باشد؟ و آیا شاخص‌های محاسبه شده از اعتبار لازم برای استنباط آماری و برآورد پارامترهای جامعه برخوردار بوده است؟

گاه برای حجم نمونه حدنصاب‌هایی ارائه می‌شود که خوب است محقق در تخمین حجم نمونه آنها را در نظر داشته باشد تا حداقل حجم نمونه از آن کمتر نشود. حدنصاب‌های زیر نمونه‌ای از این موارد است:

۱. در تحقیق همبستگی حداقل حجم نمونه ۳۰ نفر است.
۲. در تحقیق علی و آزمایشی حداقل حجم نمونه ۱۵ نفر است.
۳. در تحقیق توصیفی زمینه‌یاب و پیمایشی حداقل حجم نمونه ۱۰۰ نفر است.
۴. در تحقیقاتی که نیاز به طبقه‌بندی جامعه برای نمونه‌گیری می‌باشد، حداقل نمونه هر طبقه بین ۲۰ تا ۵۰ نفر است.

### استفاده از تکنیک‌ها و روش‌های آماری

محقق برای انجام دادن آن به دانستن اطلاعات و پارامترهایی درباره جامعه‌ای که قصد انتخاب نمونه از آن را دارد، نیاز دارد؛ مثلاً باید وضعیت توزیع یک یا چند صفت را که مورد مطالعه است، در جامعه بداند؛ مثلاً باید وضعیت توزیع یک یا چند صفت را که مورد مطالعه است، در جامعه بداند؛ یعنی بداند چند درصد جامعه آن صفات را دارند و چند درصد فاقد آن می‌باشند. همچنین، باید با انحراف استاندارد جامعه و با استفاده از روش‌های آماری حجم نمونه را برآورد کند. یکی از روش‌های آماری که معمولاً در ارتباط با مطالعه متغیرهای کیفی برای تعیین حجم نمونه مورد استفاده قرار می‌گیرد فرمول زیر است:

$$n = t^2 pq / d^2$$

در این فرمول  $Z=t$  اندازه متغیر در توزیع طبیعی (توزیع نرمال مربوط به منحنی گاوس) است که از جدول مربوط در سطح احتمال موردنظر استخراج می‌شود. گاه در فرمول به جای حرف  $t$  حرف  $Z$  نیز بکار می‌رود.  $P$ ، درصد توزیع صفت در جامعه یعنی نسبت درصد افرادی است که دارای صفت مورد مطالعه می‌باشند.  $q$ ، درصد افرادی است که فاقد آن صفت در جامعه هستند.  $d$ ، تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین محقق برای وجود آن صفت در جامعه است که حداکثر نسبت آن تا ۰/۰۵ است و دقت نمونه‌گیری نیز به آن بستگی دارد. به هنگام برآورد حجم نمونه برای صفات و متغیرهای کمی از فرمول  $n = t^2 S^2 / d^2$  استفاده می‌شود که  $S$  انحراف استاندارد جامعه است. محقق می‌تواند مقدار  $Z$  یا  $t$  را از جدول ۶ استخراج کند:

ردیف	درصد احتمال صحت گفتار	مقدار $t$
۱	۳/۶۸	۱
۲	۹۵	۱/۹۶
۳	۵/۹۵	۲
۴	۹۹	۲/۵۸
۵	۷/۹۹	۳
۶	۹/۹۹	۳/۲۹

رابطه  $t$  یا درصد احتمال صحت گفتار

نمونه‌گیری انتخاب کرد و به مطالعه آن پرداخت. پس از این مطالعه وضع توزیع صفت و انحراف استاندارد قابل محاسبه است و محقق می‌تواند براساس آن حجم نمونه را به روش‌های آماری محاسبه کند که اگر حجم محاسبه شده کمتر یا مساوی با حجم تخمینی باشد مشکلی پیش نمی‌آید و اگر بیشتر از آن باشد لازم است نمونه خود را اصلاح کند و تعداد آن را افزایش دهد.

تجربه نشان داده است که گاهی اوقات به دلایل گوناگون محقق امکان دسترسی به فرد نمونه را ندارد و عواملی نظیر عدم آمادگی و همکاری فرد نمونه در تکمیل و ارسال پرسشنامه و انجام دادن مصاحبه، موانع دولتی، ناامنی محیطی، بیماری، مهاجرت، فوت و حوادث دیگر مانع از دست یافتن به وی می‌شود. محقق باید برای چنین رویدادی پیش‌بینی لازم را بعمل آورد. در غیراینصورت، حجم نمونه کاهش خواهد یافت و کار تعمیر را دچار مشکل خواهد کرد. در اینجا اگر محقق بخواهد از روش جایگزینی خودخواسته استفاده کند و مثلاً همسایه یا دوست وی را به جایش قرار دهد، اصل شانس انتخاب یکسان را نادیده خواهد گرفت و نمونه او تورش دار خواهد شد و قابلیت تعمیر خود را از دست خواهد داد. برای جلوگیری از این امر، ناچار است مجدداً نمونه‌گیری انجام دهد و زحمت و هزینه بیشتری را متقبل شود.

برای پرهیز از چنین رویداد نامطلوبی بهتر است محقق در هنگام نمونه‌گیری درصدی را بعنوان ذخیره بیش از حجم برآورد شده برگزیند که اگر با چنین مشکلی روبرو گردید، بلافاصله بتواند از ذخیره‌ها جایگزین نماید.

با توجه به اینکه نمونه‌گیری خوشه‌ای و چندمرحله‌ای هزینه‌بر و زمان‌اجرای آن طولانی است، توصیه می‌شود محقق بطور سنجیده‌ای تعداد خوشه‌ها یا مراحل را کاهش دهد.

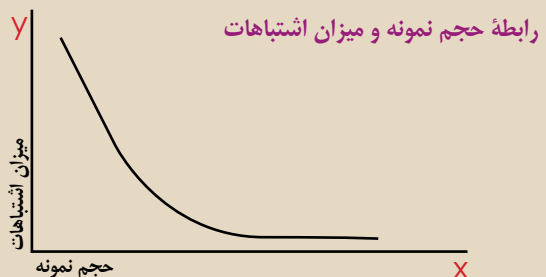
در تحقیقات توصیفی زمینه‌یاب و پیمایشی و نیز تحقیقاتی که نمونه‌گیری آنها از نوع طبقه‌بندی احتمالی است، بهتر است محقق حجم و تعداد نمونه را بیشتر در نظر بگیرد. ویژگی‌های یک نمونه خوب بشرح ذیل است:

۱. سودمندی و برخوردار بودن از جامعیت محتوا
۲. داشتن اعتبار و کفایت وصول به مقصود
۳. داشتن وضوح و برخوردار بودن از طبقه‌بندی و تعاریف بدیهی و روشن
۴. برخوردار بودن از سرعت در نمونه‌گیری
۵. اقتصادی بودن عملیات نمونه‌گیری
۶. قابلیت تعریف و تفسیر صحیح.

### ملاحظات مربوط به برآورد حجم نمونه

محقق باید در هنگام برآورد حجم نمونه به نکات زیر توجه و آنها را رعایت نماید:

- تعداد مواردی که بعنوان حجم نمونه محاسبه می‌شود در واقع بعنوان حدنصاب و حداقل نمونه مورد نیاز شناخته می‌شود؛ بنابراین اگر امکانات تحقیق اجازه بدهد، بهتر است محقق خود را بیش از حداقل افزایش دهد تا بدین وسیله بر اعتبار نتایج تحقیق خود بیفزاید؛ زیرا بهتر می‌تواند فرضیه صفر را رد کند. نمودار ۱۵ تصویری از این رابطه را ارائه می‌دهد.



رابطه حجم نمونه و میزان اشتباهات

در هنگام محاسبه حجم نمونه مورد نیاز، محقق ممکن است تنها با یک صفت روبرو نباشد و بخواهد چند صفت را از جامعه مطالعه کند. در این صورت، باید از طریق فرمول‌های یاد شده حجم نمونه مورد نیاز برای هر صفت را جداگانه محاسبه کند. سپس باید اعداد بدست آمده را با یکدیگر مقایسه نماید. آنگاه عددی را به عنوان حداقل حجم نمونه انتخاب کند که از همه بزرگتر باشد.

همیشه اینطور نیست که محقق برای برآورد حجم نمونه به پارامترهای جامعه و وضعیت توزیع صفت در آن دسترسی داشته باشد، بلکه ممکن است اساساً این موارد برای آن تعیین نشده باشد؛ بنابراین، وی ناچار است بنحوی به آنها دسترسی پیدا کند. یکی از راه‌های قابل دسترسی، استفاده از روش گمانه زدن است. بدین معنا که محقق می‌تواند بصورت گمانه‌ای یا استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای یا مکانی بخش‌هایی از جامعه را بررسی و وضع توزیع صفت یا واریانس آن را در آن مشخص نماید. آنگاه اقدام به برآورد حجم نمونه براساس آنها بکند. همچنین، می‌توان از روش ترکیبی استفاده کرد، به این معنی که با استفاده از روش برآورد تخمینی حجم نمونه مورد نیاز را حدس زد. سپس نمونه را با یکی از روش‌های





**NASIM** ◦ Student Monthly Magazine

Vol 2 . No 11 . November 2014 / Believe | Social | Cultural